



مجله علمی دعوت

سال دوم، شماره پنجم، زمستان ۱۴۰۰ هـ

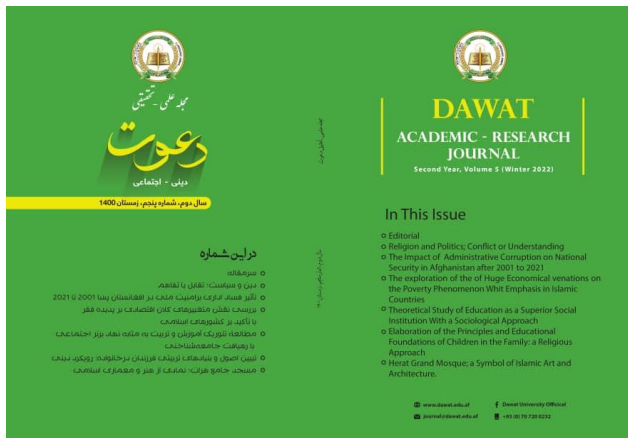
کابل، چهار راهی قمبر، ناحیه پنجم، پوهنتون دعوت - دفتر مجله علمی - تحقیقی دعوت.

۰۷۰۷۲۰۰۲۳۲

journal@dawat.edu.af

www.dawat.edu.af





آمریت تحقیقات علمی

شناس نامه

صاحب امتیاز:

پوهنتون دعوت

مدیر مسؤول:

لعل محمد دورانیش

سر دبیر:

دکتر محمد عارف فصیحی دولت‌شاهی

ویرایش:

ویرایشگاه پرینان صفحه

اعضای هیئت تحریر:

پوهاند عبد رب الرسول سیاف

پوهاند داد محمد نذیر

پوهاند میر حیات الله هاشمی

پوهندوی محمد ولی حنیف

پوهندوی عبدالناصر شفیق

دکتر شیر علی ظریفی

دکتر عنایت الله خلیل هدف

دکتر محمد یوسف نیازی

دکتر اظهار الحق عزیز

دکتر نصر من الله مجاهد

دکتر حبیب الرحمن رحیمی

دکتر محمد تمیم حیدری

استاد عبدالمنان دهراد

استاد عبدالحمید رسولی

استاد ابوالحسن صالحی

طرح جلد:

محمد شفیع فرملی

برگ‌آرایی:

بلال صدیقی

تیراژ:

۵۰۰ نسخه

ناشر:

نشریات پوهنتون دعوت

پوهنتون دعوت در بازنگری، اصلاح و ویرایش مقالات، دست باز داشته و نیز استفاده از مطالب این مجله با ذکر منبع مجاز است.

سال دوم، شماره پنجم، زمستان ۱۴۰۰ هـ ش

فهرست مطالب

۱ سرمقاله.....

۱ دین و سیاست؛ تقابل یا تفاهم.....

لعل محمد دورانیش

۲۱ تأثیر فساد اداری بر امنیت ملی در افغانستان پسا ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱.....

محمد سلیم ربانی

۵۳ بررسی نقش متغیرهای کلان اقتصادی بر پدیده فقر.....

محمد باقر معرفت و محمد رضا شجاعی

۹۳ مطالعهٔ تئوریک آموزش و تربیت به مثابه نهاد.....

محمد حنیف

۱۱۷ بنیادهای تربیتی فرزندان در خانواده: رویکرد دینی.....

زهرا رحمانی

۱۳۹ مسجد جامع هرات؛ نمادی از هنر و معماری اسلامی.....

پوهنوال زلمی هوتک

۱۵۵ شرایط تدوین مقاله علمی تحقیقی برای مجله علمی-تحقیقی دعوت.....

نظریات مندرج این مجله به پوهنتون دعوت تعلق نداشته و پوهنتون دعوت صرف نشرکنندهٔ این مطالب می‌باشد.

سرمقاله

این سخن پایان ندارد ای جناب گر بگویم یا نویسم صد کتاب

سپاس پروردگار هستی‌بخش را که به لطف و کرمش، یک بار دیگر توفیق را رفیقمان نمود تا با تدوین، گردآوری، تتبع و طبع مقالات وزین این مجموعه، ضمن ارتقای تولید دانش در جامعه علمی، منشاء اثر باشیم و بتوانیم قطره‌ای از ماحصل دست‌آوردهای علمی پژوهشی محققان و همکاران مجله علمی «دعوت» را به عنوان توشه‌ای گرانبها، پیشاروی دانش‌پژوهان و مخاطبان قرار دهیم.

اینک که پنجمین شماره نشریه علمی دعوت به زیور چاپ آراسته می‌گردد. به یقین از نویسندگان گرامی که فراخوان ما را جواب مساعد دادند، قدردانی کنیم. امیدواریم محققان، اساتید و دانشجویان با بهره‌گیری از نظرات سازنده خود ما را در بارور ساختن بیش از پیش نشریه هم در شکل و هم در محتوا، یاری فرمایند. چشم انتظار مقالات و پژوهش‌های علمی‌تان در شماره ششم هستیم. آنچه در این شماره می‌خوانید:

۱. مطالعه تئوریک آموزش و تربیت به مثابه نهاد برتر اجتماعی با رهیافت جامعه‌شناختی است که توسط نویسنده محترم محمد حنیف پژوهشگر مسایل اجتماعی و همکار قلمی مجله علمی-تحقیقی پوهنتون «دعوت» سامان یافته است. نویسنده در این پژوهش به دنبال مطالعه تئوریک آموزش و تربیت به مثابه نهاد برتر اجتماعی با رهیافت جامعه‌شناختی است. پژوهشگر به دنبال پاسخ به این سوال است که جامعه‌شناسی با چه نگاهی تئوریک نسبت به آموزش و تربیت و رابطه آن با جامعه نظر می‌افکند؟ فرضیه احتمالی و موقتی آن است که به صورت کلی و کلان «جامعه‌شناسی آموزش و تربیت» به مطالعه روابط میان آموزش و تربیت و جامعه، از طریق کاربرد منظم دانش، مفاهیم، نظریه‌ها، روش‌ها و فنون جامعه‌شناسی اقدام می‌کند. این مطالعه با روش بنیادی صورت گرفته و دارای نتایج کاربردی و توسعه‌ای است.

۲. دین و سیاست؛ تقابل یا تفاهم، دومین مقاله این مجموعه است که توسط جناب دوران‌دیش از اعضای کادر علمی پوهنتون دعوت سامان یافته است. پرسش محوری تحقیق کنونی چنین مطرح شده است: «رابطه دین و سیاست تقابلی است یا تفاهمی؟» فرضیه غالب این بوده که دین (اسلام) به عنوان یک آیین الهی و آسمانی و سیاست به عنوان یک پدیده زمینی و بشری، همواره در تفاهم بوده و دارای رابطه تأثیر و تأثر می‌باشند. این تحقیق نوعی تحقیق توصیفی-تحلیلی می‌باشد و اطلاعات با استفاده از روش کتاب‌خانه‌یی گردآوری شده است. یافته‌های نشان می‌دهد که دین و سیاست دو نهاد تعامل و تفاهم‌پذیرند و در یک جامعه دین‌مدار مسلمان، دین همواره نقش مشروعیت‌دهنده و آموزشی داشته و سیاست نقش حمایت‌کننده.

۳. تأثیر فساد اداری بر امنیت ملی در افغانستان پسا ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱، سومین نوشتار مقالات حاضر است که توسط محترم محمد سلیم ربانی عضو کادر علمی پوهنتون دعوت تدوین یافته است. سوال محوری این تحقیق از این قرار است: «فساد اداری در افغانستان پسا ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱، امنیت ملی را چگونه به خطر مواجه ساخت؟» فرضیه غالب این بوده که میان فساد اداری و تهدید امنیت ملی در افغانستان رابطه معناداری موجود بوده.

۴. تبیین اصول و بنیادهای تربیتی فرزندان در خانواده: رویکرد دینی، چهارمین پژوهش در این مجموعه است که خانم زهرا رحمانی پژوهشگر مسایل خانواده و همکار قلمی مجله علمی-تحقیقی پوهنتون دعوت آن را به رشته تحریر درآورده است. این مقاله با شیوه مطالعه اسنادی و تحلیلی در مقام پاسخ به این سوال اساسی است که زیرساخت‌های صحیح تربیت فرزندان از منظر دینی کدام اند؟ پاسخ موقتی و احتمالی این است که محبت، تکریم، رعایت عدالت، میانه‌روی، قاطعیت، توجه به رشد دینی و اخلاقی فرزندان از جمله زیرساخت‌های تربیت فرزندان در رویکرد دینی است.

۵. بررسی نقش متغیرهای کلان اقتصادی بر پدیده فقر با تأکید بر کشورهای اسلامی، پنجمین مقاله‌ای است که توسط جناب شجاعی تحقیق و قلمی شده است.

سوال اصلی تحقیق این است که؛ متغیرهای کلان اقتصادی بر پدیده فقر در کشورهای اسلامی چه تأثیر دارد؟ و فرضیه تحقیق هذا نیز چنین ارائه گردیده است «عدم استفاده درست از متغیرهای کلان اقتصادی در کشورهای اسلامی باعث فقر در این کشورها شده است». یافته‌های تحقیق بیان‌گر این است که فقدان سرمایه، رشد بی‌رویه جمعیت، پایین بودن سطح تکنالوژی، پس انداز پایین، سرمایه‌گذاری کم، درآمدهای پایین خانواده‌ها، افزایش انحرافات فکری، افزایش جرایم و جنایات در جامعه باعث افزایش فقر در کشور می‌شود.

۶. مسجد جامع هرات؛ نمادی از هنر و معماری اسلامی، ششمین نوشتار این مجموعه است که توسط جناب پوهنوال زلمی هوتک استاد پوهنتون کابل و همکار قلمی مجله علمی - تحقیقی دعوت تدوین شده است. او در بررسی‌های خود نشان می‌دهد که اختلاط هنر معماری و هنر تزیینی در روی دیوارها، مناره‌ها و رواق‌های مسجد هرات به مشاهده می‌رسد و از جمله هنر کاشی‌کاری با ظرافت خاص در زیبایی و استحکام مسجد به کار رفته است. در مقاله هذا از روش توصیفی - تحلیلی استفاده به عمل آمده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مسجد جامع هرات نظر به موقعیت جغرافیایی محل امتزاج هنرهای متعدد از قبیل هنر خطاطی، کاشی‌کاری، موزائیک‌کاری و رواق‌سازی بوده و به عنوان نمادی از هنر معماری اسلامی به شمار می‌رود.

با احترام

دکتر محمد عارف فصیحی دولتشاهی

سر دبیر مجله علمی - تحقیقی دعوت

دین و سیاست؛ تقابل یا تفاهم

لعل محمد دوراندیش*

*عضو کادر علمی پوهنځی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون دعوت

dorandish.1396@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۲/۵

چکیده:

فرایند سیر تاریخی معرفت‌های دینی و سیاست همواره مناقشه‌برانگیز بوده و در تاریخ اسلام طیف‌های مختلفی از طرفداران جدایی دین از سیاست و تعامل‌پذیر بودن آن، شکل گرفته است. مقاله کنونی برخلاف طرفداران جدایی حوزه دین از سیاست، به دنبال چگونگی تبیین رابطه آشتی‌پذیر بودن دین و سیاست پرداخته است. این مقاله در میان طرفداران برداشت تندرانه محض جدایی دین و سیاست و یکی بودن آن، دارای اهمیت ویژه بوده و به هدف برجسته‌سازی راه میانه رابطه دین و سیاست در جامعه اسلامی نگاشته شده است. پرسش محوری تحقیق کنونی چنین مطرح شده است: رابطه دین و سیاست تقابلی است یا تفاهمی؟ فرضیه غالب این بوده که دین به عنوان یک آیین الهی و آسمانی و سیاست به عنوان یک پدیده زمینی و بشری، همواره در تفاهم بوده و دارای رابطه تأثیر و تأثر می‌باشند. این تحقیق نوعی تحقیق توصیفی-تحلیلی می‌باشد و اطلاعات با استفاده از روش کتاب‌خانه‌یی گردآوری شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که دین و سیاست دو نهاد تعامل‌پذیر و تفاهم‌پذیرند و در یک جامعه دین‌مدار مسلمان، دین همواره نقش مشروعیت‌دهنده و آموزشی داشته و سیاست نقش حمایت‌کننده. در کل فرایند جامعه‌پذیری سیاسی آگاهانه و فهم معرفت‌اندیشانه از دین، به راحتی دین و سیاست را کنار هم می‌آورد که در نتیجه جامعه سیاسی دین‌دار و عقلانی ایجاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: دین، دین‌داری، سیاست، اسلام، تقابل و تفاهم.

مقدمه

دین و سیاست که منظور از واژه «دین» در این تحقیق، «دین اسلام» است، همواره با زندگی بشر گره خورده است و هر انسان در کنار اینکه به نحوی دارای باور دینی می‌باشد، در خصوص تنظیم امور اجتماعی، گرایش و تمایل به سیاست و سیاست‌ورزی نیز دارد. از همین رو، ارسطو انسان را حیوان سیاسی دانسته است. با وجود اینکه زندگی همه انسان‌ها با دین و سیاست رابطه عمیق دارد؛ اما از نظر دانشمندان و فیلسوفان سکولار و غیر سکولار، بحث رابطه دین و سیاست از جمله موضوعات مناقشه برانگیز در حوزه اندیشه سیاسی و دینی می‌باشد که به روشنی در مجامع علمی و آثار اندیشمندان مشاهده می‌شود. بحث جدایی حوزه دین و سیاست بیشتر از قرن سیزده میلادی به بعد به خاطر استبداد دینی کلیسا در کشورهای غربی وارد گفتمان ادبیات سیاسی گردید- این مسأله زمانی مطرح شد که روحانیون کلیسا امور این جهانی و آن جهانی را انحصاری کردند و با گذشت زمان، تعارض میان این دو دیدگاه (طرفدارن جدایی و یکی بودن حوزه دین و سیاست) به وجود آمد. از این رو، قرن‌های ۱۳ و ۱۴ میلادی اوج تعارض بین طرفداران مرجعیت کلیسا و اقتدار حکومت بود. این تعارضات، اعم در قلمرو عمل و نظر به شدت جریان داشت. کشمکش‌های مزبور، زمینه‌های تازه‌ای را برای طرح دیدگاه جدایی دین و سیاست فراهم کرد. طی همین مجادلات بود که مفاهیم مهمی چون حکومت عرفی، محدودیت قدرت کلیسا، مشارکت مردم در تعیین زمام‌دار، محدودیت حاکمیت زمام‌دار، حاکمیت مردم و... مطرح شد. تجاربی که در زندگی دینی اروپا طی صده میانه پیش آمد و به نحوی به تحولی ختم شد که شرایط جدایی دو حوزه (حوزه دین و سیاست) یا به تعبیر دیگر به جدایی حوزه روحانیت از سیاست شد. (پولادی، ۱۳۸۶: ۱۷) قابل یادآوری است که تقابل این دو دیدگاه منجر به بزرگ‌ترین تحولاتی مانند انقلاب رنسانس و عصرنوزایی پس از رهایی سیاست از چنگال روحانیون و کلیسا گردید. با این ملاحظه که دین در آن‌جا به معنای نفوذ کلیسا، تسلط کشیشان و استبداد پدران روحانی در سرزمین،

دین و سیاست؛ تقابل یا تفاهم / ۳

قلوب و روان مردم جا باز کرده بود؛ طوری تجسم پیدا کرد که سبب گردید تا در این اواخر با در نظر داشت بعضی ملحوظات و سلیقه‌ها، اسلام هم مورد چنین نشانه‌های قرار گیرد (قرضاوی، ۱۳۷۹: ۲۳) حتی عده‌ای عقب‌گرد جهان اسلام و توقف رشد علوم و توسعه و فرایند ملت‌سازی را در سرزمین‌های اسلامی - به دور از این که به فهم‌های دینی و دین‌داری‌های حاکم توجه نمایند- به پای اسلام ختم می‌کنند. به‌گفته‌ی مصباح یزدی: «این رویکرد در مغرب‌زمین شکل می‌گیرد و کسانی که از آن‌جا نسخه‌برداری می‌کنند، پیشنهاد می‌نمایند که در کشورهای اسلامی نیز چنین تقسیمات کاری صورت گیرد.» در این مورد بحث‌های زیادی صورت گرفته و برای تأیید نظریه‌های خویش دلایل زیادی به کار برده‌اند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۵۴) بناءً بحث جدایی و یکی بودن دین اسلام و سیاست در کشورهای اسلامی پرسش‌های را در ذهن به خصوص نسل جوان نسبت به اسلام خلق کرده است.

از این رو، لازم دانسته شد تا با استفاده از منابع نقلی و عقلی، در جامعه اسلامی به خصوص در افغانستان یک کار علمی-تحقیقی که در جامعه امروز از اهمیت خوبی برخوردار است، انجام شود. چون این کار علمی با رویکرد میانه‌روانه و با استدلال از منابع نقلی و عقلی، می‌تواند از اهمیت فوق‌العاده برخوردار باشد و حتی می‌تواند طرفداران هر دو فهم به خصوص فهم‌های جزم‌اندیشانه را قناعت بدهد. از این رو، در تحقیق کنونی با توجه به منابع نقلی (متون دینی) و منابع عقلی، به بررسی این مسأله پرداخته خواهد شد. اینک پرسش مطرح می‌شود که: «رابطه دین و سیاست تقابلی است یا تفاهمی؟».

با توجه به پرسش مطرح شده، فرضیه غالب این است که دین (اسلام) به عنوان یک آیین الهی و آسمانی و سیاست به عنوان یک پدیده زمینی و بشری، می‌تواند همواره در تفاهم و دارای رابطه تأثیر و تأثر باشند.

این تحقیق از نوع تحقیق توصیفی-تحلیلی است که اطلاعات مورد ضرورت با استفاده از شیوه کتاب‌خانه‌یی به دست می‌آید و با در نظر داشت متغیرها، مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

در مورد دین و سیاست کتب و مقالات زیادی با رویکردهای متفاوت تحریر و به نشر رسیده است. از این که کتب و مقالات در خصوص دین و سیاست زیاد به نشر رسیده است، نمی‌شود تمام آن‌ها را در اینجا فهرست نمود؛ اما به طور نمونه چند مورد فهرست می‌گردد:

اعلام الموقعین اثر بن قیم جوزیه است که در جلد چهارم این اثر بحث سیاست و شریعت را مطرح نموده است و بعد از ارائه گزارش مجادله بن عقیل و مخالفانش، تأکید دارد که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) هر آنچه خیر دنیا و آخرت است-از اعتقادات گرفته تا اعمال فردی و جمعی، آداب جنگ و معاش- در اختیار مسلمانان قرار داده است. بنابراین مسلمانان در هیچ امری، به احکام سیاسی که خارج از شریعت باشد، نیاز ندارند. او بر این مدعای خویش چنین استدلال می‌کند که مخالفت با آن، با اعتقاد به خاتمیت سازگار نیست؛ چون کسی که چنین می‌اندیشد گویی مردم را محتاج رسول دیگری می‌داند. (ابن قیم، ۱۳۹۳: ۷۳) بنابراین، ابن قیم به این نتیجه می‌رسد که اساساً نیازی به واژه «سیاست» نخواهیم داشت؛ بلکه «شریعت» کافی است و اگر در جایی از آن استفاده شود، به تبع دیگران است (ابن قیم، به از رستم فلاح ۱۳۹۲، سایت الوهابی) اما این نگاه خیلی سخت‌گیرانه به نظر می‌رسد و سیاست را صرف متعلق به شریعت دانسته است و نگاه بیرون دینی به سیاست ندارد.

الاسلام و اصول الحکم، اثری است از علی عبدالرازق مصری. نویسنده در این اثر موضوع جدایی دین و سیاست را مطرح کرده که مورد نقدهای جدی به ویژه از طرف علمای جامعه الازهر، قرار گرفته است. نویسنده، کتاب خود را بر پایه این استدلال و

دین و سیاست؛ تقابل یا تفاهم / ۵

نظریه نگاشته است: «با وجودی اینکه قرآن خودش نخستین و معتبرترین منبع شناخت ماهیت و احکام اسلام است، به موضوع سیاست، دولت و حکومت پرداخته است.» (مهدی زحمتکش و علی جعفری، ۱۳۹۰: ۱۷۶) در مجموع نظر او در باره حکومت اسلام با این گزاره‌ها ختم می‌شود: ۱- خلافت و جوب شرعی ندارد، ۲- خلافت منشای مردمی دارد، و ۳- مفهوم خلافت، امامت، جماعت و بیعت با معنای جدیدی که امروز مسلمانان از آن می‌فهمند، برابر نیست. (آیت الله مظفری، ۱۳۸۷: ۱۱۰) اما نویسنده تأثیر و نقش دین بر سیاست و سیاست بر دین و نیز آموزه‌های سیاست در دین را نادیده گرفته است. از سوی دیگر نویسنده بعد شخصیت سیاسی پیامبر را منتفی می‌داند.

من فقه الدوله فی الاسلام، اثری است از دکتر یوسف قرضاوی. نظریه سیاسی قرضاوی در رابطه به دین و سیاست این است که دین و سیاست در بطن آموزه‌های دین اسلام نهفته است و اراده مردم را در امور سیاسی نفی نمی‌کند.

دین و دولت اثری است از استاد عبد رب الرسول سیاف که این کتاب در افغانستان به نشر رسیده است. تمرکز نویسنده در این کتاب اصول اساسی نظام اسلام است. نویسنده با وجودی که اصول اساسی حکومت اسلامی را با جزئیات بیان کرده است؛ اما به موضوع رابطه دین و سیاست.

سیاست شرعیه، اثر از این تیمیه که این کتاب طرفداران زیادی در میان اهل حدیث و جریان سلفی دارد. نویسنده آیه‌های ۵۸ و ۵۹ سوره نسا را مبنای بحث خویش قرار داده و به تشریح نظام اسلامی مبتنی بر وحی پرداخته است ولی به سیاست به عنوان یک بحث بیرون دینی نگاه نکرده است.

پیوستگی نبوت و سیاست در فلسفه ابن سینا، مقاله تحقیقی از دکتر مسعود اخوان کاظمی عضو هیئت علمی دانشگاه کرمان شاه که مقاله یکی از مقالات مجموعه مقالات همایش بین المللی ابن سینا می‌باشد. نویسنده مقاله کوشش نموده است صرف موضوع

همبستگی سیاست و نبوت را در اندیشه ابن سینا به گونه خاص بحث کند که در ذات خود یک بحث عالی است؛ اما به موضوع رابطه دین و سیاست نپرداخته است. **دین و سیاست در اندیشه معاصر** اثر از حمید رضا اسماعیلی در خصوص دین سیاست به نشر است که در این اثر رابطه دین و سیاست به شکل ضمنی بحث شده است و تمرکز نویسنده بر رابطه دین و سیاست در ایران به خصوص دوره مشروطه بوده. از این رو دال مرکزی تحقیقی کنونی بررسی چگونگی فرایند تفاهم و رابطه تأثیر و تأثر دین و سیاست با در نظر داشت معرفت دینی و سیاسی جامعه اسلامی و منتفی سازی فرایند تقابلی این دو پدیده خواهد بود.

تعریف مفاهیم

۱. **مفهوم شناسی دین:** از کلمه دین تعریف‌ها و برداشت‌های متفاوت صورت گرفته است، بناءً به یک تعریف واحد از آن نمی‌توان دست پیدا کرد. در ادبیات دینی غالباً تعاریف دین از منظر کلامی، فقهی و فلسفی مطرح شده است و متوجه رسالت، هدف، بنیان و جایگاه دین و نقش و کلیت برنامه‌های آن و یا ارتباط آن با انسان بوده است. از این رو واژه «دین» را می‌باید در چارچوب ادبیات دینی با در نظر داشت زبان عربی، تعریف نمود. کلمه دین در زبان عربی به معانی طاعت، تقوی، ملت، مذهب، راه، رسم، سیرت، عادت، قانون، نظام، سلطه، گردن نهادن، جزا و پاداش آمده است و در اصطلاح، دین به همه آنچه که پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از طرف خداوند (ج) آورده و مامور به رساندن به مردم شده است، گفته می‌شود. (عبد رب الرسول سیاف، ۱۳۹۶: ۳)

۲. **مفهوم دین‌داری:** البته مفهوم دین‌داری با اصل دین تفاوت‌های دارد و گاهی مجاز خواهد بود تا دیندارهای که بر زندگی اجتماعی تأثیر سؤ دارد را به تیغ نقد کشید؛ اما به باور نگارنده این مقاله، نقد ذات دین اسلام مجاز نیست. پس دین‌داری در معنای کلی و عام آن دینی بودن، پایبند دین بودن و التزام دینی داشتن است. بناءً دین‌داری نوع نگاه، قرائت و معرفتی از دین است که دینداران باورهای خویش را بر آن استوار کرده‌اند. از

دین و سیاست؛ تقابل یا تفاهم / ۷

این جهت می‌توان معرفت‌های مختلفی از دین را در میان جامعه دین‌دار داشت. مثلاً: دین‌داری صوفیانه، عارفانه، فقیهانه، فیلسوفانه و... یا به تعبیر دیگر، دین‌داری‌های تساهل‌گرایانه (فهم و معرفت میانه‌روانه از دین)، دین‌داری سخت‌گیرانه و تندرروانه که به آن افراط‌گرایی دینی و نگاه خشک از عینک دین به مسایل هم می‌گویند. در این مورد دکتر یوسف قرضاوی سه برداشت و معرفت دینی ارائه داده است: مکتب قشری و ظاهری که پیروان آن را ظاهری‌های نوین دانسته است. قرائت دوم نقطه مقابل مکتب اولی است که با نگاهی محتوایی توجهی به نصوص قرآن و سنت ندارد و قرائت سوم قرائتی است که به نصوص فرعی و مقاصد کلی نگاهی متوازن و هماهنگ کننده دارد که این قرائت را قرائت متوازن و میانه‌روانه می‌داند. (قرضاوی، ۱۳۹۳: ۱۱۰)

این نوع دین‌داری‌ها یا ریشه در فهم خود افراد از دین دارد و یا این که عوامل جامعه‌پذیری این فهم و قرائت‌ها را حاصل نموده و به افراد منتقل می‌کند. (هوشنگ نایبی و مهدی میرزایی، ۱۳۹۷: ۵۰۲) پس چنین معرفت‌های دینی، در فهم سیاسی و فرهنگ سیاسی فرد تاثیر عمیق دارد؛ یعنی همان‌گونه که از دین برداشت نموده است از سیاست نیز چنین برداشتی دارد که کاربرد آن در زندگی سیاسی و اجتماعی تجلی پیدا می‌کند.

۳. مفهوم‌شناسی سیاست: دانش‌واژه سیاست (politics)، از واژه یونانی «پولیس» (polis) یا شهر گرفته شده است. ارسطو گفته است: انسان موجودی است که برای زندگی در پولیس (شهر) آفریده شده است. از نظر یونانی‌ها، شهر و دولت از هم جدایی ناپذیر بودند و یونانی‌ها در جاه‌های زندگی می‌کردند که ما امروز آن‌ها را دولت شهر می‌نامیم. افزون بر آن، واژه «polis» در زبان یونانی، تنها در برگیرنده شهر نبوده؛ بلکه در معنای «دژ»، «دولت» و «جامعه» هم، به کار می‌رفت. (احمد بخشایشی، ۱۳۸۵: ۲۳) در لغت نامه دهخدا آمده است که سیاست به معنای پاس داشتن ملک می‌باشد. (علی اکبر دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۲۲۲) در کل واژه سیاست به مفهوم عام به تدبیر امور مربوط به بشر دلالت دارد؛ زیرا سیاست از انسان و برای انسان است. (خلیل هدف، ۱۳۹۲: ۱۳)

۴. مفهوم سیاست‌ورزی: همان گونه که دین‌داری را تعریف کردیم، سیاست‌ورزی نیز شبیه آن، نوع نگاه به سیاست است یا نوع کاربرد و به کارگیری سیاست در زندگی جمعی برای تنظیم امور جمعی می‌باشد. یعنی سیاست‌ورزی شیوه استفاده از سیاست در پیشبرد اهداف مدیریت هر کشوری را گویند و یا سیاست‌ورزی همان کاربست و یا شیوه‌های به کارگیری سیاست در صحنه عمل در امر تنظیم امور اجتماعی، به هر نحو ممکن که بتواند به نفع جامعه تمام شود، می‌باشد.

مبانی نظری

آلموند و پاول در بخشی از کتاب «جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی» در مورد تأثیر دین به عنوان یکی از عوامل جامعه‌پذیری سیاسی بر فرهنگ سیاسی استدلال می‌کنند که مذاهب دنیا، حاملان ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی‌اند که خواه و ناخواه پیامد سیاسی دارد و بر مسایل سیاست‌های عمومی تأثیر می‌گذارد. گروه‌های مذهبی از طریق تأکید بر تقلید، آموزش و انگیزش‌های خاص خود، نوع دین‌داری افراد را شکل می‌دهند و پس از آن در فرد معرفت، ارزش‌ها و نگرش‌های خاصی را ایجاد می‌کنند که مجموعه این معرفت‌ها و ارزش‌ها و نگرش‌ها می‌توانند فرهنگ سیاسی فرد باشند. (به نقل از هوشنگ نایبی و مهدی میرزایی، ۱۳۹۷: ۴۹۷) بناءً دین یکی از عوامل تأثیرگذار بر جامعه‌پذیری سیاسی است. از این رو، معرفت سخت‌گیرانه و دیگم از دین، منجر به معرفت و فهم سخت‌گیرانه از سیاست می‌شود. یعنی حضور فعال در عرصه سیاست با فهم و تمسک غیر معرفت‌اندیشانه از دین، توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تولید دانش و غیره را توقف می‌دهد که منجر به ایجاد جامعه غیر تکثرگرا و دیگم‌اندیش می‌شود.

تحقیق کنونی بر محور همین نظریه استوار است با استدلال بر این که فهم‌های عقلانی و توسعه یافته از دین و سیاست می‌تواند یک جامعه سیاست‌ورز و دین‌دار عقلانی را ایجاد کند و فهم‌های توسعه نیافته از دین و سیاست منجر به شکل‌گیری جامعه عقب‌مانده و خشونت‌گر می‌شود که پیام معکوسی را به بازخورد ذهن‌ها می‌دهد. این پیام در ذهن‌ها

طوری تجسم پیدا می‌کند که انگار اسلام و سیاست با هم مشکل دارند و ناگزیر مانند تجربه غرب باید این دو حوزه از هم جدا شوند. از طرف دیگر طرفداران یکی بودن دین و سیاست نیز در جهان اسلام از خط میانه عدول کرده اند که این فهم منجر به شکاف کلانی میان روشنفکران مسلمان و فقیهان شده است.

منشأ دین و سیاست

اگر سیاست را در مقایسه بار سرشت انسان به مفهوم عام آن نگاه کنیم، به گفته ارسطو انسان ذاتاً موجود سیاسی است و او را در مسیر کسب مصلحت فردی و جمعی سوق می‌دهد. به گفته ابن عقیل: «السِّيَاسَةُ مَا كَانَ مِنَ الْأَفْعَالِ بِحَيْثُ يَكُونُ النَّاسُ مَعَهُ أَقْرَبَ إِلَى الصَّلَاحِ وَأَبْعَدَ عَنِ الْفَسَادِ، وَإِنْ لَمْ يُشْرَعِهُ الرَّسُولُ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَلَا نَزَلَ بِهِ وَحْيٌ». (ابن القيم ۱۳۹۳: ۳۷۲)

یعنی به گفته ابولوفاً ابن عقیل سیاست عبارت است از قاطعیت و حزم به عمل کردهای که به مصلحت مردم نزدیک و از فساد دور باشد. اگرچه مشروعیت آن را رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) وضع نکرده و یا وحی نازل نشده باشد. باور ابن عقیل و هم‌نظرانش این است که سیاست عام‌تر از شریعت است؛ به این معنی که همه چیز لازم نیست از ناحیه شارع مقدس تشریح شده باشد تا مجاز شمرده شود؛ بلکه همین قدر که با منطوق شریعت مخالفت نداشته باشد، کافی است. (رستم فلاح، ۱۳۹۲/۵/۳: الوهابی)

تعریف ابن عقیل از سیاست موضوعی را روشن می‌سازد که بسیاری از افراد و گروه‌ها در آن دچار اشتباه شده‌اند. به این ترتیب که از انتساب سیاست به شریعت گاهی چنین برداشت می‌شود که سیاست شرعی موقوف به آن است که شریعت به آن نطق و تصریح نموده است؛ در حالی که در این تعریف مراد آن است که سیاست مخالف شرع و نص نباشد. همچنان این توضیح چنین می‌رساند که سیاست از مسایل اجتهادی و امور مصلحتی

در عرصه‌های است که شریعت آن را مسکوت گذاشته است که این عرصه‌ها بی شمار می‌باشد. (خلیل هدف، ۱۴۰۱: ۶)

از این نظر چنین برداشت می‌شود که سیاست منشأ زمینی و بشری دارد و دین منشأ الهی و آسمانی. بر همین اساس دکتر یوسف قرضاوی حکومت را حق مردم می‌داند و از همین طریق اتهام «تئوری حق الهی» در قدرت و حاکمیت را از اندیشه و شریعت اسلامی نفی می‌کند و قدرت سیاسی در جامعه اسلامی را تماماً برخاسته از اراده مردم می‌داند. (به نقل از مرتضی بحرانی، ۱۴۸۴: ۱۳۳)

از سوی دیگر سلوک و سیرت سیاسی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) این مسأله را به اثبات می‌رساند. چون مشوره‌های پیامبر با یارانش در نبردها نشان می‌دهد که اراده انسان در تنظیم امور اجتماعی و سیاست نقش اساسی دارد و رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) به جای مراجعه به وحی الهی، به آرای مردم مراجعه می‌کند. مانند مشوره‌های که رسول خدا با یارانش در غزوه‌های بدر، احد و خندق داشت. او در غزوه بدر پیش از این که داخل نبرد شود، خواست از یارانش به ویژه از انصار مشوره بخواهد. مهاجران همه به جنگ مشوره دادند و آن را خوب دانستند. وقتی که انصار فهمیدند که پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خواهان رأی آنهاست، سعد ابن معاذ (رض) به نمایندگی انصار به پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مشوره داد. (مصطفی سباعی، ۱۳۹۳: ۸۰) این برخورد پیامبر نسبت به سیاست و تنظیم امور اجتماعی نشان می‌دهد که سیاست امر زمینی و بشری است و بستگی به اراده مسلمانان دارد.

از سوی دیگر، اعراب زمان (رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم) می‌دانستند که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شرایط لازم را برای تشکیل حکومت اسلامی فراهم و

نیز آن را تأسس کرده است. اما پس از رحلت رسول مبارک می‌بایست دولت را برپایه مجموعه قواعد دینی‌ای که پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای‌شان به ارث گذاشته بود، تأسیس کنند. اما تفاوت این‌جا معلوم می‌شود که پس از رحلت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) یارانش (انصار و مهاجرین) در سقیفه برای انتخاب رییس، گردهم آمدند و برای تعیین خلیفه به مشوره هم پرداختند و خود را محق می‌دانستند که در مورد سرنوشت سیاسی‌شان دخالت داشته باشند؛ چون آنان می‌دانستند که در مورد اجتماعی حرف می‌زنند نه مسایل اعتقادی و دینی. از تمام دلایل مطرح شده تاریخی و دینی در باره سیاست معلوم می‌شود که سیاست منشأ زمینی و بشری دارد و دین منشأ آسمانی و الهی و فهم معرفت اندیش از هردو پدید دارای ظرفیت تفاهم اند.

اسلام و تشکیل نظام سیاسی

تشکیل حکومت یکی از نیازهای جوامع بشری به شمار می‌رود و نیز جزء از برنامه فراگیر اسلام می‌باشد که در چوکات حکومت، قوانین الهی به‌گونه انسانی‌اش تطبیق گردد؛ یعنی اسلام تشکیل حکومت و سیاست را یک نیاز جدی می‌داند. از این جهت، خداوند (ج) برسر مسأله حکومت‌داری و حکمیت در قرآن کریم اشاره کرده است: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ ۚ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۚ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا** (نسا آیه ۵۹)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولی الامر را هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به کتاب خدا و سنت پیامبر بازگردانید و از آن‌ها داوری بطلبید، اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این کار برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است.

تاریخ اسلام نشان داده است یکی از کارکردهای مساجد به عنوان یکی از نمادهای اساسی دین اسلام در طول تاریخ، کارکرد سیاسی آن بوده که در تشکیل جلسات معمولاً از آن کار گرفته می‌شد؛ چون پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پایه‌های حکومت نوپای مدینه را در مسجد مدینه محکم کرد و بسیاری از برنامه‌ریزی‌های سیاسی خود را در مسجد انجام داد و پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بعیت رسمی با خلفای جانشین ایشان در مسجد صورت گرفت. (افتخاری، ۱۳۸۹: ۴۶۷)

از این رو، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از همه توانایی‌های فکری و عملی خود برای تأسیس حکومت اسلامی در سرزمین اسلامی که مرکز دعوت و رسالت اسلام بشود و یا حاکمیت اسلام که مردم در آسایش و امنیت قرار بگیرند، کار گرفته و از هیچ تلاش و کوششی کوتاهی ننمودند. (قرضاوی، ۱۳۹۴: ۲۸) در یک نگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هم رسالت آوردن پیام الهی را داشت و هم حکومت اسلامی-سیاسی را تشکیل داد. به سخن C.A Nallino محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) دین و دولت هردو را ایجاد نمود که در طول زندگی‌اش مرزهای هردو هماهنگ بود. (به نقل از خلیل هدف ۱۳۹۲: ۱۵) یعنی او به تعقیب هجرت به یشرب، پایه‌های نظام سیاسی را ایجاد نمود و نام یشرب را مدینه گذاشته و مسلمانان همراه سایر گروه‌ها و طوایف دیگر در سایه دولت اسلامی در عهد نبوی با برادری و برابری زندگی کردند. (همان، ۱۳۹۲: ۲۱۳)

میثاق مدینه نیز نخستین پیمانی با تدبیر جهانی است که پایه‌های قدرت سیاسی جامعه اسلامی آن زمان را محکم ساخت. پیش از این، پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دو پیمان دیگری را به نام‌های پیمان عقبه نخست و دوم به امضاء رسانیده بود. بیعت نخست بیش‌تر از هر چیزی دیگر بر توحید، آداب و اخلاق تأکید داشت که اسلام می‌خواهد

دین و سیاست؛ تقابل یا تفاهم/ ۱۳

جامعه اسلامی تشکیل بدهد که دین بر آن‌ها بنیاد نهد؛ زیرا در آن وقت جهاد هنوز فرض نشده بود و مسلمانان آمادگی می‌گرفتند تا دولت اسلامی را بر بنیادهای اسلام بر پا کنند. این دولت را باید در جامعه‌ای ایجاد کرد که از هر نوع فساد اخلاقی مبرا باشد. بیعت دوم نشانه‌های دولت اسلامی را مشخص و معین نمود و مسلمانان مدینه را ملزم نمود که از پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) حمایت نمایند. (سید محمد و کیل، ۱۳۸۸: ۱۰۳)

فرایند تأثیر و تأثر میان دین و سیاست

بر خلاف طرف‌داران جدایی حوزه دین و سیاست (سکولارها) و طرفداران یکی بودن دین و سیاست، می‌توان گفت که سیاست به عنوان یک امر بشری و زمینی و دین به عنوان یک امر وحیانی و آسمانی با در نظر داشت نیاز جامعه بر هر دو، تعامل پذیرند. به تعبیری، دین بر سیاست و فرهنگ سیاسی بر دین‌داری و معرفت دینی نمی‌تواند بی تأثیر باشد. به سخن نینان اسمارت دین از چند جهت بر سیاست‌ورزی تأثیر دارد:

۱. نخست؛ دین به شیوه‌های گوناگون با دولت تک‌ملیتی که اکنون ترتیب سیاسی متعارف در سراسر جامعه جهانی است؛ تعامل یا کنش و واکنش پیدا می‌کند؛
۲. دوم؛ بسیاری از ادیان به صورت نیروهای منظم جهانی در آمده‌اند و در ترتیبات بین‌المللی تأثیر می‌گذارند؛
۳. سوم؛ تعارضات دینی می‌تواند تفرقه در درون دولت‌ها یا بین آن‌ها را تشدید کند؛
۴. چهارم؛ بسیاری از اوقات از ارزش‌های دینی برای توجیه و مشروعیت دادن به اقدامات و ترتیبات سیاسی استفاده می‌شود؛
۵. پنجم؛ رفتار رهبران دینی بیش‌تر متأثر از اعتقادات دینی ایشان است. (فولادون،

(۱۳۸۳: ۴۱۳)

یا به تعبیر دیگر، دین همواره با دو شیوه بر سیاست اثرگذار است: یکی این که دین بر سیاست به شکل آگاهانه و مستقیم اثر گذار است. مثلاً:

۱. استفاده از دین برای مشروعیت بخشی به نظام سیاسی و سیاست‌ها؛

۲. ورود روحانیت در عرصه قدرت و سیاست؛

۳. استفاده از قوانین فقهی و احکام دین برای وضع قوانین و اداره جامعه؛

۴. بهره‌گیری از دین به عنوان ایدئولوژی برای مبارزات سیاسی.

از سوی دیگر دین به شکل غیر مستقیم نیز بر سیاست تأثیر دارد و در طول تاریخ در باورها، ارزش‌ها و هنجارها نفوذ کرده و تقوی دین‌دارانه را پی‌ریزی می‌کند که شامل یک سلسله اهداف، معانی، ارزش‌ها، الزامات و انتظارات می‌شود که هنجارهای عمل‌کننده یک فرهنگ را به بار می‌آورد و از نظر اجتماعی سیاست را شکل می‌دهد. (اسماعیلی ۱۳۸۶: ۸-۱۰) رابطه دو طرفه دین و سیاست طوری است که دین نقش مشروعیت‌دهنده دارد و سیاست نقش نگهبان؛ یعنی دین می‌تواند با تعیین وضع سیاسی موجود به آن مشروعیت و مقبولیت بدهد و نیز می‌تواند به اعتراض وضع سیاسی موجود، سبب مشروعیت‌آوردن اقداماتی که منجر به تغییر انقلابی یا تدریجی وضع موجود سیاسی می‌شوند، بشود. (شیخ عطار، ۱۳۸۱: ۳۲) همچنان استکهاوس جامعه‌شناس و فیلسوف دین نیز بر این باور است که در بیشتر فرهنگ‌ها و در بخش اعظم تاریخ انسانی، میان دین به مثابه عامل تأمین و تضمین مشروعیت و سیاست به عنوان نگهبان اقتدار دنیوی، ارتباط وجود داشته است. ادیان نیز دست کم بر مبنای کارکردی که آن‌ها در شکل‌دادن و مشروعیت‌بخشیدن به نظام‌های سیاسی، نوسازی و اصلاح آنها داشته‌اند، مورد ارزیابی قرار می‌گرفته‌اند. (استکهاوس، ۱۳۷۴: ۵۵۸) «در هر حال کلام الهی، حامل یک دیدگاه اجتماعی در مورد بشر است و نمی‌تواند خنثی باشد». (شیخ عطار، ۱۳۸۱: ۳۵)

دین‌داری و سیاست‌ورزی همواره دچار کنش و واکنش بوده و می‌تواند تأثیر متقابل داشته باشند. این تأثیر متقابل به نحوی نشان‌دهنده تفاهم و تعامل‌پذیری دین و سیاست

می‌باشد. از همین خاطر است که برداشت و معرفت تساهل‌گرایانه از هردو، تأثیر مثبتی بر یک دیگر دارد و می‌توانند یکدیگر را سمت و سوی مثبت بدهند. اینکه گاهی سیاست‌ورزی‌های غیر عقلانی، تندروانه و فسادآور می‌شود، علت آن ذات دین نیست؛ بلکه برداشت‌ها، قرائت‌های خشک و جزم‌گرایانه دینی است که سیاست و حکومت‌داری را غیرعقلانی و فسادآور می‌سازد و جامعیت دین را از میان برمی‌دارد. برای نمونه می‌شود از سیاست دینی و انحصارگری کلیسایی مسیحیت، جزم‌اندیشی خوارج صدر اسلام و سایر جریان‌های رادیکال مذهبی دیگری که در این وادی گام نهاده‌اند، یاد آوری نمود.

یا به تعبیر آلموند و پاول که در مبحث مبانی نظری مطرح شد، مذاهب ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی هستند که پیامد سیاسی دارد و بر مسایل سیاست‌های عمومی تأثیر می‌گذارد. گروه‌های مذهبی بنابر معرفتی که دارند نوع دین‌داری افراد را شکل می‌دهند و پس از آن در فرد معرفت، ارزش‌ها و نگرش‌های خاصی را ایجاد می‌کنند که مجموعه این معرفت‌ها و ارزش‌ها و نگرش‌ها می‌توانند فرهنگ سیاسی فرد باشد. از سوی دیگر به گفته مایکل راش فرایند اجتماعی شدن در فهم سیاسی نقش اساسی دارد و واکنش‌های‌شان نسبت به پدیده سیاسی تعیین می‌شود. (مایکل راش، ۱۳۹۳) پس معرفت سخت‌گیرانه و دیگم از دین، منجر به معرفت و فهم سخت‌گیرانه از سیاست می‌شود. یعنی حضور فعال در عرصه سیاست با فهم و تمسک غیر معرفت‌اندیشانه از دین، توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تولید دانش و غیره را توقف می‌دهد. همین‌گونه فرایند غیر آگاهانه جامعه‌پذیری سیاسی نگاه خشک و دیگم‌اندیشه دینی را تقویت می‌کند. از همین رو، دین بیشتر تحت تأثیر فرهنگ است و برداشت انسان از دین مطابق سطح شناختش از طبیعت، مابعدالطبیعه، روابط انسان با جامعه، و اعتقاد با خدا و آخرت به دست می‌آید.

نتیجه گیری

در رابطه به آنچه در این مبحث پژوهشی مطرح شد، می توان چنین تحلیل نمود که رابطه قرائت های دینی و سیاست با وجودی که مناقشه برانگیز بوده تفاهم پذیر و در تعامل می باشد. اما جهان اسلام، فقیهان و روشنفکران دینی مسلمان تا هنوز نتوانستند به یک نتیجه واحد برسند تا راه میانه ای را برای حکومت کردن در کشورهای اسلامی گزینش نمایند. یافته های این تحقیق بر مبنای چارچوب نظری مطرح شده نشان می دهد که دین اسلام و سیاست آشتی پذیرند و می توانند در تعامل باشند. چرا که هر جامعه نیاز به دین داری و سیاست ورزی دارد و نمی شود حوزه این دو پدیده جدا باشد. چون جدایی حوزه دین و سیاست منجر به توقف یکدیگر می شوند. دین حاوی آموزه های سیاسی است و سیاست مدار مسلمان می باید آموزه های سیاسی را از دین فراگیرد و با استفاده از استقلال اراده بشری خویش دست به تنظیم امور این جهانی به خصوص در حوزه سیاست بزنند. یا به تعبیر دیگر دین داری و سیاست ورزی همواره دچار تقابل و تعامل اند که می تواند تأثیر متقابل با هم داشته باشند. پس برداشت و معرفت غیر تدریجانه از هر دو تأثیر مثبتی بر یک دیگر دارند و می توانند یکدیگر را دچار توسعه مثبت نمایند.

از سوی دیگر کار بست های هر دو پدیده به گونه حد اکثری متفاوت است؛ یعنی دین دنبال هدایت گری و اصلاح عقیده به منظور کامیابی آن جهانی است و سیاست دنبال تنظیم امور این جهانی به منظور پیروزی و کامیابی و رسیدن جامعه توسعه و پیشرفت است. نقطه تفاهم این دو متغیر در این است که در جامعه اسلامی سیاست ورزی طوری باشد که ارزش های دینی اولاً رعایت و در گام دوم منتفی نشود و همین گونه نگاه معرفتی دینی به سیاست گونه ای باشد که ارزش های مدرن سیاسی را نیز منتفی نکند و در نتیجه هم بتوانیم جامعه دین دار داشته باشیم و هم بتوانیم جامعه مرفح و توسعه یافته. در کل فرایند جامعه پذیری آگاهانه و فهم معرفت اندیشانه از دین، به راحتی دین و سیاست را کنار هم می آورد که در نتیجه جامعه سیاسی دین دار و عقلانی ایجاد می شود.

سرچشمه‌ها

الف: کتب

- ابن القيم الجوزیه (۱۳۹۳)، إعلام الموقعین عن رب العالمین، ج ۴، تحقیق: طه عبدالرئوف سعد،
- اسماعیلی، حمید رضا (۱۳۸۶)، دین و سیاست در اندیشه معاصر، نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۹)، سیاست، دین و فرهنگ، چ ۱، تهران: نشر دانشگاه امام صادق و پژوهشگاه فرهنگ و هنر ارتباطات.
- اکس ل. استکهاوس (۱۴۷۴)، دین و سیاست، ترجمه مرتضی اسعدی، در: فرهنگ و دین، الیاده، تهران: طرح نو.
- اردستانی بخشایشی، احمد (۱۳۸۵)، اصول علم سیاست، چ ۴، انتشارات آوای نور.
- پولادی، کمال (۱۳۸۶)، تاریخ اندیشه‌های سیاسی قرن بیستم از سقراط تا ماکیاولی، کتاب اول، تهران: خیابان داکتر فاطمی.
- خلیل هدف، عنایت الله (۱۳۹۲)، تاریخ افکار سیاسی، چ ۲، کابل: انتشارات مستقبل.
- خلیل هدف، عنایت الله، (۱۴۰۱)، نگاهی به نظام سیاسی اسلام (جزوه درسی دوره ماستری) کابل: برنامه ماستری پوهنتون دعوت.
- دای فولادی، (۱۳۸۲)، دین، فرهنگ و سیاست، نشر بنیاد انکشاف مدنی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، ج ۸، انتشارات دانشگاه تهران.
- سباعی، مصطفی (۱۳۹۳)، سیرت نبوی «درس‌ها و اندرزها» ترجمه‌ی فضل الرحمن فاضل، کابل: انتشارات میوند.
- سیاف، عبد رب رسول (۱۳۹۶)، دین و دولت، کابل: انتشارات محمدی.

- شیخ عطار، علیرضا با مقدم محمود سریع القلم (۱۳۸۱)، دین و سیاست: مورد هند، مرکز چاپ و انتشارت وزارت امور خارجه.
- عبدالرازق، علی (۱۳۹۱)، اسلام و مبانی قدرت، ترجمه امیر رضایی، چ ۳، انتشارات آشیان.
- قرضاوی، یوسف (۱۳۷۹)، فقه سیاسی در اسلام، ترجمه‌ی عبدالعزیز سلیم، انتشارات احسان.
- قرضاوی، یوسف (۱۳۹۴)، بایدها و نبایدهای دین و سیاست، ترجمه عبدالعزیز سلیمی، نشر احسان.
- وکیل، سید محمد (۱۳۸۸)، درس‌های از سیرت نبوی، ترجمه مؤمن حکیمی، چ ۱، کابل: انتشارات اصلاح افکار.
- یزدی، محمد تقی مصباح (۱۳۸۶)، نظریه‌ی سیاسی اسلام، ج ۱، چ ۱، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

ب: مقالات

- بحرانی، مرتضی، اسلام و دموکراسی در اندیشه سیاسی یوسف قرضاوی «دو فصلنامه پژوهشی علوم سیاسی»، شمار اول، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.
- سراج زاد، سید حسین؛ رحیمی، فرش، رابطه دین‌داری با معنا داری زندگی در یک جمعیت دانشجویی «راه برد فرهنگ»، شماره بیست و چهار زمستان ۱۳۹۲.
- زحمت کش، مهدی؛ جعفری، علی، رابطه دین و سیاست در اسلام «فصلنامه سیاست خارجی»، سال بیست و پنجم، شماره سوم، ۱۳۹۰.
- مظفری، آیت الله، چرایی نگاه متضاد به دین و سیاست نزد عبدالرازق مصری و اما خمینی «فصلنامه پژوهش انقلاب اسلامی» سال ۴ شماره ۱۵، سال ۱۳۸۷.

دین و سیاست؛ تقابل یا تفاهم / ۱۹

- میرموسوی، سید علی، مبانی دینی و فرهنگ سیاسی مشارکتی «فصلنامه نقد و نظر» تابستا، شماره هفتم، سال ۱۳۷۵.

- نائیف هوشنگ؛ میرزایی، مهدی، تبیین رابطه دین‌داری با نوع فرهنگ سیاسی، «فصلنامه سیاست»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۸، شماره ۲ تابستان ۱۳۹۷.

ج: سایت

- فلاح، رستم، اندیشه سیاسی ابن قیم جوزیه: تاریخ نشر: ۱۳۹۲/۰۵/۳۰-تاریخ دریافت: ۱۱/۲۹.

قابل دریافت در: www.alwahabiyah.com/fa/Articleview/

تأثیر فساد اداری بر امنیت ملی در افغانستان پسا

۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱

محمد سلیم ربانی*

*عضو کادر علمی پوهنځی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون دعوت

Salimrabaani2020@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۰

تاریخ تأییدی: ۱۴۰۰/۹/۲۰

چکیده:

فساد اداری به عنوان یکی از پدیده‌های تأثیرگذار بر امنیت و نظم داخلی به شمار می‌رود که امروزه به یک معضل جهانی مبدل شده است. همه سیاست‌گذاران می‌دانند که این پدیده باعث آسیب‌های بسیاری می‌شود و هیچ حد و مرزی را نمی‌شناسد. از جمله افغانستان همواره در معرض انبوهی از تهدیدات در سطوح ملی و فراملی قرار داشته و دارد. باتوجه به این، در مقاله کنونی تأثیر فساد اداری بالای امنیت ملی افغانستان، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. سوال محور تحقیق کنونی از این قرار بود (فساد اداری در افغانستان پسا ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱، امنیت ملی را چگونه به خطر مواجه ساخت؟) فرضیه غالب این بود که میان فساد اداری و تهدید امنیت ملی در افغانستان رابطه معناداری موجود بوده. این تحقیق از نوع تحقیق توصیفی-تحلیلی می‌باشد که مبتنی بر روش کتاب‌خانه‌یی انجام

شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که فساد اداری مانع تطبیق قوانین و مصروفیت کارمندان استخباراتی و نظامی در فساد اداری، امنیت ملی کشور را سخت صدمه زد.

واژگان کلیدی: افغانستان، فساد اداری، امنیت ملی، تهدید امنیت ملی

مقدمه

فساد اداری به عنوان یکی از پدیده‌های مخرب در پیکره نظام اداری دولت‌ها محسوب می‌شود که بقا و سلامت سیستم را به مخاطره انداخته و اصل کارآیی، سلامت و اقتدار اداره را تضعیف می‌نماید. البته نوعیت و ماهیت فساد در درون ساختار دولت‌ها و نظام‌های سیاسی دوره‌های تاریخی گوناگون که ویژگی مشترک آنها، تضعیف کارآیی اداره و اضمحلال اعتماد و باور عمومی بر اداره‌ها بوده است. تمام دولت‌های موجود در نظام بین‌المللی، در یک برهه مشخص از تاریخ، از فساد حاکم در رنج بوده و زمان و انرژی زیادی را صرف مقابله با این پدیده کرده‌اند. امنیت یکی از مباحث محوری در حوزه علم سیاست و سیاست‌گذاری در هر نظام سیاسی است که همواره از ابعاد مختلفی به خصوص فساد اداری تهدید می‌شود. آن گونه که باری‌بوزان استدلال می‌کند: «مفهوم امنیت فی نفسه در کاربرد عامی که در روابط بین‌الملل و دیگر رشته‌ها دارد و به نظر می‌رسد که به عنوان یک مفهوم سازمان‌یافته محوری از سوی سیاستمداران و محققان مورد پذیرش قرار گرفته باشد، با ادبیات شدیداً نامنسجمی روبروست. فساد اداری یکی از عوامل عمده است که تامین صلح در کشورها به خصوص در افغانستان را به چالش مواجه ساخته است. آنچه که وضعیت را بدتر می‌سازد این است که مسئولین تامین عدالت و تنفیذ قانون در نقض قوانین پیش‌قدم‌تر هستند. طی یک تحقیق انجام شده در سال ۲۰۱۰ دفتر ملل متحد در مورد مواد مخدر و

تأثیر فساد اداری بر امنیت ملی در افغانستان پسا... ۲۳/

جرم، نشان داده شده است که حدود ۲۵ فیصد شهروندان افغانستان مجبور بودند به موظفین امنیتی و کارمندان محلی حد اقل یکبار رشوت بپردازند. از ۱۰ فیصد الی ۲۰ فیصد افراد مجبور شدند به قضات، سارنوالان، دکتوران و کارمندان حکومتی رشوت پرداخت نمایند. به نظر می‌رسد که رشوت به منظور تسریع بخشیدن به پروسه امور اداری پرداخته می‌شود که بیشتر از ثلث جمعیت (۳۸) فیصد معتقد اند که این یک امر معمول می‌باشد. (نشر: ۱۳۹۹/۸/۲۵ - خبرگزاری تسنیم)

بنابراین، مسئله تحقیق چستی تهدیدات اصلی متوجه امنیت ملی افغانستان و همچنین دسته‌بندی و اولویت‌بندی این تهدیدات برای اتخاذ راهبردهای مقابله‌ای است. بنابراین، با در نظر داشت آنچه در بالا مطرح شد چنین پرسشی را می‌توان مطرح نمود: «نقش فساد اداری در افغانستان پسا ۲۰۰۱ چه تهدیدی بر امنیت ملی داشت؟» فرضیه غالب مبتنی بر سوال مطرح شده این است که میان فساد اداری در افغانستان پسا ۲۰۰۱ و ورشکسته شدن امنیت ملی رابطه مثبت وجود داشت. چون پدیده فساد اداری و اختلاس جزء از حیات بشری است که با طول عمر انسان مرتبط بوده و مراحل فراز و فرود را در جهان طی کرده و در هر کشور کم و بیش وجود داشته و دارد (بلسالی، اسماعیل، ۱۳۸۰: ۱۲) و نظم را برهم زده است.

اهمیت تحقیق کنونی در آن است که به تبیین چگونه تأثیرگذاری فساد اداری بالای امنیت ملی افغانستان پسا ۲۰۰۱ می‌پردازد. بدیهی است که نتیجه این پژوهش می‌تواند کمک شایانی به تخصیص بهره‌ور منابع جهت تأمین حد اکثری امنیت یا مقابله صحیح با تهدیدات امنیت ملی داشته باشد. از سوی دیگر یک ضرورت اساسی در افغانستان

است و باید بدان پرداخته شود تا رخنه‌های که در ساختار امنیت ملی ناشی از فساد اداری ایجاد شده بود، شناسایی گردد.

این پژوهش از نوع پژوهش توصیفی-تحلیلی می‌باشد که اطلاعات با رویکرد کیفی و کتابخانه‌یی گردآوری می‌شود. در این مقاله، کوشش می‌شود، ضمن احصایه جامع تهدیدات امنیت ملی، با یک نگاه کل‌نگر و جامع، با استفاده از رویکرد نوین مطالعات امنیت ملی، تهدیدات امنیت ملی کشور در چهار دسته نظام اطلاعاتی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بررسی و پس از آن، این تهدیدات را اولویت‌بندی شود.

پیشینه تحقیق

علی احمد کاوه (۱۳۹۴) تحقیقی را تحت عنوان عوامل اجتماعی و فرهنگی فساد اداری در افغانستان به صورت پرسشنامه و از لحاظ ماهیت در شهر هرات مورد بررسی قرار داده است. در این تحقیق سعی شده است تا فساد اداری در افغانستان از بُعد اجتماعی و فرهنگی آن، با تکیه بر معیارهای قابل دفاع علمی مورد بررسی قرار گیرد تا نتایج آن روزنه‌ای باشد برای بهبود وضعیت کنونی که در آن به سنجش نقش و میزان تاثیرگذاری سه متغیر نظری به عنوان متغیرهای مستقل بالای متغیر وابسته یعنی گرایش به فساد اداری پرداخته شده است. طبق نتایج به دست آمده از این تحقیق، رابطه همبستگی معناداری بین متغیر وابسته و هرسه متغیر مستقل یعنی چگونگی ارزش‌های حاکم بر جامعه (فرهنگ سنتی)، «افزایش حاکمیت ارزش‌های اقتصادی بر ارزش‌های اجتماعی» و «کاهش فرصت‌های دستیابی به هدف» وجود دارد. تحقیق ذکر شده حاکی از وجود فساد اداری است و هیچ نوع تهدیدی آن را بالای امنیت ملی ذکر نکرده است.

جواد صالحی (۱۳۹۷) مقاله‌ای را تحت «عنوان فساد اداری؛ مفهوم، علل و آثار آن» نوشته است. او تاکید نموده است که ظهور فساد اداری قدمتی به درازی جامعه بشری دارد و رابطه آن با توسعه نظام سیاسی مستقیم است تا جایی که پیدایش آن می‌تواند موجب اخلال در نظام سیاسی یک کشور شود. در یک نظام اداری فاسد، کارمندان از موقعیت انحصاری خود در ارائه خدمات بهره می‌گیرند و با شغل خود به تجارت می‌پردازند که این امر علاوه بر آسیب زدن به توسعه، مانع رشد رقابت سالم و عدالت اجتماعی می‌شود. بررسی ریشه‌های فساد اداری ما را به دلایلی رهنمون می‌سازد که موجد محیطی است که در بستر آن عوامل انسانی جرات می‌یابند تا به راحتی با سوءاستفاده از موقعیت شغلی ایجاد شده، دست به اقداماتی بزنند که در پرتو آن حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شهروندان نقض و یا حق مسلم فرد یا گروهی به آسانی پایمال یا به ناحق به دیگری واگذار شود.

نتایج تحقیقات ذکر شده حاکی از وجود فساد اداری و تأثیر آن بالای امنیت ملی افغانستان است؛ اما بررسی‌های صورت گرفته در نقاط ویژه انجام شده است و نیز متغیرهای مورد نظر در مطالعات قبلی شامل عوامل اجتماعی و فرهنگی است که با تحقیق پیش رو یکسان نیستند و در مقاله حاضر به تأثیر فساد اداری بر امنیت ملی افغانستان و چگونگی ورشکسته شدن امنیت ملی افغانستان پرداخته می‌شود و تلاش صورت می‌گیرد تا به گونه جامع‌تر تأثیر فساد اداری بر امنیت ملی افغانستان در پسا ۲۰۰۱ بررسی گردد که این جامعیت در مطالعات گذشته کم رنگ بوده است.

چارچوب نظری

نظریه بی‌هنجاری امیل دورکیم: دورکیم بنیان‌گذار رهیافت کارکردگرایی در جامعه‌شناسی است. دورکیم باور داشت که افراد جامعه در عدم قواعد و مقررات اجتماعی، تنها به دنبال ارضاء و نیازها و خواست‌های خویش بدون توجه به دیگران هستند. دورکیم با ظهور دگرگونی‌های همراه و با پیدایش جوامع جدید و شهرنشینی، پیوندهای میان افراد و اشخاص از بین رفته و برای هدایت روحی و اخلاقی خود به نهادهای جدیدی که بتواند همبستگی ارگانیک ایجاد کند، توجه می‌کند که این موضوع نیز در مسئله فساد صادق است. زمانی که قوانین و مقررات در مورد فساد، از کیفیت کافی برخوردار نیستند و حاکمیت قانونی سازمان‌های دولتی دیده نمی‌شود، در واقع سیستم موجود نمی‌تواند مسئله نابه‌هنجاری مثل فساد را در سازمان تنظیم نماید. (دورکیم، ۱۳۶۸: ۷۴)

قانون‌گریزی نیز خود نوع بی‌هنجاری است؛ یعنی عین انجام همان قانون‌گریزی در عمل است. در حقیقت قانون‌گریزی رفتاری است که از مخالفت با قوانین رسمی جامعه انجام می‌گیرد و قانون‌گریز کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد قوانین رسمی جامعه را نادیده می‌گیرد. با توجه به اینکه همه افراد جامعه در طول زندگی خود از چند قاعده رسمی تخطی می‌کنند که دایماً قوانین را نادیده می‌گیرند؛ بنا براین قانون‌گریزی یک طیفی از رفتار است که از قانون‌گریزی دایمی‌خشن و شدید مثل سرفت و قتل و فساد می‌باشد. (فیروزجائیان و هاشمی، ۱۳۹۵: ۹۵)

دورکیم باورمند است که انسان‌ها در نتیجه شرایط اجتماعی خاص اقدام به رفتارهای نابه‌هنجاری می‌کنند نه تحت شرایط روانی فردی‌شان. او از این شرایط حاد و سخت با عنوان بی‌هنجاری اجتماعی یاد می‌کند. وضعیت آشفته‌ای که هنجارها و موازین

اجتماعی هدایت کننده، رفتارهای جامعه به دلایلی چون گذار از مرحله سنتی به مرحله مدرن، جنگ و آشوب‌های اجتماعی و مانند این‌ها، خاصیت بازدارندگی خود را از دست داد و یا تضعیف می‌شوند. از این رو هر چیز خلاف، مباح شمرده می‌شود. در یک وضعیتی همبستگی و دل‌بستگی فرد و جامعه تضعیف شده و یا از بین می‌رود. به همین دلیل افراد در خصوص خوب و بد رفتارهای اجتماعی موازین و معیارها را گم کرده و دست به رفتارهای آسیب‌زا می‌زنند. (سیف‌زاده، ۱۳۹۷: ۷۶) در مورد وضعیت فساد با استفاده از نظریه دورکیم می‌توان گفت که: اگر چه جامعه افغانستان یک جا با گرایش‌های قومی، زبانی و مذهبی است که همه آن‌ها فساد را پدیده‌ای مذموم و زشت دانسته و همواره بر مبارزه با آن تاکید کرده اند. ولی خودشان حلقه‌های فساد شامل اند.

۱. مفهوم فساد اداری

هنگامی که وجود فساد اداری را در اداره یا سازمانی تأیید می‌کنیم، معمولاً به این معناست که قانون به خوبی، اجرا نمی‌شود و یا به صورت گزینشی اجرا می‌شود. به عبارتی، اجرای قانون مورد سوء استفاده واقع می‌شود، تا افراد، به اهداف سوء خودشان برسند. این اهداف می‌تواند مادی و مالی باشد و می‌تواند شامل راضی کردن غیر معقولانه دیگران از طریق دادن رشوه باشد. (منصور نژاد، ۱۳۸۳: ۲۰۸)

در فرهنگ فساد اداری، به افراد به عنوان یک مهره و ابزار نگاه می‌شود و مناسبات انسانی بسیار ضعیف است. معمولاً آن چه به نام مناسبات انسانی در این موارد دیده می‌شود، بسیار متظاهرانه و ریاکارانه است و اگر به مسائل، دقیق نگاه شود، در می‌یابیم که این مناسبات نه تنها انسانی نیست؛ بلکه بر اساس راز بقا بنا شده است. یعنی قوی برای ماندن، باید ضعیف را طبق قانون جنگل بکشد. اگر می‌بینید که افراد در یک

مجموعه با چنین ویژگی‌هایی، متحد هستند این اتحاد همان اتحاد مذموم و ناپسند است. آن‌ها برای بقای خودشان با هم متحد می‌شود و مانند برخی از دزدان هنگام تقسیم اموال، قصد کنار زدن رقیب را دارند. (زال پور، ۱۳۸۱: ۱۱)

۲. مفهوم امنیت ملی

امنیت ملی به الزاماتی اشاره می‌کند که بقای دولت ملی را از طریق به‌کارگیری قدرت اقتصادی، ارتش و توان سیاسی و استفاده از ابزار دیپلماسی حفظ نماید. «امنیت ملی» یک مفهوم غربی و خصوصاً آمریکایی است که در سال‌های پس از ۱۹۴۵ رواج یافت. در مورد امنیت ملی تعاریف مختلفی ارائه شده‌است. این مفهوم مانند دیگر مفاهیم علوم انسانی، دارای تعریفی واحد و مقبول تمامی یا حداقل بیشتر صاحب نظران نمی‌باشد. ریشه آن عدم اتفاق نیز به تلاش افراد، گروه‌ها و کشورها در تلقی و برداشت متفاوت آن‌ها از این واژه باز می‌گردد. بر همین اساس، مثلاً آرنولد ولفرز می‌گوید: «امنیت ملی نماد ابهام‌آمیزی است که اصلاً ممکن نیست دارای معنای دقیق باشد.» (رضایی اسکندری ۱۳۸۳: ۷)

امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسؤولیت‌های حکومت‌های ملی است، تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند. والتر لیپمن در مورد امنیت ملی چنین گفته است: «یک ملت زمانی امن است که در صورت اجتناب از جنگ، در معرض قربانی کردن ارزش‌های خود نباشد و در صورت ورود به جنگ بتواند با پیروزی در جنگ، ارزش‌های خود را پاس بدارد.» امنیت ملی در دو گفتمان سلبی و ایجابی بیان شده است. امنیت ملی در گفتمان سلبی به پاسداری از سرزمین،

تأثیر فساد اداری بر امنیت ملی در افغانستان پسا.../ ۲۹

حاکمیت و مردم در مقابل خطرات و تهدیدات دشمنان کشور معطوف است و گفتمان ایجابی ضمن حفظ منافع ملی به دنبال کسب فرصت‌ها برای توسعه و پیشرفت می‌باشد. (ماندل، ۱۳۸۸: ۱۲) امنیت از بسیاری عوامل اجتماعی متأثر است و تعدد مصداق‌های فساد از قبیل سوء استفاده از موقف و وظیفوی، رشوه‌ستانی، اختلاس، کلاهبرداری، گروه‌گرایی، بی‌عدالتی، ایجاد نارضایتی از یک سازمان یا اداره، فروش اطلاعات محرمانه و مداخله به کار دیگران، زورگویی، اختطاف، سرقت اموال و دارایی‌های سازمان و غیره موارد است، امنیت را به مخاطره می‌کشاند. به طور کلی می‌توان عوامل اصلی شکل‌گیری فساد را به سه گروه تقسیم بندی کرد:

۱- عوامل فرهنگی و محیطی

واقعیت این است که در نظام اداری پسا ۲۰۰۱ انتصاب و اختصاص پست‌های سازمانی بر مبنای رفیق‌بازی، قوم‌گرایی، سمت‌گرایی، حزب‌بازی یا رشوت به صورت امری عادی شده بود و تباری بین افراد متمول، سیاستمداران و عوامل بروکراسی اداری برای عبور از فیلترهای نظام اداری یک جریان پذیرفته شده بود که نتیجه آن بروز فساد به ویژه در سطح کلان جامعه بوده است. (صالحی، ۱۳۸۸، ۴۰)

۲- عوامل شخصیتی

در تمام کشورها به خصوص کشورهای توسعه یافته، برای پست‌های اداری و سازمانی شرایط احراز معرفی می‌گردد که انتخاب و انتصاب افراد بر مبنای آن شرایط صورت می‌گیرد. در محتوای شرایط احراز موقعیت‌های دارای و دولتی، بخشی به ویژگی‌های شخصیتی مدیران در رفتارهای سازمانی بر می‌گردد که از خود نشان می‌دهند. این شرایط

خود فراهم کننده فساد بر مبنای رشوه و قوم‌گرایی و حزب‌گرایی صورت می‌گیرد. چنین وضعیت در افغانستان به صورت گسترده اتفاق می‌افتاد.

۳- عوامل اداری و سازمانی

چیزی که در نظام اداری پسا ۲۰۰۱ واقعیت دارد این است که واحدهای اداری معمولاً با تعداد زیادی از قوانین و مقررات غیر واقعی و یا غیر ضروری مواجه هستند و ابهامات موجود در رویه‌های اداری و استانداردهای جاری کار امکان هر گونه تصمیم و اقدامات خودسرانه‌ای را به کارگذاران آن‌ها می‌دهند. (حیدری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱) در رابطه این موضوع مقامات، به عناوین مختلف ایجاد پست‌های اداری و تعیین معاشات به نام «سوپر اسکل» به اقارب و نزدیکان شان انجام می‌دادند. این عوامل باعث شد که در افغانستان پس از سال ۲۰۰۱ فساد به اوج خود برسد.

فساد در افغانستان پسا ۲۰۰۱

همان گونه که می‌دانید کارکرد فاسد ادارات، به بی‌اعتمادی به نظام اداری، تولید فرهنگ فساد، نارضایتی مردم و... منتهی می‌شود. از این رو به صورت غیر مستقیم بر امنیت ملی تأثیر سوء می‌گذارد. علاوه بر این، فساد موجود در ادارات، قانون‌گریزی و قانون شکنی گسترده را در بین آحاد جامعه تقویت و تشدید خواهد کرد. بدیهی است چنانچه مردم ببینند که مجریان قانون، خود به قانون تعهد و التزام ندارند، در این صورت آن‌ها تن به قوانین قواعد موجود نداده ضوابط اجتماعی و هنجارهای موجود را خواهند شکست. در صورت فقدان قانون یا عمل نکردن به آن، دیگر نمی‌توان به نظم و امنیت عمومی امید بست و محصول چنین فرایندی نا امنی ملی خواهد بود. (کریمی، عبدالوهاب؛ پاییز ۱۳۷۳: ۸۶-۱۴۵) مصداق آنچه در این خصوص مطرح شد، در نظام

تأثیر فساد اداری بر امنیت ملی در افغانستان پسا... / ۳۱

امنیتی حکومت افغانستان پس از ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ تجربه شد و نظام از هم پاشید. چون فساد اداری دولت نوپای افغانستان را غیر کارا نشان داد و اعتبار آن را نزد جامعه جهانی و مردم افغانستان خدشه دار کرد.

زمامداران افغانستان پسا ۲۰۰۱ الی ماه آگست ۲۰۲۱ به این امر واقف بودند که فساد در ادارات حالت علنی و همگانی به خود گرفته است و سازمان و تشکیلات اداری را از هم می پاشد. چون مصیبت در یک نظام وقتی بیشتر می شود که قوای مسلح و پلیس به فساد آلوده شوند و با رشوه، رابطه بازی (جایگزینی رابطه به جای ضابطه)، تقلب، اختلاس، اخاذی، رانت خواری و ... از کنار جرمها و مجرمین بگذرند و حتی خود در زمره ناقضان نظم و قانون و هنجارهای اجتماعی قرار گیرند. در این صورت، تأمین امنیت حکومت و جامعه زیر سؤال می رود و خطرات داخلی و خارجی کشور را تهدید خواهند کرد؛ زیرا واضح است که چنانچه مجاری تأمین امنیت ناقص باشند، امنیت نیز به درستی حاصل نخواهد شد. (منصور نژاد، ۱۳۸۳: ۲۱۴)

حکومت قبلی پسا ۲۰۰۱ در زمینه های مختلف از جمله مبارزه قاطع با فساد اداری، انتظارات زیادی را در میان گروه های مختلف قومی و اجتماعی ایجاد کرده بود؛ اما در نتیجه چنانچه دیده شد، بین مردم این باور به وجود آمد که دولت در مبارزه با فساد اداری جدیت نداشته و با مشکل مواجه است و تنشها و اعتراض های عمومی بروز کرد. فساد در نهادهای افغانستان چنان پیچیده شده بود که حامد کرزی، رئیس جمهور وقت افغانستان در یک سخنرانی خود گفته بود که اگر فساد می کنید سرمایه ها را به خارج از کشورها انتقال ندهید. از این سخنان کرزی معلوم دار بود، شبکه فساد چنان حلقه های قوی و نیرومند بودند که رئیس جمهور کشور در امر مبارزه با فساد عاجز

مانده است و این نهایت و اوج فساد را نشان می‌دهند. این فساد تا جای رسید که در کنار دیگر، امنیت در افغانستان را فلج کرد. در این خصوص یک عضو ارشد امنیت ملی افغانستان در اظهاراتی، رئیس‌جمهور پیشین این کشور را به عدم اقدام علیه فساد اداری و منسوب کردن اختلاس‌گران و فاسدان مالی به کرسی‌های بلند دولتی متهم کرد. او در توثیقی نوشته بود: «در سال ۲۰۱۴ پس از تشکیل حکومت وحدت ملی ۱۸۰ پرونده اختلاس فسادهای بزرگ مقامات دولت قبلی را به رهبری حکومت سپردم؛ اما پس از مدتی، همان پرونده‌داران به منصب‌های بالا ارتقا یافتند و برخی از آنها تاکنون نیز از مقربین دربار هستند». در رابطه قابل یادآوری است که آن فسادها مردم را متأثر ساختن و رشکست شدن «کابل بانک» بود که یک نوع بی‌اعتمادی بین ملت و دولت و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را به وجود آورد.

همچنین اداره بازرسی ویژه آمریکا در امور بازسازی افغانستان موسوم به "سیگار" در گزارشی اعلام کرد که عملکرد دولت افغانستان در مبارزه با فساد اداری تأثیری نداشته است. اداره سیگار در زمان حکومت محمد اشرف غنی نامه‌ای به وزیر دفاع و مسئول اداره توسعه بین‌المللی آمریکا ارسال کرده و از عملکرد ضعیف دولت افغانستان انتقاد کرده است. در این نامه آمده بود که دولت افغانستان عملکرد ضعیفی در مهار فساد سیستماتیک داشته و معافیت قدرتمندان فاسد، استرداد و بازداشت افراد فاسد از چالش‌های دائمی این دولت در راستای مبارزه با فساد است. (نشر: ۱۳۹۹/۸/۲۵-
خبرگذاری تسنیم)

رهبران حکومت وحدت ملی استراتژی مبارزه با فساد اداری را در ۱۵ وزارت افغانستان برای محو این پدیده اجرا کردند؛ اما اداره سیگار تلاش دولت افغانستان در

تأثیر فساد اداری بر امنیت ملی در افغانستان پسا.../ ۳۳

مبارزه با فساد اداری را ناکام خواند. فساد در نهادهای امنیتی انتقادات گسترده را برانگیخت که حکومت وحدت ملی هیچ برنامه را برای مبارزه با فساد در وزارت دفاع و داخله افغانستان اجرا نکرده است. اداره بازرسی ویژه آمریکا در امور بازسازی افغانستان نیز اعلام کرد: «مبارزه علیه فساد تنها در سطوح پایین در دولت افغانستان اجرا می‌شود.» بر اساس این گزارش، نیروهای امنیتی افغانستان و نهادهای قضایی افغانستان در بسیاری از موارد از بازرسی، پیگرد قانونی و برخورد با افراد قدرتمند خودداری می‌کنند. یکی از جنرال‌های وزارت داخله حکومت قبلی افغانستان به ارتکاب فساد اداری محکوم بود؛ اما نیروهای امنیتی از بازداشت او عاجز مانده بودند. اداره بازرسی ویژه آمریکا در امور بازسازی افغانستان همچنین از پارلمان این کشور نیز به دلیل عدم حمایت از روند مبارزه با فساد اداری انتقاد کرد. این اداره پیش از این نیز گفته بود که آمریکا و دیگر کشورهای غربی کمک‌های مالی را در اختیار زورمندان و مقامات فاسد در افغانستان قرار می‌دهند. (حسن، ۱۳۷۳: ۴۵)

برخی از کارشناسان افغانستانی بر این باورند که آمریکا و کشورهای غربی به صورت برنامه‌ریزی شده به رشد فساد در افغانستان کمک کردند تا از روی کار آمدن دولت قوی در افغانستان جلوگیری کنند. چندی پیش سازمان «شفافیت بین‌الملل» در گزارشی فهرست کشورهای را منتشر کرده بود که بیشترین سطح فساد اداری را دارند و افغانستان نیز در بین ۱۰ کشور فاسد جهان قرار داشت. امروزه رشوه از معضلات جدی جامعه و نظام اداری ماست و متأسفانه حکومت پسا ۲۰۰۱، تا ۲۰۲۱، از این بُعد آلوده، گزارش می‌شود. (نشر: ۱۳۹۹/۸/۲۵، خبرگزاری تسنیم) بعد از سال ۲۰۱۴ افغانستان با مشکلات گوناگون دست و پنجه نرم می‌کرد که از جمله خروج ناتو و

افزایش ناامنی، فساد گسترده که از حکومت قبلی به میراث مانده بود. بحرانی شدن انتخابات ریاست جمهوری که چندین ماه طول کشید و بدون آرای مردمی در نتیجه یک توافق حکومت وحدت شکل گرفت که زمینه فساد را بیشتر نمود. چون دو تیم به میان آمد و در نهادها یک نوع رقابت بین حامیان آن را به وجود آورد که آن رقابت شکل قومی را به خود گرفته بود که دامنه فساد را گسترده ساخت. هر چه زمان سپری شده دامنه فساد در نهادها هم بیشتر گردید و هم پیچیده شدند. عواملی که در فساد نقش داشت و به صورت موردوار به چند نمونه آن پرداخته می‌شوند:

۱. نقش چهره‌های با نفوذ در فساد

فساد اداری، پدیده‌ای نوین نیست؛ پیدایش آن قدمتی به تاریخ اجتماعات بشری و تاریخ سازمان‌ها و نهادها دارد و فساد از عوامل اصلی بازمانده نهادها و جوامع از دستیابی به اهداف و از موانع اساسی رشد و تکامل آنها به شمار می‌آید. در رابطه به فساد برنامه توسعه سازمان ملل متحد، ارتباط معکوس و اعتماد را تبیین می‌کند و فساد را به شکل زیر معرفی کرده است:

فساد = (انحصار + نفع شخصی) - (پاسخگویی + اعتماد + شفافیت)

دانشمندان علوم سیاسی معتقدند که فساد شامل سوء استفاده سیاستمداران از قدرت به نفع شخصی خود است و این امر، اعتماد شهروندان به نهادهای سیاسی را کاهش می‌دهد و فساد افزایش یافته اعتماد عمومی را کاهش می‌دهد و فساد دولتی، جامعه را غیر قابل اعتماد می‌سازد در مقابل برابری بیشتر و فساد کمتر به برنامه‌های رفاه اجتماعی و سطح بالای اعتماد منجر می‌شود. (دهقان و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۲)

شکل بسیار قوی و به سرعت رشد یافته فساد در افغانستان عبارت از رشوت است. در رژیم‌هائی قبلی ارتباطات فامیلی حزبی قومی و شخصی یک نقش مهمی را در دستیابی به خدمات دولتی بازی می‌کرد. ولی از سال ۲۰۰۱ به بعد یک روند رو به رشد به سوی فساد اداری وجود داشته است که بیش از ۳۰ عضو حکومت در سه دوره حکومت‌های انتخابی، گفت‌وگو انجام شده، نشان داده شده است که چهره‌های مهم سیاسی، چه زمانی که خودشان در حکومت شامل بوده و چه زمانی که بیرون از حکومت در کار فعالیت سیاسی بوده‌اند، افراد و اعضای نزدیک خانواده‌های خود را از طریق سفارش به مقامات مسؤول هر نهاد، به وظایف مختلف گماشته‌اند. به بخشی از این تعیینات که اسناد محکمی وجود دارد، اشاره شده است. اما در جریان تحقیق در مورد عزل و نصب‌های خانوادگی چهره‌های سیاسی در حکومت قبلی، متوجه شدیم که آنها غالباً منافع‌شان را از راه حمایت از اعضای شبکه سیاسی خود و تعیین آنها در پست‌های ارشد حکومتی تأمین می‌کنند. این تحقیقات از طریق نشان دادن مناسبات حاکم بر نهادهای حکومتی و نفوذ چهره‌های سیاسی در تعیینات حکومتی، کوشیده است که با بررسی پرونده‌های کابل‌بانک، سمند غوری و معدن طلای قره‌زاغان، نقش این چهره‌ها را در گسترش و افزایش فساد اداری و مالی توضیح دهد. (صالحی، ۱۳۸۸: ۱۸۰) در مورد نقش چهره‌های قدرتمند سیاسی در جابه‌جایی و تقرر اعضای خانواده‌های‌شان در حکومت نیز اشارات صورت گرفته است، نقش و نفوذ این چهره‌ها در راه یافتن اعضای خانواده‌های آنها در سمت‌های ارشد و متوسط دولتی و نیز اثرگذاری آنها در گرفتن قراردادهای اقتصادی دولتی شرح داده شده است. فهرستی از شمار کارمندان ارشد حکومت در نهادهای امنیتی که تا سال ۱۳۹۲ را در بر می‌گیرد نیز منتشر شده است. بر اساس این فهرست، شمار کارمندان ارشد حکومت ۱۰۹۲۷ بوده که از

۵۴ واحد بودجه‌ی حکومت را شامل می‌شود. در این فهرست هم‌چنان میزان سهم قومی هر قوم در این واحدهای بودجه‌ی/نهادهای حکومتی نیز مشخص شده است. این تحقیقات هم‌چنین نشان داده است که گرفتن قراردادهای دولتی و فساد اداری ربط محکمی با عزل و نصب‌ها و میزان نفوذ چهره‌های قدرتمند سیاسی در حکومت‌های قبلی داشته است. (پژواک، دریایی ۲۸. سرطان ۱۳۹۶، اطلاعات روز) از سوی دیگر تحقیقات نشان می‌دهد که افراد و خانواده‌های قدرتمند در حکومت و بیرون از حکومت با اخذ جواز و ثبت شرکت‌های تجاری در عرصه‌های مختلف، پیوسته تلاش کرده‌اند از منابع طبیعی، پروژه‌های بازسازی و نوسازی، قراردادهای مختلف و حتی مشوره‌دهی در عرصه‌های مختلف پول پیدا کنند. مطابق با این یافته‌ها، افراد قدرتمند و خانواده‌های سیاسی با دو رویکرد متفاوت در پی کسب منافع اقتصادی و سیاسی بوده‌اند. گروه اول با ثبت مستقیم شرکت به نام یک فرد زورمند و یا بستگانش به این کار پرداخته‌اند. گروه دوم شرکت‌هایی را مستقیماً رهبری کرده و مالکیت آن را داشته اما به نام افراد ناشناس جواز گرفته‌اند. (همان، نشر، ۲۸ سرطان. ۱۳۹۶، اطلاعات روز)

۲. سیر صعودی گسترش فساد

فشرده سروی ناظران افغانستان در ۲۰۱۰ نشان می‌دهد که سکتور دولتی و نهادهای امنیتی سراسر غرق در فساد بود. زیاده از آن موسسات کمک‌رسان، سکتور، خصوص، احزاب سیاسی یا رسانه‌ها هم آلوده در فساد بودند. تقریباً از دو نفر یک نفر از مسئولین که خدمات دولتی را انجام می‌دهند (۴۶ فیصد) راپوردهی شده که فساد را تجربه می‌کنند) انواع رشوه که برای تعداد زیاد خدمات دولتی به شمول سیستم محاکم پرداخت می‌گردد. ده فیصد از خانواده‌ها که با ایشان مصاحبه صورت گرفته) پولیس «ده فیصد» گمرکات

تأثیر فساد اداری بر امنیت ملی در افغانستان پسا... / ۳۷

و مالیه‌دهی «۶ فیصد» تذکره و پاسپورت «۷ فیصد» زمین، برق و ترانسپورت «۵ فیصد» هریک» و تحصیلات عالی «۴ فیصد». زمانیکه این سروی بررسی خاص از سطح بلند فساد را بررسی نمی‌کند معلوم می‌شود که شهروندان از آن باخبر می‌باشند. از جمله مسؤولین آنهایی که اظهار عقیده نمودند، ۷۸ فیصد مبین آن است که دولت و سیاست‌های دولت و بازار تحت کنترل زورمندان می‌باشد. اکثریت قاطع را باور بر آن است که گروه‌های سازمان‌یافته توزیع، فروش و اداره زمین را به دست دارند. مقدار پولی که در رشوه‌دهی و دیگر اشکال فساد به مصرف می‌رسد، سرسام‌آور است. یک تخمین از ۴۰۰ الی ۶۰۰ میلیون دالر امریکائی در سال ۲۰۰۶ که الی سال ۲۰۰۹ به ۷۰۰ میلیون الی ۱ بلیون رشد نموده است. اگر حد اوسط رشوه ازدیاد یافته، یک بخش قابل ملاحظه ازدیاد رشوه مربوط به توسعه رشوه‌دهی و رشوه‌ستانی در هر قدم زندگی شهروندان وجود دارد. این روند نه تنها در آمد شهروندان را متأثر نمی‌سازد؛ بلکه وجود پولی دولت را هم شامل است. در بسیاری حالات رشوه به خاطر عدم پرداخت مالیه دولت داده می‌شود. جهت حصول یک موقف انحصاری در یک سکتور خاص یا به کاربرد نیازهای عامه مجانی توسط دولت انتقال می‌یابد. باور بر آن است که این منافع از دست رفته ممکن زیاده‌تر از بودجه بازگشت شونده دولت افغانستان باشد؛ ولی بر آوردهای فشرده تا حال محاسبه نشده است. (گردیزی و همکاران، ۱۳۸۹: ۷) دامنه فساد در افغانستان روز به روز سیر صعودی داشت، چون ضعف دولت و ناتوانی در مجازات مفسدین و عدم تطبیق قانون یکسان در کشور، فساد را بیشتر نموده و امنیت را مختل می‌ساخت.

برعلاوه آن، مردم افغانستان اعتقاد قوی به دین اسلام دارند و فواید و اضرار هر مسأله را از دید اسلام می‌بینند و افراد فاسد و رشوه‌خوار، منفورترین کسانی در جامعه می‌باشند.

برخی مشکلات ریشه‌های منطقی و جهانی دارند و تنها با اراده داخلی به آسانی قابل حل نمی‌باشند. اما فساد مالی و اداری که در سال‌های اخیر به اوج رسیده و مایه بسیاری از بدبختی‌های جاری می‌باشد، محصول مستقیم حکومتداری ضعیف و نبود اراده جدی در دستگاه دولت می‌باشد. به اساس تحقیق اداره بین المللی شفافیت، افغانستان از نظر شفافیت و حکومتداری در بین ۱۸۳ کشور جهان، رتبه ۱۸۰ را به دست آورده است. براساس گزارش این اداره، افغانستان با چهار درجه نزول و با کسب نمره ۱/۵ فاسدترین کشور دنیا از نظر اداری و اقتصادی معرفی شده است و شاید از نظر فساد در میان پنج کشوری که بیشترین فساد اداری و مالی را دارند، مقام اول را داشته باشد؛ زیرا در دو سال گذشته افغانستان با کسب نمره ۱/۸ در جایگاه ۱۷۲ در جدول رده‌بندی کشورها از لحاظ فساد اداری قرار داشت؛ اما در گزارش سال گذشته این سازمان با کسب نمره ۱/۵ و ۴ پله نزول به مکان ۱۷۶ این جدول رسیده است. گزارش امسال هنوز منتشر نشده است. موقعیت پایین‌تر در این جدول نشان دهنده فساد بیشتر در اداره و اقتصاد یک کشور به شمار می‌رود و شاخص نمره نیز عددی بین ۱ تا ۱۰ می‌باشد؛ اما تاکنون دیده نشده است که کشوری نمره ۱ گرفته باشد، پس افغانستان با ۱/۵ نمره، فاسدترین کشور دنیا به شمار می‌رود. (نظری، بای نظر، ۱۳۹۸/۱۰/۲۱، ژواک)

۳. فساد در نهادهای امنیتی و دفاعی

ظرف دو سال اخیر، میزان فساد اداری در وزارت‌های دفاع و داخله به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافته بود. نتایج این بررسی‌ها، مشخص کرده که بیشترین رقم فساد در قراردادی‌های این وزارت‌ها صورت گرفته است؛ جایی که میلیون‌ها دالر معامله می‌شود. در جریان سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ در قراردادهای وزارت‌های داخله و دفاع مجموعاً، سه

تأثیر فساد اداری بر امنیت ملی در افغانستان پسا... / ۳۹

میلیارد و یک صد میلیون افغانی، اختلاس شده است. به گفته آنها، موارد این رقم اختلاس، کشف و دوسیه‌های نسبتی آن نیز برای پیگیری قانونی به لوی سارنوالی فرستاده شده است. او تایید کرد که رقم فساد در این وزارت‌ها بیشتر از آن چیزی است که اداره عالی مبارزه با فساد اداری به آن دست یافته است. شماری از مقامات و مسؤولان این دو وزارت در این اختلاس‌ها دست دارند؛ اما از گرفتن نام آنان خودداری کردند. (دانش، ۱۴۹۲: ۲۵)

اختلاس در قرارداد نهادهای امنیتی

اداره عالی مبارزه با فساد اداری اعلام کرده بود که در جریان دو سال اخیر، حدود ۷۳۳ قضیه اختلاس بررسی شده و از این رقم، ۱۹۰ قضیه آن تکمیل و به سارنوالی معرفی شده است:

- قضیه اختلاس یک میلیارد و پنجمصد و بیست افغانی از قرارداد ۳۹ قلم البسه در معینیت محافظت عامه وزارت داخله؛
- قضیه اختلاس یک صد و ۳۲ میلیون افغانی از قرار داد البسه در وزارت دفاع ملی؛
- قضیه اختلاس ۳۵۲ میلیون افغانی از قرارداد ۳۵۲ قلم دارو در معینیت محافظت عامه وزارت داخله؛
- قضیه اختلاس ۲۷ میلیون دالر از قرارداد دو قلم بوت و البسه در وزارت دفاع ملی؛
- قضیه اختلاس ۲۸ میلیون افغانی از قرارداد کیک و کلچه ماموران پولیس در وزارت داخله؛

۴۰ / مجله علمی-تحقیقی دعوت/سال دوم، شماره پنجم، زمستان ۱۴۰۰هـ

- قضیه اختلاس ۶۲۷ میلیون افغانی از قرارداد ۶۳ قلم ظروف وزارت داخله؛
- قضیه اختلاس ۴۹۲ میلیون افغانی از چندین قراردادهای وزارت داخله؛
- در این مورد تلاش کردیم نظر مقامات وزارت‌های داخله و دفاع را بگیریم اما موفق به انجام این کار نشدیم؛
- اختلاس در نهادهای وابسته به آیساف (خبرگزاری بخدی، ۸، سرطان ۱۳۹۲، روز نامه افغانستان)

بازداشت ۲۳ کارمند وزارت داخله و یک قراردادی این وزارت به اتهام اختلاس ۶۰۰ میلیون افغانی ۲۳ کارمند ریاست‌های لوجستیک این وزارت و مسئول یک شرکت خصوصی به اتهام اختلاس ۶۰۰ میلیون افغانی پول اعاشه سربازان پولیس بازداشت و ممنوع‌الخروج گردیده بودند. افراد بازداشت شده شامل ۹ کارمند ریاست عمومی لوجستیک و ۱۳ کارمند ریاست عمومی مالی وزارت امور داخله بوده‌اند. این افراد در اختلاس یک قرارداد گوشت اعاشه پولیس سال ۱۳۹۷ مالی برای ۱۰ ولایت، بعد از فعالیت مسلکی و اوپراتیفی با شواهد و اسناد دستگیر گردیدند.» (ملک‌نژاد، ۲۴، جوزا ۱۴۰۰ اطلاعات روز)

دادگاه عالی حکومت پیشین کشور در ماه جوزا سال ۱۴۰۰ نیز اعلام کرد که معاون پیشین مادی و تخریکی وزارت دفاع ملی و رییس پیشین خریداری وزارت دفاع به اتهام سوءاستفاده از صلاحیت‌های وظیفوی در امضای قراردادها به زندان محکوم به مجازات شد. سخن‌گوی دادگاه عالی در سال ۱۳۹۵. نیز گفته بود که جلسه علنی قضایی این دو مقام پیشین وزارت دفاع و ۲۳ نفر دیگر از «شرکای جرمی» آن افراد در دادگاه ابتداییه رسیدگی به جرایم سنگین فساد اداری در حضور افراد متهم برگزار شده بود که رییس پیشین خریداری وزارت دفاع ملی در رابطه به سوء استفاده از صلاحیت‌های وظیفوی در

تأثیر فساد اداری بر امنیت ملی در افغانستان پسا... / ۴۱

امضای قرارداد بوت و چپلک محکوم به مجازات شده است. همین‌طور، از میان ۲۳ فرد متهم دیگر در این قضایا، محکوم به مجازات شده و برخی دیگرشان به دلیل نبود دلایل لازم، برائت گرفته‌اند. (همان، ۲۴، جوزا ۱۴۰۰، اطلاعات روز)

۴. فساد اداری در شورای امنیت ملی حکومت پیشین

یک‌تن از جنرالان و فرمانده پولیس یکی از ولایات به گونه کم سابقه‌ای از رهبری شورای امنیت ملی کشور و مسؤولان پولیس در وزارت داخله انتقاد نموده و آنان را به برخورد تنظیمی و دوگانه متهم کرده است. در تحقیقات انجام شده؛ برخورد تنظیمی با افسران پولیس از سوی شورای امنیت ملی و مقام‌های وزارت امور داخله کشور، اعمال بی عدالتی و اخذ رشوه در ترفیعات و تقرری‌ها توسط این دو نهاد عالی رتبه حکومتی اشاره شده است. فرمانده پیشین آن ولایت، شورای امنیت ملی و مسؤولان وزارت داخله را به اخذ رشوه و اعمال بی عدالتی متهم کرده است. این جنرال به گونه کم سابقه‌ای از سران شورای امنیت ملی کشور و مسؤولان پولیس در وزارت داخله انتقاد نموده و آنان را به برخورد تنظیمی و دوگانه متهم کرد. وی از آنچه بی عدالتی صریح در حق برخی از افسران پولیس خواند، انتقاد کرد و اظهار داشته که در ترفیعات و تقرری‌ها تنظیمی عمل شده و حتی در بدل پول صورت می‌گیرد. در نامه‌ای که فرمانده پولیس به رسانه‌ها ارسال کرد، تصریح شده است که مقرری‌ها و اجرای ترفیعات در وزارت امور داخله بدون در نظر داشت عدالت صورت می‌گیرد. چون اشخاصی هستند که در یکسال دو ترفیع جنرالی اخذ نموده‌اند و کسانی هستند که در ۱۵ سال یک ترفیع نگرفته‌اند. در این نامه آمده است: "اجرای ترفیعات و مقرری‌ها بر اساس روابط سیاسی تنظیمی و حتی در بدل پول صورت می‌گیرد افسوس صد افسوس به چنین بی عدالتی در وزارت امور

داخله و شورای امنیت و ریاست جمهوری شما خود نهادهای ملی امنیتی را سیاسی ساخته اید. (میر عابد جوینده، ۳۰ اسد ۱۳۹۵، خبرگزاری جمهور)

۵. مصارف بی جا پول‌های اپراتیفی

حکومت وحدت ملی تنها در سال مالی ۹۵ نزدیک به دو میلیارد افغانی را به صورت غیر قانونی تحت عنوان «پول‌های اپراتیفی» به بخش‌های استخباراتی و کشفی هزینه کرده است. بر اساس یافته‌های، حکومت وحدت ملی در همین سال، ۳۴۵ میلیون افغانی دیگر را خلاف قانون تحت عنوان «پول اپراتیفی: بر علاوه شماری از نهادهای امنیتی، در اختیار برخی از نهادهای ملکی نیز قرار داده است. اداره امور ریاست جمهوری، ریاست محافظت رییس جمهور، ریاست اجرایی و دادگاه عالی از شمار نهادهایی بودند که مبالغ هنگفتی را به همین عنوان به دست آورده‌اند. مصارف هنگفتی که صورت حساب دقیقی از آن وجود ندارد و همچنان به دلیل نبود گزارش‌دهی، شک و تردیدهای زیادی را در مورد مؤثریت این پول‌ها به وجود آورده است. مسؤولان نهادهای امنیتی گفته‌اند که به دلیل مصرف این پول‌ها در بخش‌های محرم، جزئیات دقیق آن پخش نشده است. در تحقیقات قطعه اداره کنترل و تفتیش نیز صرف نگاهی آماری به این پول‌ها انداخته شده و به جزئیات و موارد مصرف این پول‌ها در اداره‌های نظامی و ملکی، به هیچ وجه اشاره نشده است. (همان، ۱۵. حمل ۱۳۹۷، روزنامه ۸صبح) رییس دیده‌بان شفافیت افغانستان معتقد بود که تخصیص پول‌های اپراتیفی برای ادارات ملکی دور از منطق به نظر می‌رسد. او می‌گوید دست باز دادن به ادارات ملکی به خاطر مصرف پول‌های اپراتیفی، خود زمینه‌ساز فساد است و ممکن همین پول شرایط را برای کارهای غیرقانونی فراهم کند.

تأثیر فساد اداری بر امنیت ملی در افغانستان پسا.../۴۳

سهم شورای امنیت از پول اپراتیفی: با آن که در طرح نخست بودجه سال مالی ۹۵، برای شورای امنیت ملی کشور مبلغ ۱۵۰ میلیون افغانی، پول اپراتیفی در نظر گرفته شده بود، اما بر اساس آمار وزارت مالیه، این نهاد ۷۰ میلیون افغانی را بیشتر از پول تعیین شده از سوی وزارت مالیه به دست آورده است. مجموع پول اپراتیفی شورای امنیت ملی حکومت پیشین کشور در سال مالی ۹۵ به ۲۲۰ میلیون افغانی می‌رسد، در صورتی که بخش بزرگی از کارهای استخباراتی توسط ریاست امنیت ملی کشور انجام می‌شد. این اداره برای دفع و طرد دسیسه‌های دشمنان افغانستان به طور قانونی به هزینه‌های اوپراتیفی نیاز دارد، شورای امنیت ملی کشور با این پول چپ می‌کند؟ پرسشی که با سخنگوی این نهاد بارها شریک ساخته شد، اما آنها از گفت‌وگو و ارایه توضیحات در این زمینه خودداری کرده‌اند. (همان، ۱۵ حمل ۱۳۹۷، روزنامه ۸ صبح)

سهم وزارت‌های دفاع و داخله از پول اپراتیفی: وزارت دفاع ملی کشور نیز وجوه اپراتیفی داشت، سخنگوی پیشین این وزارت در سال مالی ۹۵ گفته بود، مقدار بیشتر از این پول در اختیار ریاست کشف و استخبارات وزارت دفاع قرار می‌گیرد. به گفته سخنگوی پیشین وزارت دفاع، بخش دیگری از این پول در اختیار وزیر دفاع و لوی‌درستیز این وزارت است و از آن در کمک به خانواده‌های شهدا، تشویق سربازان و موارد ضروری استفاده می‌شود. او می‌گوید، از آن جایی که از این پول در مسائل استخباراتی کار گرفته می‌شود، لذا جزئیات دقیق مصرف این پول با وزارت مالیه و دیگر ادارات شریک نمی‌شود. او در پاسخ به این پرسش که در صورت ارایه نکردن گزارش دقیق، امکان سوء استفاده از این پول فراهم نمی‌شود، گفت: «من نگرانی شما را تأیید می‌کنم، اما بسیار زیاد کوشش می‌شود که از این پول در راه معقول آن استفاده شود.»

سخنگوی پیشین وزارت دفاع گفته بود که دسترسی به این پول تنها در سطح رهبری وزارت دفاع خلاصه نمی‌شود؛ بلکه بخشی از این پول در اختیار آمریت‌های کشف این وزارت در سطح ولایت‌ها نیز به اهداف استخباراتی قرار می‌گیرد. وزارت امور داخله نیز همانند وزارت دفاع ملی کشور مبلغ معینی از پول اپراتیفی را در اختیار دارد. معاون سخنگوی وزارت امور داخله با آن که از رایۀ جزئیات در مورد موارد مصرف این پول خودداری کرد؛ اما گفت که قرار است به زودی مصرف این پول‌ها نظام‌مند شود و «بخش‌های پول اپراتیفی تابع یک سیستم کامپیوتری خواهد شد و هیچ‌کسی در آن مداخله نخواهد کرد. (همان، ۱۵. حمل ۱۳۹۷، روزنامه ۸ صبح)

سهم ادارات غیرنظامی در مصرف مهمان‌داری: همان طوری که در بالا اشاره شد، از وجوه اپراتیفی بیشتر، نهادهای امنیتی مستفید می‌شوند و موارد مصرف این پول نیز بیشتر به موارد استخباراتی خلاصه می‌شود. اما در کنار نهادهای نظامی، شماری از ادارات ملکی نیز ده‌ها میلیون افغانی از این پول را به دست می‌آورند.

به عنوان مثال، اداره مستقل ارگان‌های محل در سال مالی ۹۵، مبلغ ۴۸ میلیون افغانی پول اپراتیفی از وزارت مالیه به دست آورد و از این پول به خاطر پذیرایی بزرگان قوم در سطح محلات استفاده می‌شد. او گفت که با آن که ساختار حکومت‌داری محلی مدرن است؛ اما مردم هنوز در سطح محلات به این باور اند که از طریق پذیرایی، تکریم و احترام شوند و والی‌ها نیز به عنوان نماینده حکومت از این پول در همین مورد استفاده می‌کنند.

با این حال، اجرای پول اپراتیفی برای نهادهای ملکی تا چه اندازه پذیرفتنی است؟ رییس دیده‌بان شفافیت افغانستان معتقد است که تخصیص پول اپراتیفی برای ادارات

ملکی دور از منطق به نظر می‌رسد. او می‌گوید دست باز دادن به ادارات ملکی به خاطر مصرف پول‌های اپراتیفی، خود زمینه‌ساز فساد است و ممکن همین پول شرایط را برای کارهای غیرقانونی فراهم کند. (همان، ۱۵. حمل ۱۳۹۷، روزنامه ۸ صبح)

نتیجه‌گیری

بی تردید یکی از مهم‌ترین مسایل حیاتی افغانستان که تداوم نظام سیاسی نیز به آن وابسته است امنیت و چگونگی مقابله با تهدیدات امنیتی است. افغانستان به توسعه دست نمی‌یابد مگر این که بتواند به رفع تهدیدات امنیتی پرداخته و آسیب‌های امنیتی را در دو بُعد داخلی و خارجی شناسایی نماید. افغانستان پسا ۲۰۰۱ که تازه گام در مسیر بازسازی و نوسازی گذاشته بود همیشه از دو بُعد (داخلی و خارجی) در معرض تهدیدات امنیتی قرار داشت و این تهدیدات کماکان ادامه داشت. بنابر این پرداختن به آن و شناختن نقاط آسیب‌پذیر از این منظر بیش از پیش از اهمیت برخوردار است. از این رو مقاله حاضر به تأثیر فساد اداری بر امنیت ملی در افغانستان پسا ۲۰۰۱ پرداخته و یافته‌ها نشان می‌دهد که فساد اداری بر امنیت ملی افغانستان تأثیر سوء و نامطلوب گذاشت و رابطه این دو متغیر، مثبت ثابت شد که جامعیت این فرایند در ساختار امنیتی حکومت پسا ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ مانع تطبیق صحیح قانون در جامعه گردیده بود.

طوری‌که اشاره گردید پیامد که فساد اداری بر امنیت در پی دارد آن است که بحران بین نظام اداری و مردم، به بحران امنیتی در نظام تبدیل می‌شود و بحران در امنیت کشور، به تشدید بحران امنیت اجتماعی منجر می‌گردد که افغانستان این تجربه را در دوره یاد شده پشت سر گذاشتاند. چون از سال ۲۰۰۱ به بعد یک روند رو به رشد به

سوی فساد اداری وجود داشت که در اغلب موارد رشوه‌های کلان در راستای رسیدگی به امیال غیر قانونی صرف می‌شد.

چنانچه اشاره شد فشرده سروی ناظران افغانستان در سال ۲۰۱۰ نشان می‌دهد که سکتور دولتی سراسر غرق در فساد است. زیاده از آن موسسات کمک‌رسان، سکتور خصوصی و تعدادی از احزاب سیاسی و رسانه‌ها هم آلوده در فساد اداری بودند. در غالب موارد فساد اداری موجود پسا ۲۰۰۱ مانع حکومت‌داری خوب و طبعاً نارضایتی عامه شده بود. میزان غیرقابل‌باور فساد اداری و تأثیرات آن بر جنگ‌های خانمانسوز در خور تأمل است. فساد اداری به‌منزله یک میراث از ۲۰۱۰ به حکومت بعدی نیز انتقال یافت و در دو دهه گذشته بر افغانستان به‌ویژه در میان خانواده‌ها و نزدیکان سران حکومت، افغانستان را همواره در پایین‌ترین رده جدول نهاد شفافیت بین‌الملل در بین کشورهای منطقه و جهان قرار داد که این خود سبب پرداخت پیامدهای گزافی از جانب ملت شد. با وجود فسادهای گسترده، حجم عظیمی از حیف و میل پول‌های اپراتیفی، انتقال مقادیر هنگفتی از پول توسط افراد رده‌بالای حکومتی در بکس‌های مسافرتی به خارج از افغانستان، موارد اختلاس‌شده در نهادهای امنیتی و عدم جدیت و قاطعیت در برخورد با این آشفتگی‌ها همواره تکرار شده است. با توجه به بزرگی مشکل و گستردگی فساد اداری، امریکا و غرب کمک‌های مالی خود را همواره منوط به برخورد جدی حکومت با فساد کردند. حتا در دوره حکومت وحدت ملی و بعد از آن نیز این مشکل همچنان به‌قوت خود پابرجا بود و تغییرات چندانی در حل معضلات ذکر شده قابل رویت نبود. با توجه به وضعیت افغانستان، حکومت‌های پسا ۲۰۰۱ در برخورد با مشکل فراگیر فساد اداری در نهادهای امنیتی چندان موفق نبوده و

تأثیر فساد اداری بر امنیت ملی در افغانستان پسا.../ ۴۷

وضعیت امنیتی نیز بهبود چندانی نیافته که در نتیجه نظام فرو ریخت و حکومت تازه به وجود آمد.

سرچشمه‌ها

الف - کتب

- افشاری، اسماعیل (۱۳۸۷)، بررسی راه‌های جلوگیری از فساد مالی ناشی از پورسانت در معاملات توسط مدیران، تهران.
- بوزان، باری (۱۳۹۰)، مردم، دولت‌ها و هراس، تهران پژوهش‌شکده مطالعات راهبردی.
- جعفری، جمال (۱۳۹۰)، حکومت داری موفق و فساد اداری، کابل: انتشارات سراج.
- جعفری، جمال (۱۳۹۰)، حکومت داری موفق و فساد اداری....
- حسین، محمدنبی (۱۳۸۰)، فساد اداری و مبارزه با آن از نظر سازمان ملل متحد، تهران: انتشارات و کالت.
- حیدری احمد و خیرخواهان جعفر (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب، بنیان توسعه، تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس.
- حیدری، حنیفه؛ محمدی، مجید و نجفی فریبا، (۱۳۹۴)، عوامل موثر بر فساد اداری با تاکید بر ایران، کفرانس بین المللی علوم انسانی و روانشناسی و علوم اجتماعی.
- دانش، ضیا (۱۳۹۲)، اثر گزاری حکومت داری خوب بر فساد اداری، کابل: انتشارات سعید.

- دهقان، محسن؛ فیروزجاه؛ رحمانی و همکاران (۱۳۹۸)، رابطه ادراک فساد و اعتماد اجتماعی در بین شهروندان، پرتال.
- دورکیم، امیل (۱۳۶۸)، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: مؤسسه نشراتی دانشگاه تهران.
- صالحی، غلام رضا (۱۳۸۸)، راهبردهای مبارزه با فساد اداری، کابل: انتشارات سعید.
- طباطبایی، محمد جواد (۱۳۹۳)، تحول مفهوم امنیت و ناتو پس از جنگ سرد بر اساس مکتب کپنهاگ، مطالعات راهبردی جهانی شدن،
- عبدالملکی، هادی، تبیین راهکارهای عملی مقابله با مسئله فساد اقتصادی در نظام اداری، مجموعه مقالات همایش ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد، در دست انتشار، ۱۳۸۹
- الفاضلی، حسین (۱۳۷۳) افغانستان تاریخ‌ها و رجال، بیروت: دارالصفوه.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۶۸)، نقش قدرت در جامعه و روابط بین الملل، تهران انتشارات قومس.
- کریمی، عبدالوهاب، پاییز (۱۳۷۳)، نا امنی و شیوه‌های مبارزه با آن از نظر اسلام، سراج.
- گردیزی، منیژه، هسمن، کرن، ترابی، یما (۱۳۸۹)، دولت را فاسد میسازد یا دولت خود فساد پیشنه می‌کند؟ واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان.
- ماندل، رابرت (۱۳۸۸)، چهره متغیر امنیت ملی. پژوهشکده مطالعات راهبردی.

تأثیر فساد اداری بر امنیت ملی در افغانستان پسا... / ۴۹

- ماندل، رابرت (۱۳۸۸)، چهره متغیر امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محمدنبی، حسینی (۱۳۸۰)، فساد اداری و مبارزه با آن از نظر سازمان ملل متحد، تهران، انتشارات و کالت.
- مردانی، بیوک، (۱۳۷۵)، سبب‌شناسی تخلفات مالی در دستگاه‌های دولتی و روش‌های جلوگیری از آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، مرکز آموزش مدیریت دولتی واحد کرمانشاه.
- مودودی، ابوالقاسم (۱۳۸۱)، تحلیل جامعه‌شناسی از علل و چگونگی فساد اداری و راه‌های مبارزه با آن، قم، انتشارات همبستگی.

ب- مقالات

- منصور نژاد، محمد، فساد اداری و امنیت اجتماعی «فصلنامه فرهنگ اندیشه»، سال ۱۳۸۳.
- واعظی، محمود، عوامل بی ثباتی در قفقاز و رویکرد امنیتی، «فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز» زمستان ۱۳۸۲.
- بلالی، اسماعیل و داود فرامرزی، بررسی نظری مسأله فساد اداری، «مجله حقوقی و قضایی دادگستری»، شماره ۳۷، ۱۳۸۰.
- مهرداد، میرعرب، نیم نگاهی به مفهوم امنیت، بازنگری، ترجمه عبدالقیوم سجادی، قم، «فصلنامه علوم سیاسی»، سال سوم، ۱۳۷۹.
- اداره کنترل و تفتیش، شماره سوم. «فصلنامه تفتیش»، سال، ۱۳۹۰.

۵۰/ مجله علمی-تحقیقی دعوت/سال دوم، شماره پنجم، زمستان ۱۴۰۰هـ

- سیف‌زاده، علی، مروری بر دیدگاه‌های جامعه‌شناختی در مورد فساد اداری، « فصلنامه رهیافت پیشگیری» شماره اول، سال ۱۳۹۷.
- رحمانی، حامد؛ خانی موسی؛ مرتضی و دیگران، بررسی ساختار شکل‌گیری فساد اداری در سازمان‌های مادی، هنجاری و سازمان‌های با هدف انتظامی، با استفاده از روش آنتروپی شانون، «فصلنامه علمی- پژوهشی مدیریت منابع در نیروی انتظامی»، شماره ۴، سال ۱۳۹۴.
- فیروزجائیان؛ هاشمی، علی اصغر؛ سیدضیا، قانون‌گریزی به مثابه آنومی اجتماعی، «فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیتی اجتماعی»، شماره ۴۷، سال ۱۳۹۵.

ج- سایت‌ها

- پژواک و دریابی. نشر، ۲۸ سرطان. ۱۳۹۶، ۳ عقرب ۱۴۰۰.
قابل دریافت: <https://www.etilaatroz.com>
- تاریخ نشر: ۱۳۹۹/۸/۲۵- تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲۸.
قابل دسترس در: <http://www.tasnimnews.com/fa/news/>
- نشر، ۲۰ جدی. ۱۳۹۵، دریافت، جدی ۱۴۰۰.
قابل دریافت <https://www.bbc.com/persian/afghanistan-۳۸۵۵۳۰۳۱>
از:
- بخدی، تاریخ نشر ۸ سرطان ۱۳۹۲، تاریخ دریافت ۲۰. میزان ۱۴۰۰.
دریافت از: قابل <http://www.dailyafghanistan.com>
- ملک‌نژاد، ۲۴، جوزا ۱۴۰۰، دریافت ۲۷. میزان ۱۴۰۰
قابل دریافت از: <https://www.etilaatroz.com/۱۲۶۱۸۲/>

تأثیر فساد اداری بر امنیت ملی در افغانستان پسا... / ۵۱

- علی آرشد، نشر ۱۵، حمل، ۱۳۹۷، دریافت، میزان، ۱۴۰۰.

قابل <https://lam.af/operational-money-or-unchecked-white-checks>

دریافت از:

- میر عابد جوینده، نشر ۳۰، اسد، ۱۳۹۵، دریافت ۷، میزان، ۱۴۰۰، قابل دسترس در

خبرگزاری جمهور

قابل دریافت: <http://www.jomhornews.com/fa/news/۸۳۸۵۸>

نظری، بای نظر، تاریخ نشر: ۱۳۹۸/۱۰/۲۱ - تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۹ پژواک

فایل قابل دسترس در: <http://pajhwok.com/opinion>

د- منابع انگلیسی

- UNDP، Governance for sustainable Human Development. United Development Programmed، ۱۹۹۷

بررسی نقش متغیرهای کلان اقتصادی بر پدیده فقر با تأکید بر کشورهای اسلامی

محمد باقر معرفت* محمد رضا شجاعی**

* رییس پوهنخج اقتصاد پوهنتون بامیان و همکار قلمی مجله علمی پوهنتون دعوت
** کارشناس ارشد علوم اقتصاد و همکار قلمی مجله علمی-تحقیقی پوهنتون دعوت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۴

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۲/۲۰

چکیده:

با پیشرفت‌ها و نوآوری‌های که در قرن بیست و یکم به وجود آمده و تحولات بی حساب که در سطح دنیا نمایان شده است؛ اما فقر همچنان گریبان‌گیر عده‌ای از کشورهای جهان و خصوصاً کشورهای اسلامی می‌باشد. لذا در این پژوهش سعی شده است تا از روش و سیستم داینامیک و رسم روابط علت - معلولی به کمک نرم افزار ونسیم به این مهم پرداخته شود. محقق در این پژوهش از نوع روش تحقیق توصیفی - تحلیلی با رویکرد کتابخانه‌پی استفاده کرده است. با توجه به عنوان تحقیق؛ هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی نقش متغیرهای کلان اقتصادی بر پدیده فقر در کشورهای اسلامی است. سوال اصلی تحقیق این است که؛ متغیرهای کلان اقتصادی بر پدیده فقر در کشورهای اسلامی چه تأثیر دارد؟ و فرضیه تحقیق هذا نیز چنین ارائه گردیده است «عدم استفاده درست از متغیرهای کلان اقتصادی در

کشورهای اسلامی باعث فقر در این کشورها شده است.» یافته‌های تحقیق بیان‌گر این است که فقدان سرمایه، رشد بی‌رویه جمعیت، پایین بودن سطح تکنالوژی، پس‌انداز پایین، سرمایه‌گذاری کم، درآمدهای پایین خانواده‌ها، افزایش انحرافات فکری، افزایش جرایم و جنایات در جامعه باعث افزایش فقر در کشور می‌شود. برای بیرون رفت از این مشکلات پیشنهاد شده است تا از رشد جمعیت نیروی کار بدون تخصص جلوگیری صورت گیرد و پس‌انداز در جامعه زیاد شود تا باعث سرمایه‌گذاری بیشتر و سرمایه بیشتر در جامعه شود. همچنان پیشنهاد شده است تا برای تکنالوژی بروز نیروی کاری متخصص تربیت شود و ماشین آلات پیشرفته وارد کشورهای اسلامی گردد. همچنان پیشنهاد شده است تا برای کاهش جرم و جنایات، انحراف فکری؛ فقر و نابرابری‌های درآمدی در جامعه کاهش یابد تا مردم زیاد احساس بی‌عدالتی نکنند.

واژگان کلیدی: فقر، اسلام، کشورهای اسلامی، رشد اقتصادی، پویایی سیستم، کانال‌های اقتصادی.

مقدمه

فقر یکی از مسائل اساسی و نگران‌کننده در جوامع اسلامی است که بیان‌کننده نوعی احتیاجات در به دست آوردن حد اقل امکانات مادی برای امور زندگی بشری می‌باشد. پدیده فقر مشکلات اجتماعی و اقتصادی متفاوتی را در ابعاد مختلف برای جوامع اسلامی به بار می‌آورد؛ چرا که این پدیده که خود نمودی از توسعه نیافتگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. ثبات سیاسی، همبستگی اجتماعی و همچنین سلامت جسمی و روحی تمام کشورها را نیز تهدید می‌کند. افزایش فقر موجب افزایش مرگ و میر، کاهش متوسط طول عمر یا امید به زندگی، افت کارایی انسان‌ها و در نهایت کاهش بهره‌وری انسان‌ها می‌شود. علی‌رغم آنکه امروزه در سراسر جهان زندگی برای مردم بهتر شده است؛ ولی فقر همچنان گریبان‌گیر بعضی از کشورها و خصوصاً کشورهای اسلامی می‌باشد. وجود پدیده فقر با امکانات اقتصادی بالقوه امروزی وضعیت غیر قابل بخشش تلقی می‌گردد و به خاطر پیامدهای آن بر رفاه اقتصادی و اجتماعی جامعه و اثرات غیر قابل جبران که

بررسی نقش متغیرهای کلان اقتصادی بر پدیده فقر / ۵۵

بر خوشبختی و سلامتی مردم در جامعه دارد قابل توجه می‌باشد. استفاده نادرست از وسائیل تولیدی در کشورهای اسلامی یکی دیگر از معضلات فرا راه این کشورها می‌باشد که باعث تقویت فقر می‌شود.

افزایش رفاه اقتصادی مردم و کاهش فقر یکی از اهداف اساسی برنامه‌های توسعه اقتصادی در هر کشوری محسوب می‌شود؛ اما با پیشرفت تکنالوژی و صنعت از قرن نوزدهم به بعد ما شاهد نابرابری‌های اجتماعی بسیاری بوده‌ایم که این موضوع سبب وجود فقر شده است. کشورهای جهان سوم و خصوصاً کشورهای اسلامی بیشتر گرفتار این پدیده شوم بوده و با آن دست و پنجه نرم می‌نمایند. فقر و نابرابری‌های اجتماعی سبب بروز مشکلات وسیعی گردیده و توجه اکثر محققین و سیاستمداران را به خود جلب نموده است. هریک از محققین از گوشه‌های متفاوتی به تشریح فقر پرداخته است. (آذری بنی، ۱۳۹۲: ۱۳) از آنجایی که فقر از دریچه‌های مختلف مورد توجه دانشمندان اقتصادی بوده و راهکارهای زیادی نیز پیشنهاد شده است؛ اما متأسفانه تا هنوز نتوانسته است فقر را در جوامع مختلف کاهش دهد. لذا ضرورت احساس می‌شود تا این پدیده از طریق روابط علت و معلولی روش سیستم دینامیک نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و راهکارهای درست قابل قبول برای کاهش فقر مطرح گردد. سیستم دینامیک یا پویایی سیستم یک روش غیر خطی بوده که برای اولین بار در سال ۱۹۵۶ میلادی توسط جی رایت فورستر استاد انستیتوت تکنالوژی ماساچوست (MIT) در آمریکا مورد استفاده قرار گرفت.

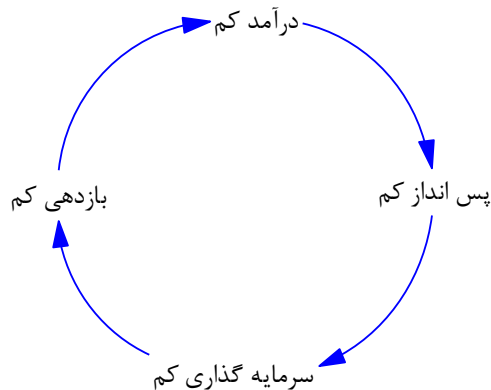
هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی نقش متغیرهای کلان اقتصادی بر پدیده فقر در کشورهای اسلامی است. اینک سوال مطرح است که «متغیرهای کلان اقتصادی بر پدیده فقر در کشورهای اسلامی چه تاثیر دارد؟» در تجزیه و تحلیل متغیرهای کلان اقتصادی و نتیجه‌گیری تحقیق به این پرسش پاسخ داده خواهد شد. همچنان مطابق سوال فوق؛

فرضیه نیز ارائه می‌شود اینکه عدم استفاده درست از متغیرهای کلان اقتصادی در کشورهای اسلامی باعث فقر در این کشورها شده است.

در این تحقیق بعد از مقدمه به مبانی نظری تحقیق پرداخته شده است و سپس پیشینه تحقیق مورد مطالعه قرار گرفته است. بعد از آن روش تحقیق ذکر شده و به ادامه آن تجزیه و تحلیل متغیرهای کلان اقتصادی و روابط آنها با فقر مطرح شده است و در اخیر نتیجه گیری و پیشنهادات ذکر شده است.

مبانی نظری تحقیق

یکی از نظریه‌های بدینانه که در چند دهه قبل مطرح گردید و امروز نیز طرفدارانی دارد، نظریه مشهور دور تسلسل است. طبق این نظریه، علل اولیه یا اصلی توسعه نیافتگی چنان به یکدیگر مرتبط هستند که توأماً به نام دایره فقر نامیده می‌شود. مثلاً موجودیت سرمایه‌گذاری پایین باعث بازدهی کم در جامعه می‌گردد و به نوبه خود بازدهی کم باعث کاهش درآمد و کاهش درآمد باعث کاهش تقاضا و پس‌انداز می‌گردد و این عمل به نوبه خود باعث افزایش فقر در جامعه می‌شود و افزایش فقر بار دیگر باعث سرمایه‌گذاری پایین می‌گردد و این عمل به شکل دایره‌وی جریان دارد.

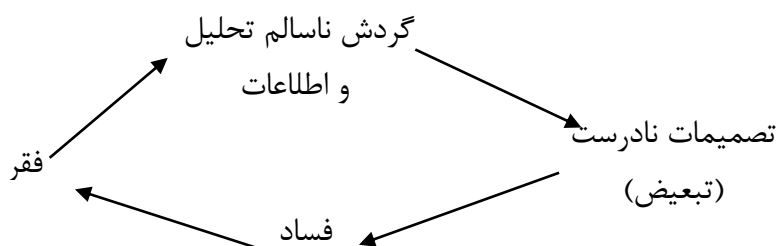


دایره فقر

در واقع بر اساس نظریه دور تسلسل توسعه نیافتگی کشورهای فقیر در بندی گرفتار

بررسی نقش متغیرهای کلان اقتصادی بر پدیده فقر / ۵۷

هستند که خارج شدن از آن بدون کمک عامل خارجی امکان‌پذیر نیست. بر اساس نظریات متفکرین غربی نظریه دور تسلسل پیشنهاد می‌گردد که کشورها برای خارج شدن از این تله به وام خارجی یا سرمایه‌گذاری خارجی ضرورت دارد. یکی از مشکلات مهمی که در کشورهای جهان سوم وجود دارد نبود سرمایه‌گذاری مفید در جامعه می‌باشد. این کشورها مبلغ قابل توجه مابه‌التفاوت بین درآمد و مصرف که پس‌انداز بالقوه را تشکیل می‌دهد صرف خرید کالاهای عتیقه، زینت آلات گران قیمت نظیر طلا و سنگ‌های قیمتی و ساختمان‌های تجملی می‌کنند و حتی بخشی از پس‌اندازهای ملی که وارد سیستم بانکی می‌شود به علت مشکلات سازمانی و نهادی بدون استفاده باقی می‌ماند. به اساس نظریه دکتر ملکی نویسنده کتاب توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی دایره تسلسل توسعه‌نیافتگی در اقتصاد سیاسی طوری ذیل تشریح شده است: گردش ناسالم تحلیل و اطلاعات در جامعه باعث تصمیمات نادرست (تبعیض) می‌گردد و این عمل موجب فساد شده که در یک جامعه فاسد فقر افزایش پیدا می‌کند و فقر خود بار دیگر باعث می‌شود تا گردش ناسالم تحلیل و اطلاعات در جامعه حاکم باشد. (ملکی، ۱۳۹۵: ۱۱۰)



نورکس^۱ یکی دیگر از طرفداران نظریه رشد متعادل است که پدیده توسعه‌نیافتگی را مورد بررسی قرار داده است. نورکس بر نقش بازارهای داخلی تأکید دارد و مخالف تجارت خارجی برای بازار محصولات داخلی است. به اعتقاد وی گسترش بازارهای داخلی و افزایش تقاضای داخلی مستلزم ارتقا قدرت تولیدی در جامعه است. با افزایش قدرت

1. Ragnar nurkse

تولیدی قدرت خرید افراد جامعه بالا می‌رود و بازار لازم برای جذب محصولات تولید شده فراهم می‌شود.

نورکس معتقد است که انگیزه هر گونه سرمایه‌گذاری به وسعت بازار و وجود تقاضا بستگی دارد، وسعت بازار به قدرت خرید جامعه و قدرت خرید جامعه به قدرت تولید بستگی دارد. به اساس نظریه نورکس گریز از بن بست دوره‌های فقر نیازمند سرمایه‌گذاری‌های گسترده و همزمان در دامنه وسیعی از منابع مختلف است. (نظری و موسوی، ۱۳۸۹: ۱۵۴)

شاخص‌های اندازه‌گیری فقر

برای اندازه‌گیری فقر شاخص‌های ذیل به کار گرفته شده است که عبارت اند از:

۱- شاخص سرشمار^۱

این شاخص از جمله معمولی‌ترین شاخص‌های می‌باشد که برای اندازه‌گیری فقر به کار می‌رود. شاخص سرشمار عبارت از نسبت جمعیتی می‌باشد که به عنوان فقیر به حساب می‌آید و معمولاً به H نشان داده می‌شود.

$$H = \frac{q}{N} * 100 \dots \dots \dots (1)$$

در معادله فوق q تعداد افراد فقیر و N تعداد جمعیت مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

(مجاوریان و رئیس، ۱۳۹۳: ۱۷)

۲- شاخص شکاف فقر^۲

شاخص شکاف فقر یکی دیگر از معیارهای اندازه‌گیری برای فقر است. البته معیار تفکیک فقرا از غیر فقرا تنها محاسبه خط فقر نمی‌باشد؛ زیرا در مقابل خط فقر و تعداد آن شدت فقر نیز مهم است. دلیل آن نیز در این است که نابرابری در توزیع درآمد در

1. Headcount Index

2. Poverty Gap Index

بررسی نقش متغیرهای کلان اقتصادی بر پدیده فقر / ۵۹

میان فقرا، متوسط درآمد و فاصله درآمد آن‌ها تا خط فقر متفاوت بوده و تغییر هریک از این عناصر می‌تواند باعث تغییر در اندازه شدت فقر داشته باشد. برای محاسبه شدت فقر شکاف درآمدی فقرا مورد محاسبه قرار می‌گیرد که نشان دهنده عمق یا شدت فقر می‌باشد. (رسمتی حصوری، ۱۳۹۳: ۹۵)

$$Gi = (Z - Yi) * I(Yi < Z) \dots \dots \dots (2)$$

در رابطه‌ی فوق Gi شکاف فقر فرد یا خانواده، Z خط فقر و Yi درآمد می‌باشد. خصوصیت مهم Gi این است که این سمبول برای فقرا مثبت و برای بقیه مردم منفی در نظر گرفته شده است.

اگر متوسط فاصله درآمد افراد تا خط فقر نسبت به خط فقر به P_1 نشان داده شود، P_1 نسبت شکاف فقر را نشان می‌دهد و معادله فوق به شکل ذیل تبدیل می‌گردد.

$$P_1 = \frac{1}{N} \sum_{i=1}^N \frac{Gi}{Z} \dots \dots \dots (3)$$

این معادله نشان دهنده شکاف فقر به تناسبی از حد اوسط جمعیت می‌باشد و به درصد ارائه می‌گردد. در این معادله برای افراد غیرفقیر شکاف فقر صفر در نظر گرفته شده است. (ارشدی و کریمی، ۱۳۹۲: ۳۳)

شاخص مجذور شکاف فقر (شدت فقر)¹

عده‌ای از پژوهشگران برای محاسبه نابرابری میان فقرا شاخص مجذور شکاف فقر را استفاده نموده اند. این شاخص حاصل جمع وزنی شکاف‌های فقر است. در این شاخص وزن بیشتر به مشاهداتی داده می‌شود که پایین‌تر از خط فقر قرار گرفته است. برای رسیدن به این هدف طبق معادله ذیل عمل می‌شود.

1. Squared Poverty Gap (Poverty Severity) Index

$$P_a = \frac{1}{N} \sum_{i=1}^N \left(\frac{Gi}{Z}\right)^a \dots\dots\dots(۴) \quad (a \geq ۰)$$

این معادله به خاطر پیچیده بودن آن کاربرد زیادی ندارد؛ اما بهر صورت یکی از شاخص‌های ارائه شده توسط فوستر^۱، گریر^۲ و توربگ^۳ (۱۹۸۴) جهت اندازه‌گیری فقر می‌باشد. در معادله فوق a اندازه حساسیت این شاخص نسبت به فقر را نشان می‌دهد. اگر در این معادله a مساوی به صفر باشد شاخص سرانه به دست می‌آید. وقتی $a=1$ باشد شاخص شکاف فقر حاصل می‌شود و هنگامیکه $a=2$ باشد شاخص شدت فقر به دست می‌آید. اگر اندازه حساسیت بزرگتر از صفر باشد مقدار فقر با افزایش سطح زندگی فقرا اکیداً کاهش می‌یابد. اگر $a > 1$ باشد این شاخص افزایش در فقر را نشان می‌دهد و سطح زندگی فرد فقیر کاهش می‌یابد. (قائدی، ۱۳۹۰: ۳۳)

۴- شاخص سن^۴

شاخص سن که در سال ۱۹۷۶ ارائه شده است تلاش می‌نماید تا اثرات تعداد فقرا، عمق فقر آن‌ها و توزیع فقر در میان گروه‌ها را ترکیب نماید. در شاخص سن p شاخص سرشمار، μ^p اوسط درآمد یا مخارج شخص فقیر یا خانواده، G^p ضریب جینی در میان اشخاص فقیر می‌باشد. شاخص سن طبق معادله ذیل شرح داده می‌شود.

$$P_s = p \cdot \left(1 - \left(1 - G^p \right) \frac{\mu^p}{Z} \right) \dots\dots\dots(۵)$$

در معادله (۵) ضریب جینی از صفر الی یک قیمت می‌گیرد که صفر برابری کامل و عدد یک نابرابری کامل را نشان می‌دهد. این شاخص همچنان به صورت اوسط معیارهای

-
1. Foster
 2. Greer
 3. Thorbecke
 4. Sen index

بررسی نقش متغیرهای کلان اقتصادی بر پدیده فقر / ۶۱

سرشمار و شکاف فقر که با استفاده از ضریب جینی وزن داده شده است نیز در نظر گرفته می‌شود که معادله آن طبق ذیل نوشته شده است. (ارشدی و کریمی، ۱۳۹۲: ۳۴)

$$P_s = p \cdot G^p + p_1(1 - G^p) \dots\dots\dots(۶)$$

۵- شاخص جینی^۱

ضریب جینی نشان دهنده توزیع نابرابری در یک جامعه می‌باشد که در سال ۱۹۱۲ در یک مطالعه توسط جینی به دست آمده است. این شاخص توسط فرمول‌های مختلف مورد تحقیق قرار گرفته است که همه آنها مشابه هم بکار برده می‌شود. مشهورترین معادله که برای به دست آوردن شاخص جینی بکار برده می‌شود قرار ذیل تعریف می‌گردد.

$$G = 1 + \frac{1}{H} - \frac{2}{H^2\mu} \{HM^1 + (H-1)M^2 + (H-2)M^3 + \dots + 2M^{H-1} + M^H\} \dots\dots(۷)$$

در رابطه (۷) از M^1 الی M^H در آمد H فرد موجود در یک جامعه انتخابی می‌باشد، μ میانه درآمد خانوار یا شخص و G ضریب جینی می‌باشد. ضریب جینی بین اعداد صفر و یک قیمت می‌گیرد که اگر توزیع در یک جامعه به طور کاملاً برابر توزیع شده باشد قیمت آن صفر و اگر کاملاً به طور نابرابر توزیع شده باشد قیمت آن عدد یک می‌باشد.

(عباسیان و نسرين دوست، ۱۳۹۷: ۱۸۰)

۶- شاخص سن - شارکس - تن^۲

شاخص سن توسط اقتصاددانان دیگر مورد اصلاح قرار گرفت که یکی از مناسب‌ترین آن شاخص سن - شارکس - تن می‌باشد و به SST نشان داده می‌شود. این شاخص به طور ذیل تعریف شده است.

$$P_{sst} = P \cdot P_1^p (1 + \bar{G}^p) \dots\dots\dots(۸)$$

1. Gini index

2. Sen-Shorrocks-Thon Index

این شاخص عبارت از حاصل ضرب شاخص سرشمار، شاخص شکاف فقر و ضریب جینی می‌باشد. ویژگی مثبت که این شاخص دارد این است که درک خوبی از منشأ تغییرات فقر در طول مدت زمان را ارائه می‌نماید که معادله به شکل ذیل تبدیل می‌گردد.

$$\Delta \ln p_{sst} = \Delta \ln p. + \Delta \ln P_1^p + \Delta \ln (1 + \bar{G}^p) \dots \dots \dots (9)$$

نتیجه این معادله به اساس درصد تغییرات در هر یک از شاخص‌ها و ضریب جینی ارائه می‌شود.

۷- شاخص واتس^۱

این شاخص در سال ۱۹۶۸ توسط واتس ارائه گردیده است که توزیع حساسیت فقر را نشان می‌دهد و معادله آن قرار ذیل تعریف شده است.

$$W = \frac{1}{N} \sum_{i=1}^q \{ \ln(z) - \ln(y_i) \} = \frac{1}{N} \sum_{i=1}^q \ln \left(\frac{z}{y_i} \right) \dots \dots \dots (10)$$

در معادله فوق N تعداد افرادی می‌باشد که درآمد آنها به صورت افزایشی نشان داده شده است. q فردی است که درآمد یا مصرف آن (y_i) کمتر از خط فقر (z) قرار دارد. (قائدی، ۱۳۹۰: ۳۵)

پیشینه تحقیق

فقر یک پدیده چند بعدی در سطح جهان می‌باشد که از جوانب مختلف و به زبان‌های مختلف روی آن تحقیق صورت گرفته است. در اینجا خلاصه چند تحقیق به عنوان نمونه آورده شده است. حق شناس و همکاران (۱۳۹۸) تحقیق را تحت عنوان نقش فقر در تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مطالعه موردی: استان کردستان انجام داده است. روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی است و نتایج نشان می‌دهد که میزان فقر در استان کردستان طی دهه‌های گذشته افزایش یافته است که این پدیده باعث نارضایتی

1. Watts

بررسی نقش متغیرهای کلان اقتصادی بر پدیده فقر / ۶۳

عمومی شده است. نتیجه این نارضایتی را می‌توان در احساس تبعیض قومیتی، هویت طلبی قومی، کاهش مشارکت سیاسی و افزایش اعتراضات عمومی مشاهده کرد.

ناهید خان و طارق مجید^۱ (۲۰۱۹) تحقیق را تحت عنوان تله فقر و رشد اقتصادی: شواهدی از پاکستان انجام داده است. در این تحقیق میان رشد کم اقتصادی و فقر رابطه تنگاتنگی در نظر گرفته شده است؛ یعنی تله فقر مانع رشد اقتصادی طویل‌مدت می‌گردد اما بر خلاف این فرضیه ثابت می‌شود که رشد اقتصادی باعث کاهش فقر می‌گردد. این مطالعه به بررسی تاثیر فقر بر رشد اقتصادی در پاکستان با استفاده از داده‌های سالانه طی دوره زمانی ۱۹۷۵ الی ۲۰۱۶ پرداخته است. برای بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و تله فقر از مدل **ARDL** استفاده شده است. یافته‌های اصلی این تحقیق حاکی از آن است که فقر عملکرد رشد اقتصادی را در پاکستان مهار می‌کند. بنا بر این سیاست‌های رشد اقتصادی باید طوری طراحی گردد که نه تنها به منظور افزایش رشد اقتصادی بلکه باید اعمال نفوذی مستقل برای کاهش فقر نیز در نظر گرفته شود.

گل قاسمی (۱۳۹۶) پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را تحت نام بررسی رابطه متقابل بین توسعه مالی، رشد اقتصادی و شاخص فقر با استفاده از مدل خودرگرسیون برداری (VAR) در ایران نوشته است. دوره زمانی این تحقیق بین سالهای ۱۳۵۲-۱۳۹۱ می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که هم در کوتامدت و هم در بلندمدت رابطه علی یک طرفه مثبت بین توسعه مالی و رشد اقتصادی وجود دارد. طوریکه افزایش شاخص توسعه مالی می‌تواند علت افزایش در رشد اقتصادی باشد اما افزایش رشد اقتصادی نمی‌تواند علت افزایش در شاخص توسعه مالی باشد.

امانی پور و همکاران (۱۳۹۶) تحقیقی را تحت عنوان «بررسی حد فقر و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه امام علی» به روش توصیف و تحلیل محتوا، مورد بررسی قرار داده است که از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (رض) فقر به معنای عدم تأمین نیازها در حد کفاف و

کفایت است. بنابراین شاخص فقر، نیاز و حد آن کفاف و کفایت خواهد بود. کفاف و کفایت حدی به اندازه نیازها، بدون کاستی و فزونی هستند. از این رو بر میان فقر و غنی دلالت می‌کنند و کمترین سطح بی‌نیازی و توانگری به شمار می‌آیند.

باریت و همکاران^۱ (۲۰۱۶) تحقیقی را تحت عنوان پویایی رفاه و تله فقر انجام داده است. این محققان نوشته است که تله فقر در نتیجه تعادل ساز و کارهای ضعیف به طور بنیادی تقویت می‌گردد که میکانیسم‌های اساسی و مهم برای توسعه، پیشرفت سیاست‌ها، کمک برای فقرا و ریشه‌کن کردن فقر لازم و ضروری می‌باشد. در این تحقیق شواهد نظری و تجربی به طور فردی و جمعی در ابعاد کوچک و بزرگ مطالعه شده است و همچنان تحقیقات علمی کافی توسط ساز و کارهای مختلف، فقر دائمی را ثابت نموده است. پژوهشگر شواهد کافی را جهت اثبات کردن فرضیه تقویت تله فقر به دست آورده است. در این تحقیق سیاست‌های پیشنهادی مطرح شده است که جهت رفاه زندگی و کاهش فقر اثر گذار می‌باشد؛ سیاست گذاران باید میکانیسم‌های مزاحم دائمی را حذف نموده و ساز و کارها و توجهات جدی را به اساس توانایی و لیاقت روی کار آورند.

انساه^۲ (۲۰۱۴) تحقیقی را تحت عنوان مدل‌سازی پویایی تله فقر و انباشتگی بدهی برای ایجاد مکانیسم ساختاری علی در کشور غنا انجام داده است. نویسنده در تحقیق خویش بیان نموده است که فقر مطلق در کشورهای در حال توسعه و به ویژه در آفریقا فراگیر است و غنا از این قاعده مستثنی نیست. فقر در کشورهای در حال توسعه با رشد ضعیف تولید ناخالص داخلی تشدید می‌شود. مدل دینامیک یک سیستم عمومی برای اقتصاد در حال توسعه است که در آن جمعیت، تولید، انباشتگی بدهی و غیره به عنوان زیربنا برای تجزیه و تحلیل استفاده می‌شود. نتیجه تحقیق بیان مینماید که کاهش درآمد یک کارگر در غنا به کاهش قابل توجه از سرمایه‌گذاری نسبت داده شده است که در نتیجه باعث کاهش رشد تولید

1. Barrett & et al.

2. Pastor Ansah

ناخالص داخلی همراه با رشد جمعیت بالا می‌باشد. محقق پیشنهاد نموده است که صرفه جویی و سرمایه‌گذاری عمومی بهترین سیاست برای کاهش فقر و بدهی عمومی است.

سخری^۱ (۲۰۱۴) طی یک تحقیقی در یکی از روستاهای هند رابطه بین چاه‌های آب زیر زمینی و فقر را بررسی نموده است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که محدودیت قوانین در حفر چاه‌ها با عمق مشخص از یک طرف و نبود تکنالوژی کافی و ضعف آن از طرف دیگر باعث عدم دسترسی به منابع آب زیر زمینی شده و روی هم رفته این عوامل به طور مستقیم باعث افزایش فقر مطلق در روستاهای هند گردیده است.

رشیدی و همکاران (۱۳۹۲) تحقیقی را تحت عنوان «علل فردی بروز فقر از منظر قرآن و حدیث» انجام داده است. روش تحقیق این مقاله توصیفی-تحلیلی می‌باشد. از نظر نویسنده مهم ترین عوامل بروز فقر فردی عبارت از بیکاری و تنبلی، بی برنامه‌گی و سوء تدبیر، رهبانیت و نکوهش دنیا، اسراف و تبذیر، خیانت در امانت، گناه، کفران نعمت و فقیر نمایی می‌باشد.

محمدزاده موسی‌کندی (۱۳۹۲) به موضوع ماهیت و اهمیت نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در بخش سلامت ایران پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان داده است که سلامتی افراد، ارتباط مستقیمی با تأمین مالی بخش سلامت آنها دارد. سهم اندک بخش سلامت از تولید ناخالص ملی و درعین حال سهم زیاد پرداخت مستقیم از جیب خانوارها (بین ۵۰ تا ۶۰ درصد) می‌باشد از مهمترین مشکلاتی که در این بخش به آن پرداخته شده است عدم کارایی بیمه‌ها در محافظت افراد در برابر هزینه‌های بالا و کمرشکن سلامت، احتمال مواجهه‌ی خانوارها با هزینه‌های کمرشکن و فقرزا، تعدادی از جمعیت را تهدید می‌کند.

توماس و گاسپارت^۱ (۲۰۱۲) عنوان تحقیق شان را با یک سوال آغاز نموده است که آیا فقر کنونی می‌تواند متاثر از فقر در گذشته باشد؟ و چه عواملی بر پویایی فقر و تله فقر در مناطق روستایی ماداگاسکار اثر گذار هستند؟ دوره زمانی این تحقیق ۲۰۰۶-۱۹۹۹ می‌باشد. داده‌های استفاده شده در این تحقیق پنلی بوده و مناطق روستایی کشور مربوطه مورد مطالعه قرار گرفته است. مدل استفاده شده در این تحقیق مارکوف است و با استفاده از این مدل نقش فقر گذشته را روی وضعیت فعلی مورد مطالعه قرار داده اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که خانواده‌های آسیب پذیر کسانی هستند که سطح سواد آنها پایین می‌باشد و با وجود درآمدهای مختلف در این کشور، درآمدهای آنها پایین تر بوده و نسبت به کمک‌های بیرونی بیشتر وابستگی دارد. همچنان نتایج نشان می‌دهد که فقر کنونی روی وضعیت افراد در آینده اثر گذار می‌باشد. راهکارهای ارائه شده بیان کننده این است که خانواده‌های فقیر باید تعداد اعضای خانواده را کاهش دهد یا به عبارتی دیگر تعداد زاد و ولد در این خانواده‌ها کاهش یابد و همچنان آموزش‌های اولیه برای این خانواده‌ها افزایش یابد تا ارزش افزوده آنها در مسائل کاری بالا برود.

حسینی نیا (۱۳۹۰) پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را تحت نام «عوامل پیدایش فقر، پیامدها و راه‌های مقابله با آن در نهج البلاغه» نوشته است. برداشت نویسنده از مطالعه نهج البلاغه در این تحقیق این است که فقر آثار شوم فراوانی در حوزه فردی و اجتماعی دارد. از جمله پیامدهای فقر در نهج البلاغه از بین رفتن کرامت انسانی، آسیب دیدن دین، ناامیدی شخص فقیر، وابستگی اقتصادی، بی‌اعتمادی جامعه به فقیر، از بین رفتن استعدادهای شخص فقیر و غیره می‌باشد.

بررسی نقش متغیرهای کلان اقتصادی بر پدیده فقر / ۶۷

الله خواه (۱۳۸۷) پایان نامه کارشناسی ارشد خود را تحت عنوان فقر از دیدگاه قرآن کریم نوشته است. روش این تحقیق بصورت تحلیلی-توصیفی بوده و محوریت اصلی در این تحقیق آیات قرآن کریم می‌باشد و به تناسب موضوع از روایات نیز استفاده شده است. آقا بابایی پور (۱۳۸۵) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود در تحقیق اثر رشد اقتصادی بر فقر پرداخته است. مطالعه موردی این تحقیق ۵۰ کشور می‌باشد که به دو دسته کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته تقسیم شده است. دوره زمانی این تحقیق بین سالهای ۱۹۹۴-۲۰۰۳ می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که با افزایش یک درصد رشد تولید ناخالص داخلی به طور متوسط ۰,۱۲۲ درصد فقر مطلق کاهش می‌یابد.

ناصری (۱۳۸۴) پایان نامه کارشناسی ارشد خود را تحت عنوان فقر (پیامدها، زمینه‌ها و راهکارهای مقابله با آن) نوشته است. این تحقیق به شکل تحلیلی توصیفی بوده و از دیدگاه مکاتب و ادیان مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است. عوامل گوناگون فقر در این تحقیق به دو دسته عوامل معنوی و مادی تقسیم شده است. عوامل معنوی فقر ارتکاب گناه و رابطه آن با فقر می‌باشد. عوامل مادی آن به عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، طبیعی و اقتصادی طبقه‌بندی گردیده است.

روش تحقیق

برای رسیدن به هدف این تحقیق و جواب دادن به سوال مطرح شده؛ در مبانی نظری از روش تحلیلی-توصیفی با رویکرد کتابخانه‌یی استفاده شده است و برای تجزیه و تحلیل روابط علت - معلولی از رویکرد پویایی سیستم استفاده شده و همچنان از لحاظ هدف؛ یک تحقیق کاربردی است.

تاریخچه پویایی سیستم

برای اولین بار پویایی سیستم یا به زبان انگلیسی (system dynamic) در اواسط دهه ۱۹۵۰ میلادی برای کمک به مدیران صنعتی با تمرکز بر مشکلات موجود آن زمان به کار برده شد. زمانیکه مدیران جنرال الکتریک از موضوع چرخه سه ساله استخدام در

کارخانه ایالت کنتاکی در حیرت بودند، رفتار کارمندان و دلیل انصراف کارمندان؛ مدیران این شرکت را به مشکل دچار کرده بود و بالاخره این معضل به جی رایت فورستر استاد انستیتوت تکنالوژی ماساچوست (MIT) در آمریکا گزارش داده شد. فورستر با ترسیم مدلی که ساختارهای ورودی، جریان کار و بازخورها را نشان می‌داد چرخه استخدام و نحوه ساختار تصمیم‌گیری در این شرکت را مورد مطالعه قرار داد و نشان داد که مشکل ناپایداری در استخدام و ماندگاری کارکنان این شرکت از عوامل بیرونی نشأت نمی‌گیرد بلکه علت اصلی این مشکل در عوامل داخلی سیستم شرکت جنرال الکتریک نهفته است. ترسیم این مدل و اظهار معضل شرکت جنرال الکتریک آغازگر تفکر سیستمی، مطالعه، مدل‌سازی، تهیه برنامه‌های کمپیوتری و حل و فصل مشکلات پیچیده سیستمی گردید. (فورستر، ۱۹۹۵: ۹)

در یک سیستم اجزای آن باهم اثرات متقابل داشته و باهم در تعامل است که در این تعامل اثرات یک متغیر روی متغیر بعدی سنجش می‌گردد و سپس اثر متغیر دومی روی متغیر سومی محاسبه می‌گردد و به همین شکل هر یک از متغیرها علت تغییر در متغیر بعدی می‌شود. (مشایخی، ۱۳۹۸: ۱۴۴) در پویایی سیستم متغیرها از علت شروع و به معلول خاتمه می‌یابد. یعنی یک متغیر به عنوان یک علت شروع می‌شود و به همان عامل به عنوان معلول ختم می‌شود که شکل دایروی را تشکیل می‌دهد. (همان، ۱۵۶) نوع ابزاری که برای تجزیه و تحلیل این تحقیق در نظر گرفته شده است نرم افزار *vensim* می‌باشد.

تجزیه و تحلیل روابط علت - معلولی تحقیق

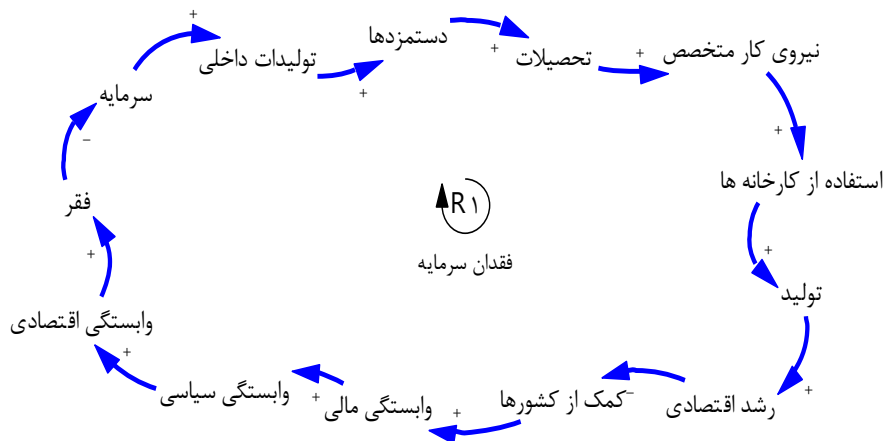
چنانچه در بخش مبانی نظری گفته شد فقر یک پدیده چند بعدی است که از دیدگاه‌های مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است و راه حل‌های مختلف نیز پیشنهاد شده است؛ اما در این تحقیق مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر فقر شامل کمبود سرمایه، رشد بی‌رویه جمعیت،

کمبود تکنالوژی، پس انداز کم، سرمایه گذاری کم، درآمد کم خانواده‌ها، انحراف فکری، جرایم و جنایات می‌باشد که ذیلاً هر کدام آنها مورد بحث قرار داده می‌شود.

۱. کمبود سرمایه

فرایند جریان سرمایه در محیط کسب و کار دارای تعیین کننده‌های سرمایه داخلی و خارجی است. جریان سرمایه یک بنگاه می‌تواند از منابع افراد بنگاه و یا خارج از آن تامین شود و در سطح کشوری نیز همین گونه است یعنی می‌تواند از منابع داخلی و یا از منابع خارجی فراهم شود. این ظرفیت از جریان سرمایه به طور عموم نقش بزرگی در تعیین مدل‌های اقتصادی سرمایه گذاری دارد. فرار سرمایه نقطه متقابل جذب سرمایه می‌باشد که در کشورهای در حال توسعه و خصوصاً در کشورهای اسلامی فرار سرمایه بسیار به سهولت صورت می‌گیرد و شامل خروج سرمایه‌های مالی و انسانی می‌باشد. در صورت نبود مقدار سرمایه اعم از سرمایه مالی مانند ماشین آلات، زمین، کارخانه و غیره و یا سرمایه انسانی مانند نیروی کار در کشور تولیدات داخلی کاهش می‌یابد. با کاهش تولیدات در کشورهای اسلامی درآمد صاحبان سرمایه نیز کاهش پیدا می‌کند که این عمل روی دستمزد نیروی کار اثر می‌گذارد و دستمزدها نیز به نوبه خود کاهش می‌یابد. چنانچه در کشورهای در حال توسعه دستمزد کارگران کاهش یابد بنابراین ریس یک خانواده قادر نیست تا خودش و فرزندان ایشان به آموزش و تحصیل ادامه دهد که این عمل خود به عدم تخصص نیروی کار منجر می‌گردد. با نبود دستمزد کافی برای نیروی کار متخصص تعدادی زیادی از نیروی انسانی که همان سرمایه انسانی گفته می‌شود از کشور فرار می‌کند که در اصطلاح به نام «فرار مغزها» نیز یاد می‌گردد. با فرار مغزها و عدم وجود نیروی کار متخصص استفاده از کارخانه‌ها کاهش می‌یابد که به این ترتیب مقدار تولید کل و رشد اقتصادی نیز کاهش پیدا می‌کند. زمانی که درآمد خانواده‌ها و مخارج کشوری کفاف نکند در این صورت دولت مجبور می‌شود تا از کشورهای بیرونی تقاضای کمک نماید که در این صورت وابستگی مالی به دیگر کشورها افزایش می‌یابد

و چنانچه روابط مالی و سیاسی کشورها باهم رابطه تنگاتنگ دارد. بنابراین با وابستگی مالی کشور نسبت به دیگر کشورها؛ وابستگی سیاسی و اقتصادی به طور کلی افزایش پیدا می کند که این عمل فقر را در جامعه افزایش می دهد. نمودار ذیل حلقه فقر و نبود سرمایه را در کشور نشان می دهد.



نمودار ۱: اثر گذاری فقدان سرمایه بر فقر

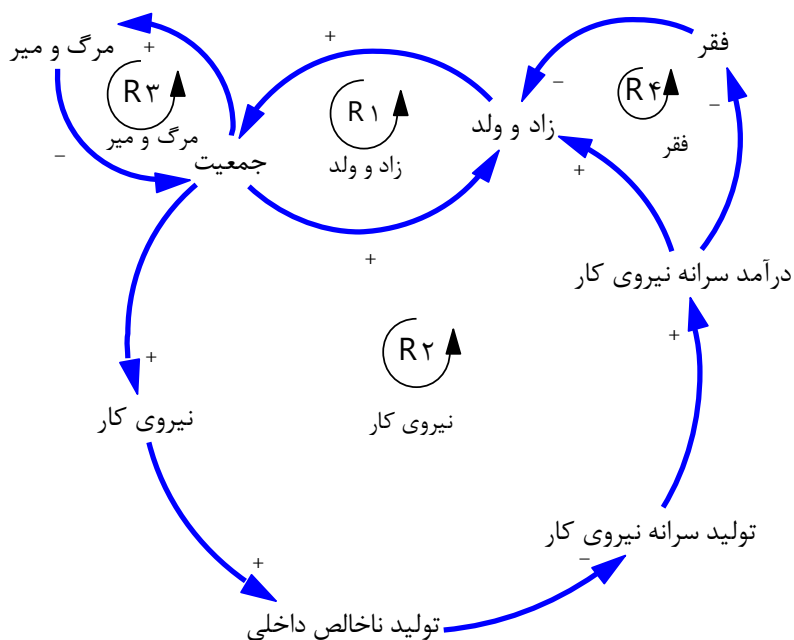
۲. رشد بی رویه جمعیت

ارتباط بین جمعیت یک کشور و رشد اقتصادی آن موضوع قابل بحث است که در نظریات مختلف اقتصادی از اقتصاددانان کلاسیک گرفته تا نظریات نوین اقتصادی مطرح شده است. مهم ترین نکته مورد بحث بین اقتصاددانان کمیابی منابع طبیعی، نواقص بازار سرمایه، نا اطمینانی از درآمدهای آتی می باشد که نتیجه آن رشد پایین درآمد، باروری بالا و فقر است. مالتوس، سولو، بارو و بکر مخالف افزایش جمعیت بوده اند و معتقد بودند که افزایش جمعیت از طریق کاهش منابع مجدد شونده عامل منفی برای رشد اقتصادی محسوب می شود. از طرف دیگر اقتصاددانانی چون کوزنس، سیمون، لی، بوسراپ و کریمر معتقد هستند که افزایش جمعیت منجر به بهبود تکنالوژی می شود و

بررسی نقش متغیرهای کلان اقتصادی بر پدیده فقر / ۷۱

در نتیجه عامل مثبتی برای رشد اقتصادی محسوب می‌گردد. به طور کلی با در نظر گرفتن هردو جنبه مثبت و منفی رشد جمعیت؛ در کشورهای اسلامی نظر اقتصاددانان گروه اول بیشتر صدق می‌کند چون مالتوس طوری نظر داده بود که افزایش رشد جمعیت شکل تصاعد هندسی دارد؛ در حالی که رشد مواد غذایی شبیه تصاعد حسابی می‌باشد. در کشورهای اسلامی با افزایش جمعیت تعداد نیروی کار در جامعه زیاد می‌شود که در نتیجه نرخ بیکاری افزایش می‌یابد. مالتوس چنین نظر داده است که افزایش جمعیت با درآمد سرانه رابطه مستقیم دارد. (محمدپور و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۰۳)

چنانچه در یک کشور که زیر بناهای اقتصادی آن ضعیف است درآمد سرانه افزایش یابد با افزایش درآمد سرانه زاد و ولد در کشور افزایش پیدا می‌کند که جمعیت کلی نیز رشد می‌نماید با افزایش جمعیت بار دیگر زاد و ولد زیاد می‌گردد. (حلقه زاد و ولد، R_1) با رشد جمعیت در کشور تعداد نیروی کار زیاد شده و روی تولید ناخالص داخلی اثر مثبت می‌گذارد؛ اما از آنجایی که منابع طبیعی ثابت و محدود می‌باشد لذا افزایش نیروی کار باعث کاهش تولید سرانه می‌گردد که مقدار درآمد سرانه به نوبه خود کاهش پیدا می‌کند (حلقه نیروی کار، R_2) با افزایش جمعیت مقدار مرگ و میر نیز افزایش می‌یابد و بالعکس مرگ و میر زیاد باعث کاهش جمعیت می‌گردد. هرگاه تعداد مرگ و میر بیشتر از تعداد زاد و ولد گردد جمعیت کاهش می‌یابد (حلقه مرگ و میر، R_3). همچنان با افزایش جمعیت در کشور و تاثیر ناگوار آن بر درآمد سرانه نیروی کار؛ بیکاری در جامعه زیاد شده و با درآمد سرانه پایین؛ فقر در جامعه گسترش پیدا می‌کند که فقر به نوبه خود زاد و ولد را در جامعه کاهش می‌دهد (حلقه فقر، R_4).



نمودار ۲: اثر گذاری رشد بی رویه جمعیت بر فقر

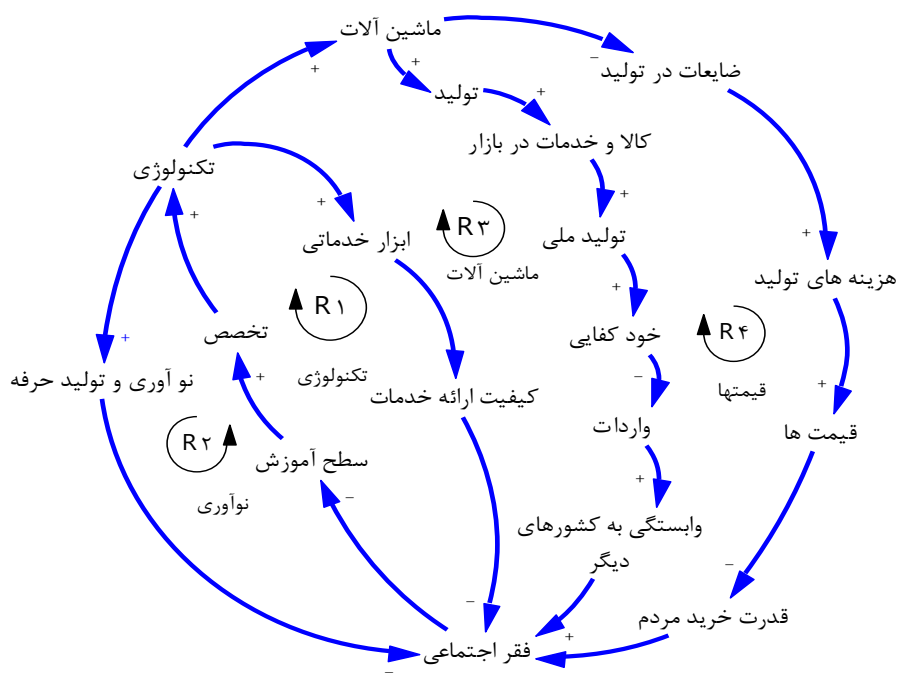
۳. کمبود تکنالوژی

طارق خلیل تکنالوژی را کلیه دانش‌ها، فرایندها، ابزارها، روش‌ها و سیستم‌های به کار گرفته شده در ساخت محصولات و ارائه خدمات تعریف نموده است. دانشمندان علمی تلاش می‌نمایند تا پدیده‌های جهان و روابط میان آن‌ها را شناسایی نمایند و تکنالوژی دانان در پی این هستند تا از این شناخت برای تغییر، اختراع و ساخت ابزار و وسایل جدید استفاده نمایند. تکنالوژی و توسعه آن بر خلاف عوامل دیگر همیشه سیر صعودی دارد و شکل نزولی بودن آن جالب به نظر نمی‌رسد که سطح ارتقا تکنالوژی سبب بهبودی فرایند استفاده از منابع می‌شود. این امر در نتیجه باعث افزایش بهره‌وری فعالیت‌ها و سودآوری می‌گردد. در اثر تغییر تکنالوژی مانند جایگزین کردن ماشین آلات جدید می‌توان در واحد زمان تولیدات را افزایش داد. در یک جامعه فقیر اعضای آن نمی‌تواند به

بررسی نقش متغیرهای کلان اقتصادی بر پدیده فقر / ۷۳

دلیل مشکلات اقتصادی به تحصیل و کسب علم پردازد و سطح آموزش بسیار پایین خواهد بود که این مشکل باعث نبود کادر تخصصی کاری در جامعه می‌شود. در نتیجه نبود کارمندان متخصص سطح استفاده از امکانات دست داشته آن‌ها (سطح تکنالوژی) سنتی بوده که این موضوع باعث کند بودن و کیفیت پایین خدمات مسئولین رسمی جامعه می‌گردد. خدمات پایین و امکانات محدود در جامعه سطح فقر را گسترش می‌دهد (حلقه تکنالوژی، R۱) از طرف دیگر نبود وسایل و امکانات پیشرفته یا تکنالوژی نوین در چنین جوامع باعث می‌شود تا نوآوری صورت نگیرد و محصولات جدید نیز تولید نگردد که در نتیجه وجود کالاهای سنتی جامعه را عقب نگه می‌دارد و فقر همچنان در جامعه دوران می‌کند (حلقه نوآوری، R۲) اگر تکنالوژی را طرز استفاده نوین یا امکانات عصری در نظر بگیریم؛ نبود چنین امکانات باعث کمبود ماشین آلات و دستگاه‌های تولید در یک کشور می‌شود که در چنین حالت با تولید دستگاه‌های عقب‌مانده یا سنتی مقدار تولید نیز کم می‌شود و به همین ترتیب مقدار کالا و خدمات در بازار کاهش می‌یابد. با کاهش یافتن مقدار کالا و خدمات در بازار مقدار تولید ملی نیز کاهش پیدا می‌کند. با کاهش تولید ملی خود کفایی انواع کالاها در داخل کشور به سقوط مواجه می‌گردد که در نتیجه واردات زیاد شده و وابستگی به دیگر کشورها افزایش می‌یابد. با افزایش انواع وابستگی‌ها به دیگر کشورها فقر در جامعه نیز زیاد می‌شود. (حلقه ماشین آلات، R۳) همچنان می‌توان نبود ماشین آلات عصری در جامعه را با افزایش ضایعات و نبود روش‌های جدید علمی در تولید تفسیر نمود. با افزایش ضایعات توسط دستگاه‌های تولیدی سنتی هزینه‌های تولید افزایش می‌یابد و در نتیجه قیمت‌ها در بازار زیاد می‌شود.

افزایش قیمت‌ها در بازار و درآمد ثابت مردم باعث کاهش قدرت خرید مردم می‌شود که از این دریچه نیز فقر افزایش پیدا می‌کند (حلقه قیمت‌ها، R۴)



نمودار ۳: اثرگذاری کمبود تکنولوژی بر فقر

۴. پس‌انداز کم

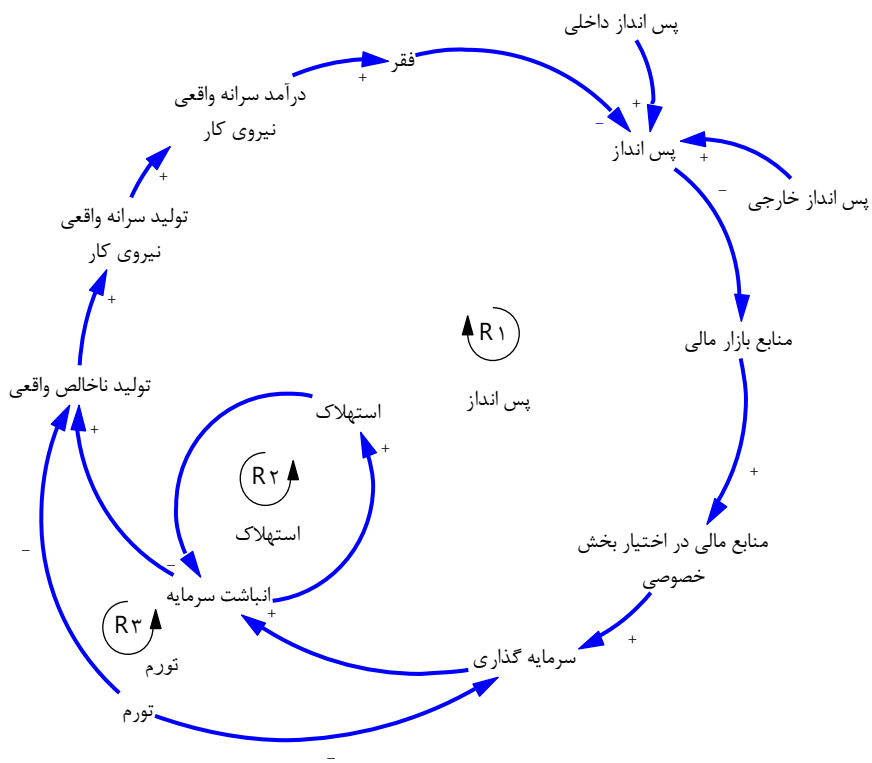
پس‌انداز بخشی از درآمد ناخالص ملی است که صرف مخارج مصرفی نمی‌شود و یا به عباره دیگر به تعویق انداختن مصرف از زمان حال به آینده را پس‌انداز گویند. برای ترقی و پیشرفت اقتصادی یک کشور پس‌انداز یک عنصر اصلی به شمار می‌رود. برخی کشورهای که با سرعت زیاد ترقی نموده‌اند حاصل پس‌اندازهای خیلی بالایی می‌باشند. افزایش پس‌انداز ملی باعث تامین سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در اقتصاد می‌گردد. پس‌انداز ملی به دو دسته پس‌انداز خارجی و داخلی تقسیم می‌شود. پس‌اندازهای خارجی شامل

بررسی نقش متغیرهای کلان اقتصادی بر پدیده فقر / ۷۵

پس اندازهای خصوصی خارجی، پس اندازهای رسمی خارجی و کمک‌های خارجی می‌شود و پس اندازهای داخلی به دو دسته پس اندازهای دولتی و پس اندازهای بخش خصوصی (اشخاص و شرکتهای) تقسیم می‌شود. (هوشمندی، ۱۳۸۷: ۱۸۴)

با توجه به مبانی نظری فوق و وجود فقر در جامعه پس اندازهای داخلی پایین خواهد بود و پس اندازهای خارجی نیز در چنین کشوری فقیر در حدی نیست که باعث افزایش پس انداز کل شود لذا پس انداز کل پایین باعث کاهش منابع مالی بازار سرمایه می‌گردد و منابع مالی بخش خصوصی نیز پایین خواهد بود. در نبود منابع مالی در کشور سرمایه‌گذاری نیز کم می‌شود و باعث کاهش سرمایه کل می‌گردد. اینکه در کشور ماشین آلات و سرمایه کلی کاهش یابد تولید ناخالص داخلی کم می‌شود که این جریان باعث کاهش تولید سرانه نیروی کار می‌گردد و درآمد سرانه نیروی کار نیز کاهش پیدا می‌کند و در نتیجه فقر در جامعه زیاد می‌شود (حلقه پس انداز، R۱).

چنانچه در نمودار مشاهده می‌شود وجود سرمایه به مرور زمان باعث استهلاک می‌گردد که این جریان خود باعث کاهش سرمایه می‌شود. در صورتی که سرمایه‌گذاری جدید صورت نگیرد به مرور زمان از مقدار سرمایه کل کاسته می‌شود که این عمل نیز باعث کاهش تولید ناخالص ملی می‌گردد (حلقه استهلاک، R۲). همچنان تورم نیز یکی دیگر از پدیده‌های کشوری است که روی سرمایه‌گذاری و تولید ناخالص واقعی کشور اثر مخرب دارد. با افزایش تورم انتظارات در آینده به ابهام روبرو می‌شود و سرمایه‌گذاری در آینده کاهش می‌یابد که در نتیجه تولید ناخالص واقعی کاهش می‌یابد (حلقه تورم، R۳).



نمودار ۴: اثرگذاری پس انداز کم بر فقر

۵. سرمایه گذاری کم

سرمایه گذاری به عنوان موتور رشد و توسعه اقتصادی در تمام کشورهای جهان از اهمیت بالایی برخوردار است. برای رشد اقتصادی یک کشور؛ تولیدات بیشتر و سرمایه گذاری افزون تر لازم است. کسی که می خواهد سرمایه خود را در کشور به کار اندازد برای ضمانت از امنیت آن به دو اطمینان نیاز دارد. اول اینکه؛ اطمینان از سودآوری پروژه ای که سرمایه گذار تامین مالی کرده است. دوم اینکه؛ اطمینان از عدم تعرض سیاسی، نظامی، حقوقی، فرهنگی و غیره وجود داشته باشد. کلاسیک ها پس انداز و سرمایه گذاری را تابعی از میزان بهره می دانند و از شرط برابری آن ها در اشتغال کامل

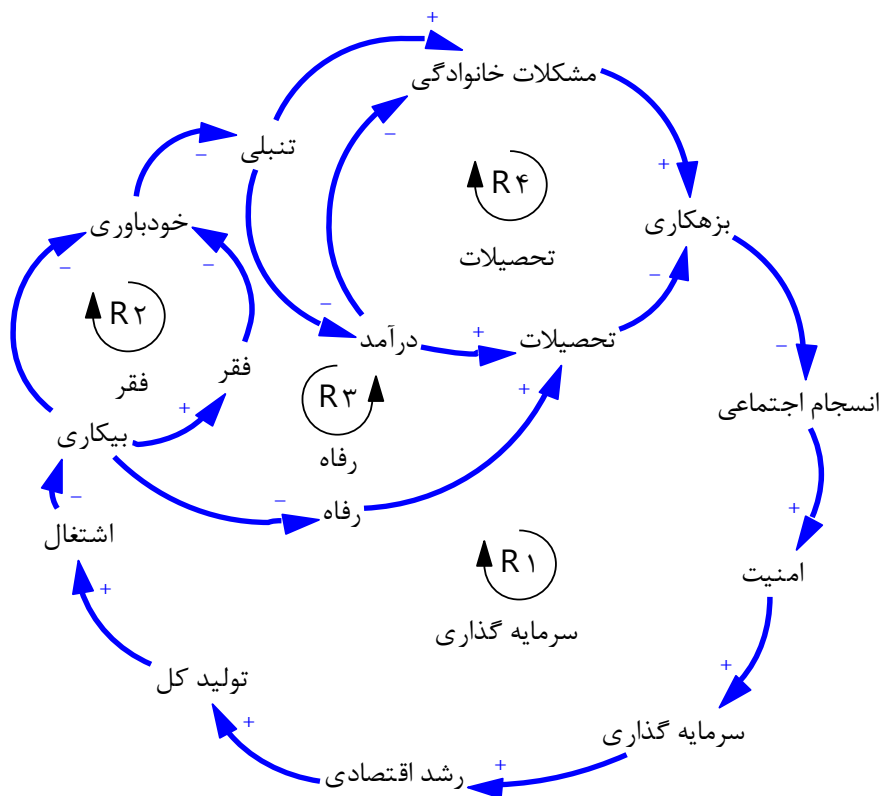
بررسی نقش متغیرهای کلان اقتصادی بر پدیده فقر / ۷۷

یک میزان بهره انعطاف پذیر را به دست می آورند. در کشور به هر اندازه مقدار بهره

افزایش یابد مقدار سرمایه گذاری کاهش می یابد. (آهنگری و سعادت مهر، ۱۳۸۷: ۱۴)

چنانچه در مبانی نظری ذکر شد مهم ترین عامل سرمایه گذاری در کشور امنیت می باشد. در کشورهای با وضعیت اقتصادی ضعیف امنیت نسبی کشور پایین است که این عمل باعث سرمایه گذاری پایین در کشور می شود. با سرمایه گذاری پایین رشد اقتصادی در کشور ضعیف شده و تولید کل در کشور پایین می آید. زمانی که تولید کل کم شود اشتغال در کشور کم می شود و بیکاری افزایش می یابد. با افزایش بیکاری رفاه کل و خودباوری پایین می آید و فقر افزایش پیدا می کند. افزایش فقر در جامعه باعث ضعف روحی شخص فقیر می شود و خودباوری نیز کاهش می یابد. زمانی که خودباوری شخص کاهش یابد تنبلی زیاد می گردد. (حلقه های سرمایه گذاری، فقر و رفاه، R_1 ، R_2 و R_3) تنبلی روی درآمد اثر منفی دارد و مشکلات خانوادگی را افزایش می دهد که درآمد خانواده ها نیز به نوبه خود روی تحصیلات تأثیر منفی داشته و از طرف دیگر زمانی که با افزایش بیکاری رفاه خانواده کاهش یابد؛ تحصیلات نیز کاهش می یابد. با افزایش مشکلات خانوادگی و کاهش تحصیلات در خانواده ها بزهکاری در جامعه زیاد می شود و افزایش بزهکاری باعث کاهش انسجام اجتماعی می گردد و امنیت کلی نیز به نوبه خود تأثیر می پذیرد. با افزایش نا امنی در کشور بار دیگر سرمایه گذاری کم می شود.

(حلقه های درآمد و سرمایه گذاری، R_4 و R_1)



نمودار ۵: اثرگذاری سرمایه گذاری کم بر فقر

۶. درآمد کم خانواده‌ها

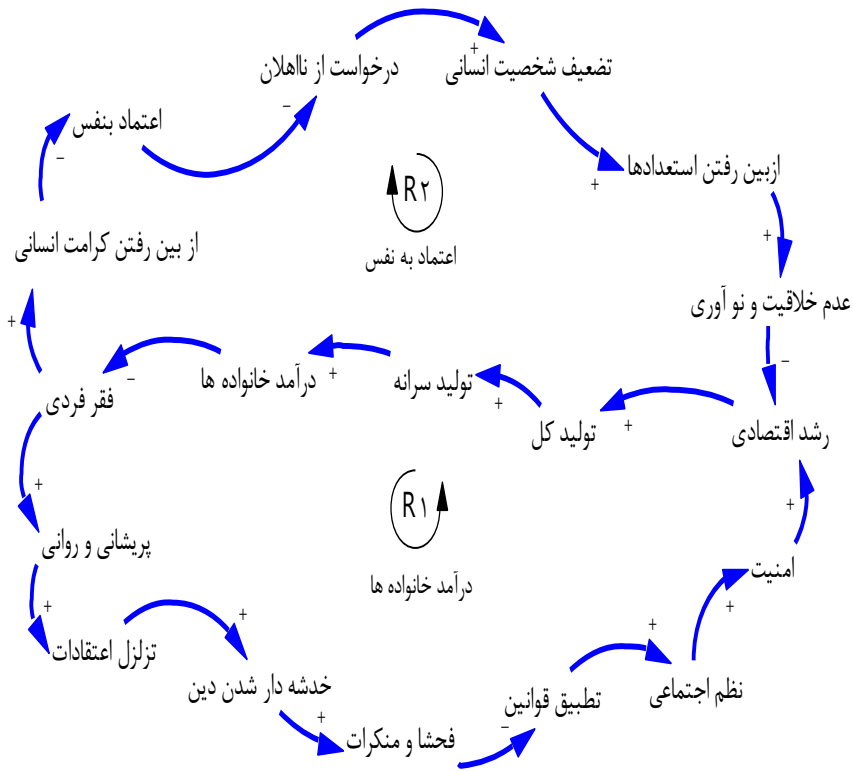
زمانی که از درآمد خانواده‌ها حرف به میان می‌آید حد اقل دستمزد مطرح می‌شود. منظور از حد اقل دستمزد مقدار کف مزدی است که بدون توجه به میزان بهره‌وری کارگر و مشخصات جسمی و روحی او به نحوی تعیین می‌شود که زندگی یک خانوار را که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی در هر سال تعیین می‌شود، تامین کند. در مقابل تحلیل‌های اجتماعی از حد اقل دستمزد به عنوان ابزاری کارآمد در جهت کاهش فقر و نابرابری، تورم، اشتغال و بیکاری مورد ارزیابی قرار می‌دهند. اما پیروان مکتب نئو کلاسیک فرض می‌کنند که حد اقل دستمزد بر خلاف هدف اجتماعی آن سبب افزایش نابرابری‌های درآمدی خانواده‌ها می‌گردد. به اعتقاد این اقتصاددانان زمانی که دولت در

بررسی نقش متغیرهای کلان اقتصادی بر پدیده فقر / ۷۹

بازار آزاد دخالت کند و حد اقل دستمزد کارگران کم مهارت را زیادتر از دستمزد تعادلی بازار تعیین کند، اشتغال گروهی از کارگران کاهش می‌یابد. (مهرگان و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۸)

چنانچه طبق نظریه پیروان مکتب نئوکلاسیک حد اقل دستمزد درآمدهای خانواده‌ها تعیین نگردد؛ بنابراین، کارگران با مهارت پایین کارگری با درآمدهای بسیار پایین موفق به تهیه تمام امکانات رفاهی و نفقه خانواده خود نخواهد شد که در نتیجه فقر فردی در چنین خانواده رونما می‌شود. با فقر فردی پریشانی تمام اعضای خانواده زیاد شده و مشکلات روانی افزایش می‌یابد. با مشکلات روانی تزلزل اعتقادات نسبت به دین و مذهب زیاد شده و در نتیجه دین خدشه دار می‌شود. با سست شدن اعتقادات دینی در یک جامعه اسلامی و افزایش فحشا و منکرات تطبیق قانون در جامعه سخت می‌شود و نظم اجتماعی نیز به نوبه خود خدشه دار می‌گردد. با کاهش نظم اجتماعی امنیت جامعه پایین می‌آید و رشد اقتصادی و همچنان تولید کل در جامعه کم می‌شود. زمانی که تولید کل کاهش یابد تولید و درآمد سرانه نیز کاهش پیدا می‌کند که بار دیگر درآمد خانواده‌ها کم می‌شود. (حلقه فقر فردی، R۱)

با افزایش فقر فردی کرامت انسانی شخص نیز از بین می‌رود که باعث کاهش اعتماد به نفس شخص می‌گردد. با از بین رفتن اعتماد به نفس؛ شخص مجبور می‌شود به خاطر همکاری دیگران از نا اهلان درخواست مساعدت نماید که این عمل باعث تضعیف شخصیت انسانی فرد می‌گردد. با از بین رفتن شخصیت انسانی و روحی استعدادهای درونی شخص نیز از بین می‌رود و باعث عدم خلاقیت و نوآوری می‌گردد. نبود ذهن خلاق در وجود شخص باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود و با کاهش تولید کل و تولید سرانه بار دیگر درآمد خانواده‌ها کاهش می‌یابد و این دایره همچنان ادامه پیدا می‌کند (حلقه کاهش اعتماد به نفس، R۲).



نمودار ۶: اثرگذاری درآمد کم خانواده‌ها بر فقر

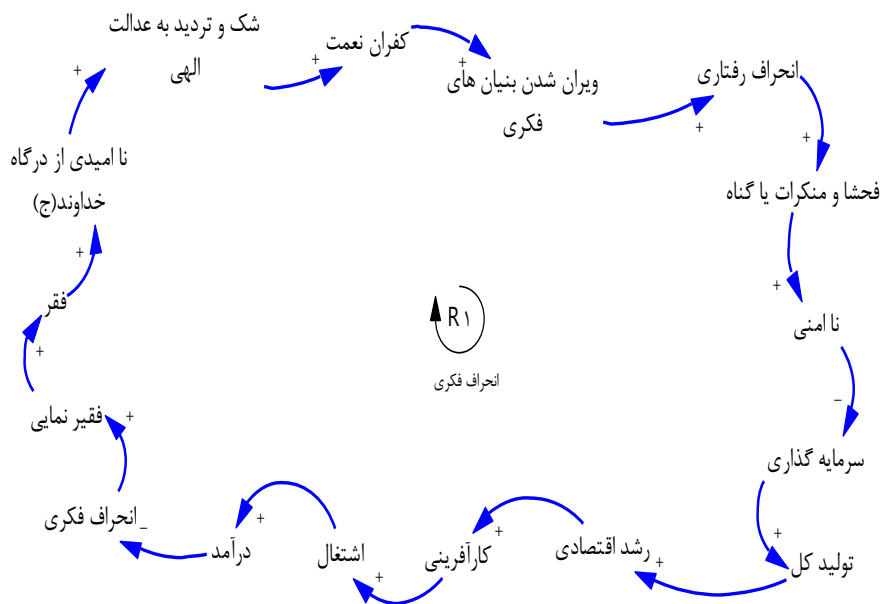
۷. انحراف فکری

بی‌سوادی و ناآگاهی فرد فقیر با وضعیت اقتصادی آن در ارتباط می‌باشد. استفاده نادرست از سرمایه، نقصان‌های مدیریتی، سیاست‌گذاری‌های غیر اصولی و انحراف از مسیر رشد اقتصادی همه ناشی از سطح پایین علمی و طرز تفکر شخص می‌باشد. نحوه تفکر فرد با وضعیت اقتصادی آن اثر مستقیم دارد و روی همین بحث است که پیغمبر گرامی اسلام فرموده است: "تفکر ساعت خیر من عبادت سبعین سنه" یعنی یک ساعت

بررسی نقش متغیرهای کلان اقتصادی بر پدیده فقر / ۸۱

تفکر بهتر از عبادت هفتاد سال می‌باشد. چنانچه طبق فرمایش پیامبر گرامی اسلام یک ساعت تفکر خود عبادت است که انسان را به خدا نزدیک می‌کند بر عکس آن تفکر زشت و ناپسند انسان را به بی‌راهه می‌کشاند و به گناه و معصیت آغوشته می‌سازد که خود یکی از عوامل فقر می‌باشد. در یک نظام الهی به جز از عوامل مادی به عوامل معنوی نیز توجه می‌شود که با ریشه یابی آن اقتصاد رونق می‌یابد. (حسینی نیا، ۱۳۹۰: ۳۰)

در نمودار ذیل در آمد کم خانواده‌ها باعث انحراف فکری می‌شود؛ چنانچه در آیه قرآن کریم نیز آمده است که شخص فقیر می‌گوید خدایم مرا فقیر نموده است. چنین دیدگاه و انحرافات باعث فقیرنمایی شخص می‌شود و در نتیجه فقر در خانه گسترش می‌یابد. با افزایش فقر ناامیدی از درگاه خداوند زیاد می‌شود و به عدالت خداوند شک و تردید ایجاد می‌شود. با چنین ذهنیت شخص فقیر به کفران نعمت‌ها روی می‌آورد. روی همین اساس است که پیغمبر گرامی اسلام فرموده است که فقر همسایه دیوار به دیوار کفر است. با چنین افکار و کفران نعمت بنیانهای فکری شخص به طور کلی ویران می‌شود و انحراف رفتاری شکل می‌گیرد. با افزایش انحراف رفتاری فحشا و منکرات افزایش می‌یابد که خود باعث افزایش فقر است. فحشا و منکرات در جامعه ناامنی را گسترش داده و باعث کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود. با کاهش سرمایه‌گذاری تولید کل و رشد اقتصادی نیز کاهش می‌یابد. با کاهش رشد اقتصادی کار آفرینی و ایجاد اشتغال کم می‌شود که در نتیجه از درآمد اشخاص کاسته شده و این دایره همچنان تکرار می‌شود و ادامه دارد (حلقه انحراف فکری، R۱).



نمودار ۷: اثر گذاری انحرافات فکری بر فقر

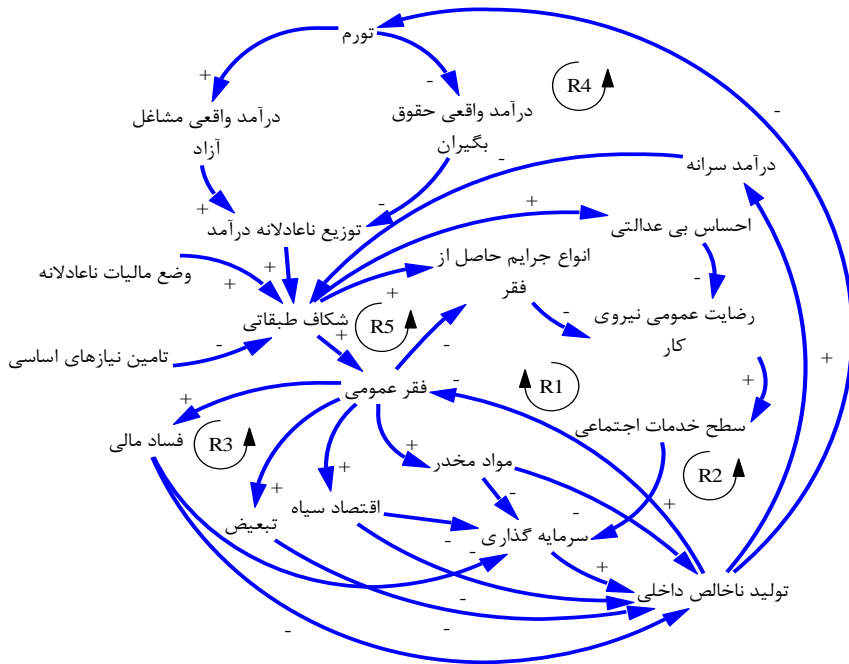
۸. جرایم و جنایات

به اساس دیدگاه عقلانی انتظار بر این است که با افزایش فقر؛ برخی از جرایم و خصوصاً جرایم علیه اموال نیز افزایش یابد. چنانچه مهلوم و همکاران (۲۰۰۵) در تحقیق خویش نشان دادند که فقر باعث دزدی شده است که به همین ترتیب دزدی کردن امنیت منطقه را برهم می زند و مانع سرمایه گذاری و رشد اقتصادی می گردد و رشد اقتصادی کمتر به نوبه خود فقر را افزایش می دهد. (صمدی و آماره، ۱۳۸۹: ۷۹) تشویش، اضطراب، ناآرامی و در نتیجه شورش های بزرگ کشوری جایگزین آن می شود و تمام این اتفاقات دست به دست هم داده و فقر را در جامعه نهادینه می کند. سرقت، قتل، انواع

بررسی نقش متغیرهای کلان اقتصادی بر پدیده فقر / ۸۳

فساد، تبعیض، مواد مخدر و قاچاق آن و نابرابری‌های اقتصادی باعث خیزش‌های مردمی می‌شود که به تعالیم مارکس برمی‌گردد. (سیف و ملکی شهریور، ۱۳۹۴: ۷۹)

در یک جامعه زمانی که توزیع اقتصادی ناعادلانه و وضع مالیات ناعادلانه باشد میان مردم شکاف طبقاتی ایجاد می‌شود که فاصله طبقاتی باعث انواع جرایم از قبیل دزدی و قتل حاصل از فقر می‌گردد. از طرف دیگر فقرا فقیرتر می‌شود که باعث افزایش کشت و قاچاق مواد مخدر، تشکیل بازار سیاه، تبعیض بیشتر، فساد مالی و دیگر مشکلات اقتصادی می‌گردد (حلقه شکاف فقر، R۵). زمانی که شکاف طبقاتی در جامعه زیاد شد احساس بی‌عدالتی نیز در میان طبقه کارگر زیاد می‌شود که در نتیجه رضایت عمومی نیروی کار کاهش می‌یابد و باعث کاهش خدمات اجتماعی می‌گردد. زمانی که سطح خدمات اجتماعی کاهش یابد سطح سرمایه‌گذاری در جامعه کاهش می‌یابد (حلقه بی‌عدالتی، R۱). فساد مالی، تبعیض در جامعه، اقتصاد سیاه، تولید و قاچاق مواد مخدر، سرمایه‌گذاری و غیره باعث کاهش تولید ناخالص داخلی می‌گردد و تولید ناخالص داخلی به نوبه خود درآمد سرانه را کاهش می‌دهد و هم‌چنان تورم را در کشور تحت تأثیر قرار می‌دهد (حلقه‌های فساد مالی، تورم و درآمد سرانه، R۲، R۳ و R۴). با تورم بالا در جامعه درآمد کسانی که مشاغل آزاد دارد افزایش می‌یابد؛ ولی درآمد کسانی که حقوق ثابت دارد یا کارمند رسمی است افزایش نمی‌یابد و این عمل نشان‌دهنده توزیع ناعادلانه درآمد در کشور می‌شود و هم‌چنان اینکه نیازهای اساسی در جامعه اثر غیر مستقیم روی شکاف طبقاتی دارد؛ یعنی زمانی که نیازهای اساسی مردم در جامعه برآورده شد شکاف طبقاتی در جامعه کاهش می‌یابد و برعکس.



نمودار ۸: اثر گذاری افزایش جرایم و جنایات بر فقر

نتیجه گیری

فقر یکی از فجیع ترین پدیده‌ی موجود در سطح کشورها و خصوصا کشورهای اسلامی می‌باشد که انسان‌ها با آن دست و پنجه نرم می‌نمایند. دلیل وجود فقر در کشورهای جهان سوم ممکن است استفاده نادرست از مکانیزم تولید و توزیع درآمد و ثروت در درون ساختار اجتماعی و اقتصادی آن جامعه باشد. فقر یک هیولای چند بعدی است که در این تحقیق به هشت متغیر اثرگذار بر آن پرداخته شده است. اولین متغیر اثرگذار بر فقر فقدان سرمایه در نظر گرفته شده است. با نبود سرمایه در کشور تولیدات داخلی کاهش می‌یابد و در یک کشور فقیر سطح تحصیلات نیز پایین است و در نتیجه رشد اقتصادی کشور پایین بوده و وابستگی به دیگر کشورها زیاد می‌شود که فقر در جامعه بیشتر می‌گردد. دومین متغیر اثرگذار بر فقر رشد جمعیت می‌باشد که با افزایش نفوس در کشور مقدار مواد غذایی در جامعه کم شده و فقر زیاد می‌گردد. زمانی که تعداد

بررسی نقش متغیرهای کلان اقتصادی بر پدیده فقر / ۸۵

جمعیت زیاد و به ترتیب نیروی کار زیاد شد به دلیل محدود بودن عوامل طبیعی و نبود امکانات کافی تولید سرانه و درآمد سرانه کاهش یافته و فقر در جامعه گسترش پیدا می‌کند. تنها زمانی جمعیت کلی کشور کم می‌شود که از زاد و ولد کاسته شود و یا مرگ و میر در جامعه بیشتر از زاد و ولد گردد که در نتیجه نیروی کار در آینده کم شده و درآمد سرانه در آینده زیاد شود. نبود تکنالوژی در یک کشور سومین متغیر اثرگذار بر فقر در نظر گرفته شده است. در نبود تکنالوژی ابزارهای خدماتی در جامعه و کیفیت ارائه خدمات پایین بوده و فقر کلی را بوجود می‌آورد که در نتیجه باعث عدم تخصص نیروی کاری می‌گردد. از طرف دیگر با نبود تکنالوژی تولیدات موادغذایی و تولیدات کل به طور سنتی بوده و کافی نمی‌باشد که عدم کفایتی در جامعه باعث افزایش واردات می‌شود و وابستگی به دیگر کشورها فقر اجتماعی را به وجود می‌آورد و هم‌چنان نبود تکنالوژی باعث افزایش ضایعات در بخش تولید و هزینه‌ها می‌شود که در نتیجه قیمت‌ها افزایش می‌یابد و با کاهش قدرت خرید مردم فقر اجتماعی زیاد می‌شود. متغیر چهارم که روی فقر اثرگذار است پس‌انداز می‌باشد. در نبود پس‌انداز منابع بازار مالی کاهش می‌یابد و سرمایه‌گذاری کم می‌شود با کاهش سرمایه و سرمایه‌گذاری توسط استهلاک تولید ناخالص داخلی کم می‌شود و به همین ترتیب تولید سرانه و درآمد سرانه کاهش می‌یابد که فقر در جامعه افزایش پیدا می‌کند. پنجمین متغیر اثرگذار بر فقر سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شده است. با کاهش سرمایه‌گذاری در کشور رشد اقتصادی پایین می‌آید و تولید کل نیز به نوبه خود کم می‌شود. با کاهش تولید کل اشتغال کاهش یافته و بیکاری زیاد می‌شود. با کاهش بیکاری فقر زیاد شده و خود باوری شخص کاهش می‌یابد که باعث تنبلی شخص می‌گردد و مشکلات خانوادگی زیاد می‌شود. تنبلی زیاد باعث درآمد کم و تحصیلات می‌گردد. با چنین اتفاق بزهکاری در جامعه زیاد شده و انسجام اجتماعی کاهش پیدا می‌کند و همه این مشکلات باعث کاهش امنیت و سرمایه‌گذاری می‌گردد. درآمد خانواده‌ها ششمین متغیر اثرگذار بر فقر می‌باشد که

کاهش آن فقر را زیاد می‌کند. با افزایش فقر پریشانی، تزلزل اعتقادات، خدشه دار شدن دین، فحشا و منکرات زیاد شده و تطبیق قوانین، نظم اجتماعی امنیت جامعه، رشد اقتصادی، تولید کل، تولید سرانه و درآمد خانواده‌ها کاهش می‌یابد. همچنان فقر باعث کاهش اعتماد بنفس و افزایش درخواست از ناهلان، تضعیف شخصیت انسانی، خاموشی استعدادها و عدم خلاقیت فرد و کاهش رشد اقتصادی می‌گردد. هفتمین متغیر اثرگذار روی فقر انحراف فکری در نظر گرفته شده است. زمانی که انحراف فکری فرد زیاد شد شخص از وضعیت اقتصادی خود رضایت نداشته و فقیر نمایی می‌کند که در نتیجه به فقر گرفتار می‌شود. فقر بیشتر باعث ناامیدی از درگاه خداوند شده و شک و تردید به عدالت الهی افزایش می‌یابد و با کفران نعمت، ویران شدن بنیان‌های فکری انحراف رفتاری شکل می‌گیرد و باعث فحشا و منکرات می‌گردد. با افزایش فحشا ناامنی زیاد شده و سرمایه‌گذاری، تولید کل، رشد اقتصادی، کارآفرینی، اشتغال و درآمد کاهش می‌یابد و در نتیجه بازهم انحراف فکری زیاد می‌شود. هشتمین کانال اثرگذار روی فقر جرایم و جنایات می‌باشد که به دلیل شکاف طبقاتی و فقر به وجود می‌آید. با افزایش انواع جرایم، کشت و قاچاق مواد مخدر، اقتصاد سیاه، تبعیض و فساد مالی سرمایه‌گذاری‌ها و تولید ملی کاهش پیدا می‌کند که در نتیجه باعث کاهش درآمد سرانه می‌گردد و شکاف طبقاتی بیشتر می‌شود. با افزایش تورم درآمد واقعی کسانی که مزد ثابت دارد کاهش می‌یابد و درآمد واقعی کسانی که شغل آزاد دارد زیاد می‌شود و این عمل باعث افزایش شکاف طبقاتی می‌گردد که احساس بی‌عدالتی‌ها نیز گسترش پیدا می‌کند و از رضایت عمومی نیروی کار و سطح خدمات اجتماعی کاسته می‌شود. این اتفاقات همه روی سرمایه‌گذاری و تولید ناخالص ملی اثر منفی داشته و فقر را در جامعه گسترش می‌دهد. برای پاسخ به سوال مطرح شده در این تحقیق گفته می‌شود که کمبود سرمایه، رشد بی‌رویه جمعیت، کمبود تکنولوژی، پس‌انداز کم، سرمایه‌گذاری کم، درآمد کم خانواده‌ها، افزایش انحرافات فکری و افزایش جرایم و جنایات باعث افزایش فقر می‌شود. همچنان

بررسی نقش متغیرهای کلان اقتصادی بر پدیده فقر / ۸۷

فرضیه اولیه این تحقیق مبنی بر عدم استفاده درست از متغیرهای کلان اقتصادی مورد تایید قرار می‌گیرد.

در کشورهای اسلامی لازم است تا برای بهبود وضعیت اقتصادی و شکوفایی خویش پیشنهادات ذیل را عملی نمایند.

پیشنهادات

➤ به دولت مردان توصیه می‌شود تا تلاش کنند توجه بیشتری سرمایه‌گذاران را به سرمایه‌گذاری در کشور جلب کرده و از واردات کالاهای خارجی جلوگیری کند؛ زیرا افزایش سرمایه‌گذاری و کاهش واردات باعث کاهش وابستگی به دیگر کشورها می‌شود و فقر در کشور کاهش می‌یابد.

➤ تلاش شود تا از افزایش بیش از حد جمعیت در کشور جلوگیری شود.

➤ به وزارت‌های معارف، تحصیلات عالی و دیگر موسسات مربوطه توصیه می‌شود تا تلاش بیشتری به تخصصی نمودن دانشجویان نماید تا به این ترتیب باعث افزایش نیروی کار متخصص و تکنالوژی نوین و در نتیجه باعث تولیدات ملی در جامعه گردد.

➤ به مسئولین اقتصادی کشور توصیه می‌شود تا ماشین آلات و فناوری‌های روز را به کشور وارد نموده و با ارائه خدمات و تولیدات بیشتر تولید و رشد اقتصادی را در کشور افزایش دهد.

➤ به خانواده‌ها توصیه می‌شود تا از اسراف، تبذیر و مصارف بیجا و خرید کالاهای تجملی تا حد ممکن جلوگیری نموده و مقدار پول اضافه شده از مصارف را پس‌انداز نماید تا با استفاده از سرمایه‌گذاری به تولید ملی افزون گردد.

➤ به دولت مردان توصیه می‌شود تا توزیع درآمد عادلانه را در کشور مراعات کند و از انحرافات فکری مردم جلوگیری نماید، تا جلوی انواع جرایم و جنایات نیز گرفته شود.

سرچشمه‌ها

الف: کتب

- قرآن کریم.
- گل قاسمی، شهناز (۱۳۹۶)، بررسی رابطه متقابل بین توسعه مالی، رشد اقتصادی و شاخص فقر با استفاده از مدل خودرگرسیون برداری در ایران، دانشگاه تبریز، دانشکده اقتصاد، مدیریت و بازرگانی.
- آذری بنی، بتول (۱۳۹۲)، اندازه‌گیری غیر خطی تحرک درآمدی و تله فقر: کاربردی از رویکرد شبه ترکیبی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی، دانشگاه الزهرا(س).
- آقا بابایی پور، میترا (۱۳۸۵)، اثر رشد اقتصادی بر فقر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، رشته توسعه و برنامه ریزی اقتصادی.
- امانی پور، مونا؛ نیلساز، نصرت؛ ایروانی، جواد، (۱۳۹۶)، بررسی حد فقر و عوامل موثر بر آن از دیدگاه امام علی، پژوهش‌های نهج البلاغه، شماره ۵۲.
- حسینی نیا، لیلیا (۱۳۹۰)، عوامل پیدایش فقر، پیامدها و راه‌های مقابله با آن در نهج البلاغه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم و حدیث، رشته علوم حدیث گرایش نهج البلاغه.
- رضی، سید شریف (۱۳۹۲)، نهج البلاغه، ترجمه حسین استاد ولی، تهران، انتشارات اسوه.
- عباسیان، عزت اله؛ نسرین دوست، میثم (۱۳۹۷)، اقتصاد رفاه، تهران؛ نورعلم.
- قائدی، سمانه (۱۳۹۰)، آثار اقتصادی و اجتماعی فقر در ایران ۱۳۶۳-۱۳۸۸، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی، دانشگاه الزهرا(س).

بررسی نقش متغیرهای کلان اقتصادی بر پدیده فقر / ۸۹

- الله خواه، مهدی (۱۳۸۷)، فقر از دیدگاه قرآن کریم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق(ع)، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد.
- محمد زاده موسی کندی (۱۳۹۲)، ماهیت و اهمیت نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی در بخش سلامت ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده مدیریت و اقتصاد.

ب: مقالات

- آهنگری، عبدالمجید؛ سعادت مهر، مسعود، رابطه‌ی ریسک و سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران، «پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی علوم اقتصادی»، سال هشتم، شماره ۳، سال ۱۳۸۷.
- رشیدی، علیرضا؛ شجاعی، رقیه؛ باستانی، علی اصغر؛ رشیدی، محمد، علل فردی بروز فقر از منظر قرآن و حدیث، «فصلنامه مهندسی فرهنگی»، سال هشتم، شماره ۸۰، سال ۱۳۹۳.
- ارشادی، علی؛ کریمی، عبدالعلی، بررسی وضعیت فقر مطلق در ایران در سال‌های برنامه اول تا چهارم توسعه، «فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان»، سال یکی، شماره یکم، سال ۱۳۹۲.
- حق شناس، سید علی؛ ازغندی، سید علیرضا؛ توسلی رکن آبادی، مجید، نقش فقر در تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، «فصلنامه علمی رهیافت انقلاب اسلامی»، سال سیزدهم، شماره ۴۷، سال ۱۳۹۸.
- رستمی حصوری، هاجر، اثر مهاجرت نیروی انسانی متخصص (فرار مغزها) بر فقر در کشورهای در حال توسعه، «فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی»، سال دوم، شماره ۵، سال ۱۳۹۳.

۹۰/ مجله علمی-تحقیقی دعوت/سال دوم، شماره پنجم، زمستان ۱۴۰۰هـ

- سیف، اله مراد؛ ملکی شهریور، مجتبی، مفهوم شناسی و ارزیابی فقر اقتصادی به عنوان زمینه ساز تهدید امنیت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، «فصلنامه آفاق امنیت»، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، سال ۱۳۹۴.
- صمدی، علی حسین؛ آماره، جواد، جرایم اقتصادی، نابرابری توزیع درآمد و توسعه اقتصادی، «فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای اقتصادی»، سال ۷، شماره ۱۴، سال ۱۳۸۹.
- مجاوریان، مجتبی؛ رئیسی، نوشین، آیا حمایتگرایی دولت شاخص‌های فقر را در روستا کاهش داده است؟ مطالعه موردی استان مازندران، «فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی»، جلد ۱، شماره ۴، سال ۱۳۹۳.
- محمدپور، غلام رضا؛ بخشی دستجردی، رسول؛ جعفری، سمیه، بررسی اثر ساختار سنی جمعیت بر رشد اقتصادی ایران، «مجله تحقیقات اقتصادی»، دوره ۴۸، شماره ۲، سال ۱۳۹۲.
- مهرگان، نادر؛ اصغرپور، حسین؛ صمدی، رویا؛ عبدالهان، محسن پور، رابطه حداقل دستمزد با توزیع درآمد در ایران، «فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی»، سال نهم، شماره ۳۳، صفحات ۶۴-۴۵، ۱۳۸۸.
- مشایخی، علینقی، پویایی شناسی سیستم‌ها، تهران؛ انتشارات آریانا قلم، سال ۱۳۹۸.
- ملکی، بهنام، توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، ناشر؛ سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ ششم، سال ۱۳۹۵.
- نظری، سهرات؛ موسوی، حبیب، توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، ناشر؛ نور علم، چاپ دوم، سال ۱۳۸۹.

بررسی نقش متغیرهای کلان اقتصادی بر پدیده فقر / ۹۱

- ناصری، محمد جواد، فقر: پیامدها، زمینه‌ها و راهکارهای مقابله با آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی، رشته فقه و معارف اسلامی، سال ۱۳۸۴.

- هوشمندی، حمید، بررسی عوامل مؤثر بر پس‌انداز ملی در ایران، «فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی» سال دوم، شماره ۲، سال ۱۳۸۷.

ج: منابع انگلیسی

○ Barrett, Christopher; Garg, Teevrat; McBride, Linden (۲۰۱۶). Well-being dynamics and poverty traps, annual review of resource economics, volume ۸. Pp۱-۳۲.

○ Forrester, Jay W. (۱۹۹۵) counterintuitive behavior of social systems, Pegasus Communications, Waltham MA. pp۱-۲۹.

○ Gaspart, F. Thomas, A. (۲۰۱۲); Does poverty trap rural Malagasy? Université catholique de Louvain. pp۱-۴۲.

○ Naheed Khan, Farzana; Majeed, Muhammad Tariq (۲۰۱۹). Poverty traps and economic growth: evidence from Pakistan, business & economic review: vol. ۱۰, no. ۴ ۲۰۱۸ pp. ۱۲۱-۱۴۲.

○ Pastor Anshah, John (۲۰۱۴). Modeling the Dynamics of Poverty Trap and Debt Accumulation. System Dynamics Group, School of Social Sciences University of Bergen, Norway. Pp۱- ۲۸.

-Sekhri, Sheetal (۲۰۱۴). Wells, water, and welfare: the impact of access to groundwater on rural poverty and conflict, American Economic Journal: Applied Economics ۲۰۱۴, vol(۶), no(۳), pp۷۶-۱۰۲.

مطالعه تئوریک آموزش و تربیت به مثابه نهاد برتر اجتماعی با رهیافت جامعه‌شناختی

محمد حنیف*

* پژوهشگر مسایل اجتماعی و همکار قلمی مجله علمی-تحقیقی پوهنتون دعوت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۵

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۲/۱۰

چکیده:

این پژوهش به دنبال مطالعه تئوریک آموزش و تربیت به مثابه نهاد برتر اجتماعی با رهیافت جامعه‌شناختی است. جامعه‌شناسی آموزش و تربیت رشته تخصصی نسبتاً تازه و بکری است که عمده‌ترین پژوهش مربوط به آن در نیم قرن گذشته صورت پذیرفته‌اند؛ اما سرچشمه‌های آن را می‌توان در آثار جامعه‌شناسان قرن نوزدهم یافت. همچنین، با توجه به ساختار اجتماعی آموزش و تربیت و ارتباط دوسویه آن با جامعه، می‌توان به نقش کلیدی که جامعه‌شناسی آموزش و تربیت در این نهاد دارد، پی برد. حال این سوال قابل طرح است که جامعه‌شناسی با چه نگاهی تئوریک نسبت به آموزش و تربیت و رابطه آن با جامعه نظر می‌افکند؟ فرضیه احتمالی و موقتی آن است که به صورت کلی و کلان «جامعه‌شناسی آموزش و تربیت» به مطالعه روابط میان آموزش و

تربیت و جامعه، از طریق کاربرد منظم دانش، مفاهیم، نظریه‌ها، روش‌ها و فنون جامعه‌شناسی اقدام می‌کند. این مطالعه با روش بنیادی صورت گرفته و دارای نتایج کاربردی و توسعه‌یابی است.

واژگان کلیدی: آموزش، تربیت، مطالعه تئوریک، رویکرد جامعه‌شناختی، تحلیل نهادی، رابطه ارگانیک تعلیم و تربیت و جامعه.

مقدمه و بیان مسئله

جامعه و نهادهای اجتماعی همچون موجود زنده دارای قاعده مرگ و زندگی، بقا و استمرار است. مطابق با قواعد اجتماعی، استمرار و بقای هر جامعه‌ای مستلزم آن است که نهادهای آن نقش‌های کارکردی خود را به‌درستی انجام دهند. همان‌گونه که سیستم بدن انسان هریک فونکسیون و کارکردهای به خصوص خود را دارند، سیستم اجتماعی براساس همین قاعده و سنت عمل می‌کند. چشم می‌بیند، گوش می‌شنود، قلب خون را به ارگانیزم می‌رساند، عقل فرمان صادر می‌کند، مصالح و مفاسد را از یکدیگر تفکیک می‌کند. اسپنسر جامعه را به یک موجود زنده تشبیه می‌کند، یک موجود زنده میان اعضای آن هماهنگی وجود دارد، هرکدام از اعضای بدن انسان کار بخصوصی دارد. برخی فعالیت‌ها مربوط به خارج و برخی از فعالیت‌ها مربوط به داخل و برخی از فعالیت‌ها ناخودآگاه انجام می‌گیرد. قلب می‌تپد خون بر جریان می‌فتد، یک بخش دیگر برای تنظیمات وجود دارد که همان عقل است. جامعه نیز چنین است در جامعه نیز این نقش‌ها وجود دارد کارکرد عقل و قلب را در اجتماع آموزش و تربیت برعهده دارد. (نقیب زاده، ۱۳۸۳: ۱۵) نهادهای آموزشی و تربیتی به فعالیت‌ها سر و سامان می‌بخشد. سیاست‌های آموزشی و تربیتی به فعالیت‌ها و کارویژه‌های اطلاق می‌شود که به اجتماع سروسامان داده و در مقابل غیراز آن دفاع می‌کند. در بدن انسان چندین نیرو وجود دارد اگر نیروی کافی مثل صفرا در بدن نباشد بدن به مرض برقان مبتلا می‌شود. اگر صفرا از

حد معین تجاوز کند فرد عصبی می‌گردد. اگر نیروی جنسی بر بدن انسان نباشد زندگی فلج می‌شود، اگر نیروی جنسی به افراط کشیده شود زندگی حیوانی می‌شود. (همان، ۱۳۸۳: ۱۵) عقل این نیروها را تعدیل می‌کند، کارکرد عقل را سیاست‌های آموزشی و تربیتی در جامعه و اجتماع برعهده دارد. به نظر اسپنسر جامعه یک اندام وار است. جوامع و ارگانیزم‌های زنده از قوانین مشابه توسعه پیروی می‌کنند. این مشخصه اندام‌وارهای اجتماعی است که همانند اندام‌واره‌های زنده زمانی که از لحاظ فیزیکی رشد می‌کنند از لحاظ ساختار نیز بزرگ‌تر می‌شوند. همانند حیوانات پست، جنین انسان نیز دارای چند قسمت مشخص است؛ ولی وقتی که جنین بزرگ‌تر می‌شود اندام‌هایش زیادتر شده و هر کدام به تفکیک کاری انجام می‌دهند. در مورد جامعه نیز چنین است. در ابتدا عدم همانندی در میان گروه‌های آن از نظر تعداد و درجه نامحسوس است؛ ولی وقتی که جمعیت افزایش می‌یابد ناهمانندی و تفکیک نیز بیشتر می‌شود. (از کیا، ۱۳۸۷: ۱۴۳) اسپنسر توصیفات جامعی از ساخت، کارکرد و استحاله تکاملی شش نهاد اساسی تهیه کرد. این شش نهاد مهم عبارت‌اند از: نهادهای خانوادگی، تشریفاتی، سیاسی، کلیسایی، حرفه‌یی و سیاسی. (ترنر، ۱۳۸۴: ۶۵)

به نظر اسپنسر رشد اجتماعی هم مجموعه‌های ارگانیک و هم مجموعه‌های اجتماعی برحسب افزایش‌های روزافزون در حجمشان مشخص می‌شوند. «جوامع نیز مانند اندام‌های زنده، از نطفه آغاز می‌کنند و از توده‌هایی پدید می‌آیند که در مقایسه با حجم توده‌هایی که برخی از آن‌ها در آینده به آن خواهند رسید، بسیار کوچک‌اند». رشد اجتماعی می‌تواند از طریق دو فراگیر حاصل آید که «گاه جدا از هم و گاه باهم می‌پویند». این رشد یا بر اثر افزایش در جمعیت و یا با "تکثیر ساده واحدها" حاصل می‌آید و یا با به هم پیوستن واحدهایی که پیش از این ارتباطی با یکدیگر نداشته‌اند؛ یعنی با "اتحاد گروه‌ها و باز با اتحاد

گروه‌هایی از گروه‌ها". فراگیرد رشد از نظر اسپنسر در اصل یک فراگیرد ادغام است و ادغام نیز به نوبه خود باید با تمایز هرچه بیشتر ساختارها و کارکردها همراه باشد، و آلا ارگانیزم یا واحد اجتماعی نمی‌تواند در عرصه تنازع بقاء زنده بماند. (کو زر، ۱۳۷۹: ۱۳۷-۱۳۸). کنت نیز به عوامل و عناصر بنیادی تشکیل‌دهنده ساختار جامعه اشاره می‌کند. این عوامل عبارتند از: مذهب، مالکیت و زبان خانواده، تقسیم کار. کنت اظهار می‌دارد که در مذهب جنبه سه گانه طبیعت بشری را می‌توان یافت به عبارت دیگر مذهب دارای: جنبه عقلی یا همان اعتقاد جزمی است. همچنین دارای جنبه عاطفی یا همان عشق است که در پرستش نمودار می‌شود و نیز دارای جنبه عملی است که همان نظام است. به نظر کنت مذهب عامل وحدت دهنده اجزای سازنده طبیعت اجتماع است و برای روان بشر درست در حکم اجماع عادی است که در اثر سلامت برای تن حاصل می‌شود. (جمشیدی‌ها، ۱۳۸۷: ۵۴)

ناگفته پیداست که حیات و بقای جامعه تنها مرهون این کارکردها نیست؛ بلکه علاوه بر این، حیات جامعه در اثر انتقال مجموع باورها، ارزش‌ها، رفتارها، گرایش‌ها، دانش‌ها و مهارت‌های آن به نسل‌های جدید است. «سازوکار» یا وسیله این انتقال آن آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش به معنی اعم، مترادف با «جامعه‌پذیری» است؛ یعنی فرایندی که افراد از طریق آن به یادگیری نقش‌ها، قواعد، روابط و به‌طور کلی فرهنگ جامعه خود می‌پردازند. به معنی اخص، فرایندی است که افراد به واسطه آن در وضعیت‌های اجتماعی سازمان‌یافته، در معرض آموزش منظم دانش‌ها، مهارت‌ها، رفتارها و گرایش‌های معین قرار می‌گیرند. در هر جامعه، این وضعیت‌ها در قالب نظام آموزش و پرورش و سازمان‌های رسمی آن شکل می‌گیرد.

در بررسی جامعه‌شناختی، آموزش و پرورش را می‌توان هم به‌عنوان یک فرایند تعریف کرد و هم به‌عنوان یک نهاد اجتماعی. به‌عنوان فرایند، هر زمان که شاهد تغییری در

رفتار جسمانی یا ذهن فرد باشیم، آموزش و پرورش حاصل شده است. در این معنا، مثلاً تلویزیون دارای تأثیر آموزشی است. از سوی دیگر، آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد اجتماعی، ترکیبی از مدرسه و افرادی است که به طرق متفاوت در چارچوب مدرسه با یکدیگر در کنش و واکنش‌اند. بدین ترتیب، بخشی از فرایند آموزش و پرورش در چارچوب نهاد اجتماعی مدرسه صورت می‌گیرد، ولی بخش دیگر خارج از مدرسه و در چارچوب جامعه کل تحقق می‌یابد. (شارع‌پور، ۱۳۸۶: ۹۰)

بر همین اساس، جامعه‌شناسان معمولاً آموزش و پرورش را با «جامعه‌پذیری» یا «اجتماعی شدن» مترادف می‌دانند. به عقیده آن‌ها، آموزش و پرورش سازوکار رسمی جامعه برای حفظ و انتقال فرهنگ است. در این مفهوم، آموزش و پرورش فرایندی است که به واسطه آن، مجموعه اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها، دانش‌ها و مهارت‌های جامعه به نسل جدید منتقل می‌شود. (همان، ۱۳۸۶: ۹۰)

یان رابرت سون «آموزش» را تقریباً مترادف با «جامعه‌پذیری» می‌داند، زیرا هر دو واژه در بردارنده مفهوم انتقال فرهنگ از شخص یا گروهی به شخص یا گروهی دیگر است. به عقیده وی، «آموزش عبارت است از انتقال منظم و سازمان‌یافته دانش، مهارت‌ها و ارزش‌ها» است. این تعریف با جایگاهی که آموزش و پرورش در جوامع فعلی دارد، مرتبط است. آموزش و پرورش در جوامع نوین به فعالیتی رسمی و صنعتی تبدیل شده است. در این جوامع، فعالیت‌های آموزشی سازمان‌یافته و برای برخی افراد در سنین خاص اجباری هستند. افرادی نیز به عنوان معلم و متخصص آموزش تربیت شده‌اند و محل‌ها و تجهیزاتی برای آموزش و فراگیری دانش آن مهیا شده است. (رابرت سون، ۱۳۷۴: ۳۴۹) با توجه به نکات پیش گفته در این مقاله تلاش می‌شود که رابطه جامعه، آموزش و تربیت را با نگاهی تئوریک به سنجش گرفته شود. به عبارتی، سعی می‌شود تا آموزش و تربیت

به مثابه نهاد برتر اجتماعی به صورت تئوریک موضوعی برای مطالعه تبدیل شود. بدین ترتیب؛ این سوال مطرح می‌شود که جامعه‌شناسی با چه نگاهی تئوریک نسبت به افق آموزش و تربیت و رابطه آن با جامعه نظر می‌افکند؟

فرضیه احتمالی و موقتی آن است که به صورت کلی و کلان «جامعه‌شناسی آموزش و تربیت» به مطالعه روابط میان آموزش و تربیت و جامعه، از طریق کاربرد منظم دانش، مفاهیم، نظریه‌ها، روش‌ها و فنون جامعه‌شناسی اقدام می‌کند. این مطالعه با روش بنیادی صورت گرفته و دارای نتایج کاربردی و توسعه‌یابی است. هدف علمی پژوهش مطالعه تئوریک آموزش و تربیت به مثابه نهاد برتر اجتماعی با رهیافت جامعه‌شناختی است. مطالعه این مسئله به روش جامعه‌شناسی به منظور بسامان نمودن بهتر نهاد تعلیم و تربیت از اهداف دیگر تحقیق حاضر است. ضمن تازه بودن سویه‌های پژوهش، رویکرد و قالب فکری آن نیز جدید است. پژوهشگر در تحقیقات خود به تحقیقاتی از این سنخ دسترسی پیدا نکرد. بدین سان تحقیق حاضر هم از نظر موضوع و نیز از لحاظ رویکرد، بکراست.

مبانی نظری

۱- اهمیت و ضرورت مطالعه نهاد تعلیم و تربیت از منظر جامعه‌شناختی

دوام و بقای هر جامعه‌ای مستلزم آن است که اعضای جدیدی متولد و تربیت شوند، ضروریات حیاتی مردم تولید و توزیع شوند، نظم اجتماعی برقرار و محفوظ بماند و مردم احساس کنند که زندگی معنا و هدف دارد. ساختارهایی که جامعه از طریق آن‌ها به رفع این نیازهای اساسی می‌پردازد، «نهاد اجتماعی» نامیده می‌شوند. (علاقه بند، ۱۳۹۳: ۱۴۰)

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش نیز رشته علمی نسبتاً جدیدی است که عمده‌ترین تحقیقات و تألیفات مربوط به آن در نیم‌قرن گذشته پدید آمده‌اند؛ اما ریشه‌های آن‌ها را در آثار جامعه‌شناسان قرن نوزدهم نیز می‌توان یافت. «جامعه‌شناسان آموزش و پرورش را به‌عنوان

پدیده‌ای اجتماعی یا یک نهاد اجتماعی مشخص و نظیر سایر پدیده‌ها و نهادهای اجتماعی، قابل تحلیل و تبیین تلقی می‌کنند و معتقدند که آموزش و پرورش اساساً یک موضوع اجتماعی است. به نظر آنان، آموزش و پرورش همیشه یک فعالیت اجتماعی بوده است و صرفاً به آموزش و پرورش رسمی که هدف‌ها و روش‌های آن به ماهیت و فرهنگ جامعه بستگی دارد، منحصر نیست. بلکه بین اقوام ابتدایی که رسماً مدرسه وجود نداشت، آموزش و پرورش به انحاء متفاوت وجود داشت و سعی داشتند همواره شخصیت کودکان را طوری پرورش دهند که برای مشارکت در جامعه و نقش‌های مورد نیاز آماده باشند».

(قرایی مقدم، ۱۳۷۳: ۹۰)

در جامعه ساده گذشته شکل‌های ابتدایی نظام‌های سیاسی و اقتصادی وجود داشت و کارکردهای آموزش و پرورش از طریق خانواده با مشارکت فرد در فعالیت‌های گوناگون گروه اجتماعی صورت می‌گرفت. از این رو نهاد جداگانه‌ای لازم نبود. اما در جامعه پیچیده متمدن امروز، با گسترش شهرنشینی و توسعه صنعتی و دگرگون شدن ساختارها و کارکردهای سیاسی و اقتصادی، نهادی مثل خانواده که در گذشته بار تربیتی فرزندان را به عهده داشت، دیگر اقتدار و نفوذ کافی برای ایفای وظایف آموزشی و پرورشی را ندارد. جامعه متحول مستلزم ایجاد نهاد خاص نظام آموزش رسمی است.

تعریف متغیرها

۱- آموزش و پرورش

آموزش و پرورش یا تعلیم و تربیت در معنای کلی بر پرورش، تعلیم فکری و اخلاقی، رشد شخصیت و توانایی‌های ذهنی کودک، نوجوان و جوان به‌خصوص از راه تأمین آموزش منظم دلالت دارد. (گولد کولب، ۱۳۸۴: ۷۸) به عبارت دیگر، آموزش و پرورش عبارت است از جریانی نظام‌مند و هدف‌دار به منظور تربیت و رشد استعدادها برای

رسیدن به کمال مطلوب. (حسینی نسب و علی اقدم، ۱۳۷۵: ۵) در معنای محدودتر، «آموزش و پرورش به هر نوع آموزش و پرورشی اطلاق می‌شود که به صورت قراردادی و به شیوه‌های منظم، منطقی و از روی برنامه ارائه شود. این نوع آموزش و پرورش با ورود به مدارس یا مؤسسات آموزشی آغاز و با طی سطوح و مراحل متفاوت آن ادامه می‌یابد.» (علاقه بند، ۱۳۹۳: ۲۰)

۲- جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش به مطالعه روابط میان آموزش و پرورش و جامعه، از طریق کاربرد منظم دانش، مفاهیم، نظریه‌ها، روش‌ها و فنون جامعه‌شناسی اطلاق می‌شود. در تعریفی دیگر، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش عبارت است از: تحلیل علمی الگوها و فرایندهای اجتماعی دخیل در نظام آموزش و پرورش (منادی، ۱۳۹۲). منظور از نظام آموزش و پرورش الگوی کلی نهادها و سازمان‌های رسمی جامعه است که به واسطه آن، معارف و میراث فرهنگی منتقل و پرورش و رشد اجتماعی و شخصی افراد جامعه میسر می‌شود. (علاقه بند، ۱۳۹۳: ۲۰)

آن رابرت سون «آموزش» را تقریباً مترادف با «جامعه‌پذیری» می‌داند؛ زیرا هر دو واژه دربردارنده مفهوم انتقال فرهنگ از شخص یا گروهی به شخص یا گروهی دیگر است. به عقیده وی، «آموزش بارت است از انتقال منظم و سازمان‌یافته دانش، مهارت‌ها و ارزش‌ها». این تعریف با جایگاهی که آموزش و پرورش در جوامع فعلی دارد، مرتبط است. آموزش و پرورش در جوامع نوین به فعالیتی رسمی و صنعتی تبدیل شده است. در این جوامع، فعالیت‌های آموزشی سازمان‌یافته و برای برخی افراد در سنین خاص اجباری هستند. افرادی نیز به عنوان معلم و متخصص آموزش تربیت شده‌اند

مطالعهٔ تئوریک آموزش و تربیت به مثابه نهاد برتر اجتماعی / ۱۰۱

و محل‌ها و تجهیزاتی برای آموزش و فراگیری دانش آن مهیا شده است. (رابرت سون، ۱۳۷۴: ۳۴۹)

تعریف و برداشتی که در جامعه‌شناسی از مفهوم آموزش و پرورش ارائه می‌شود، کاملاً تحت تأثیر اندیشه‌های دورکیم قرار دارد. وی آموزش و پرورش را موضوعی کاملاً اجتماعی می‌دانست و معتقد بود: «تربیت، اجتماعی کردن رول‌های نسل جوان است». (دورکیم، ۱۳۶۸: ۴۸) در واقع چیزی نیست جز تأثیری که از طریق نسل بزرگسال بر کسانی که هنوز برای زندگی اجتماعی آماده نیستند، اعمال می‌شود. (همان، ۱۳۶۹: ۷۰)

۳- آموزش و تربیت و ساختار اجتماعی

ساختار اجتماعی به روابط و مناسبات نسبتاً ثابت و تقریباً پایداری می‌گویند که میان افراد یا گروه‌های اجتماعی جامعه که تحت مجموعه مشترکی از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی گردآمده‌اند، برقرار باشد. در واقع، ساختار اجتماعی مجموعه روابط و پیوندهایی است که میان افراد، گروه‌ها و طبقات متفاوت جامعه برقرار است و نهادها و رفتارهای اجتماعی یا فرهنگی در آن جامعه براساس این روابط ترتیب و تنظیم می‌یابند. (اسفندیاری، ۱۳۸۱)

تقسیم‌بندی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

۱- جامعه‌شناسی مدرسه

هنگامی که از آموزش رسمی سخن به میان می‌آید، اولین موسسه‌ای که به یاد می‌آوریم مدرسه است. مدرسه به شکل امروزی و عمومی آن برای اولین بار در فرانسه پس از انقلاب شکل گرفت و بر اساس آن دولت موظف گردید تا آموزش عمومی و ابتدایی را برای همه سازمان دهد. (گلشن‌فومنی، محمد رسول، ۱۳۹۱) به دنبال گسترش

مدارس در سراسر جهان، نظریه پردازان بسیاری در حمایت از آن بر خواستند. در این میان بخصوص کارکردگرایان آن را کمکی برای انسجام اجتماعی و در تامین نیروی انسانی مورد نیاز جامعه لازم دانستند. دورکیم کارکرد مدرسه را توسعه امکانات و توانایی‌هایی می‌دانست که جامعه به آن‌ها نیاز دارد و پارسونز وجود آن را برای ادامه حیات جامعه لازم دانسته آن را برای حفظ انسجام اجتماعی ضروری تلقی می‌کرد. (شارع‌پور، ۱۳۹۴) از سوی دیگر برخی این شیوه آموزش را نقد کردند. نظریه پردازانی مانند آلتوسر، گرامشی، بوردیو و ایلچ و نظریه‌های انتقادی و بازتولید از آن دسته نظریاتی هستند که به نقد مدارس و شیوه‌های آن پرداختند. (قالیبافان و مقبولی، ۱۳۹۴) شاید بتوان یکی از بزرگ‌ترین منتقدان مدرسه و شیوه‌های آن را ایوان ایلچ، نظریه پرداز اتریشی قرن بیستم دانست. ایلچ در کتاب مشهور خود، مدرسه زدایی از جامعه، نظریات خود در خصوص مدرسه و بد کارکردی آن را مطرح کرد. او عنوان می‌کند مؤسساتی که ساختار اصلی جامعه امروز را تشکیل می‌دهند، خود نابود یا تحریف کننده آن اهداف یا نهادهایی هستند که برای آنها به وجود آمده‌اند. به این ترتیب بیمارستان عامل نابودی سلامتی، کلیسا عامل نابودی مذهب و مدرسه عامل نابودی آموزش و پرورش است. او این مؤسسات را مؤسسات تحریف کننده یا معتاد کننده می‌دانست و خواهان مدرسه زدایی از جامعه بود. (شارع‌پور، محمود. ۱۳۹۴) قطع نظر از منتقدان، به دنبال گسترش مدارس در سراسر جهان، نظریه پردازان بسیاری در حمایت از آن بر خواستند. در حوزه جامعه‌شناسی مدرسه، تمامی رویدادهایی که فقط در چارچوب و درون مدرسه رخ می‌دهند، مورد بررسی و پژوهش قرار می‌گیرند و امروز پرداختن به این بخش خود تخصصی جداگانه و مخصوص به خود دارد. حتی بعضی از موضوعات آن، مانند روش تدریس معلمان یا برنامه‌ریزی درسی، به تنهایی می‌توانند تخصصی خاص باشند. در این حوزه

مطالعهٔ تئوریک آموزش و تربیت به مثابه نهاد برتر اجتماعی / ۱۰۳

مطالعات و پژوهش‌ها روی عملکرد مدرسه، شامل مدیریت، ارتباط معلم و مدیر، ارتباط مدیریت با دفاتر و مراکز کل نهاد آموزش و پرورش و برخورد با آیین‌نامه‌ها، روش تدریس معلم، ارتباط معلم و دانش‌آموز، و در نهایت چگونگی فضای فیزیکی مدرسه متمرکز است. در واقع در این قسمت همه رفتارها، رابطه‌ها و فعالیت‌هایی که فقط در چارچوب و درون مدرسه انجام می‌پذیرند، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند. یکی از مسائل مهم این حوزه که به‌نوعی بقیه بخش‌های نهاد آموزش و پرورش را درگیر کرده، شکست تحصیلی تعدادی از دانش‌آموزان است که هر ساله شاهد ناکامی، ترک تحصیل و پایین بودن سطح سواد آنان هستیم.

۲- جامعه‌شناسی محتوا

حوزهٔ جامعه‌شناسی محتوا به پیرامون علم، دانش و فرهنگ مدارس یا فرهنگ نظام آموزش و پرورش می‌پردازد و در این خصوص پژوهش می‌کند. در این حوزه به دو بخش «محتوای رسمی یا آشکار» و «محتوای غیررسمی یا پنهان» نهاد آموزش و پرورش پرداخته می‌شود. در محتوای رسمی به ارزش‌ها و هنجارهای مطرح در کتاب‌های درسی، به‌خصوص ادبیات فارسی، بینش اسلامی و تاریخ که ارزش‌ها، هنجارها و وقایع مورد نظر برنامه‌ریزان و مسئولان جامعه را اشاعه می‌دهد، توجه می‌شود. سکوت در مورد فردی یا گروهی در طول تاریخ جامعه‌ای یا واقعه‌ای یا پررنگ کردن اثر فردی در تاریخ یا واقعه‌ای در کتاب‌های درسی، از این دست نمونه‌هاست.

محتوای غیررسمی محتوایی است که مستقیماً اثر نوشتاری ندارد و به‌صورت غیرمستقیم عرضه می‌شود؛ تابلوها و تصویرهایی که بر درودیوار مدرسه آویخته شده‌اند. انتخاب نوع کتاب‌های کتابخانه مدارس بی‌دلیل و بدون حساب نیست. مثال‌هایی که معلم در خلال درس برای فهم موضوعی مطرح می‌کند و انتخاب موضوع انشا (تعریف یک

فصل سال یا یک واقعه تاریخی مشخص) فرهنگ خاصی را نیز مطرح و آن را در دانش آموزان درونی می‌کند. تأکید معلم بر نکته‌ای و یا گذشت سریع از نکته دیگری توضیح کم و یا زیاد دادن در مقابل پرسش دانش‌آموزی، و در نهایت نوع پوشش و رفتار اجتماعی معلم سر کلاس، هر یک به صورت پنهان فرهنگ خاصی را ترویج می‌کنند. این فرهنگ در صورت رفتار کارشناسی غالباً به مرور زمان در اکثر دانش‌آموزان درونی و نهادینه می‌شود.

۳- جامعه‌شناسی ارتباط نهاد آموزش و پرورش با نهادهای دیگر جامعه

- مدرسه و جامعه

مدرسه نهادی است که در جامعه شکل می‌گیرد. عوامل اصلی در مدرسه دانش‌آموزان هستند که به‌عنوان گروه یادگیرندگان در مقابل جامعه قرار دارند و بدون توجه به خواسته‌های آنان، آموزش و پرورش نمی‌تواند نقش مؤثری داشته باشد. مدارس بنا به خواست گروه‌های مختلف اجتماعی به وجود آمده‌اند و وظایف آن‌ها را می‌توان جامعه‌پذیر کردن، انتقال سرمایه‌های تمدن به نسل معاصر، آماده کردن نوجوانان برای مشاغل و حرفه‌ها، کمک به حفظ یکپارچگی جامعه دانست (فرجاد، ۱۳۷۹: ۱۰۱). بخش جامعه‌شناسی ارتباط نهاد آموزش و پرورش با نهادهای مختلف اجتماعی، به ارتباط مدرسه با خانواده، محله، سیاست، اقتصاد، فرهنگ، مراکز فرهنگی (مسجد، زیارتگاه‌ها، جلسات سخنرانی، فرهنگ‌سراها)، هنری (سینما، تئاتر و موزه) و ورزشی (سالن‌ها و ورزشگاه‌ها) امروزه به بحث جهانی شدن می‌پردازد. در واقع اینکه نهاد آموزش و پرورش چگونه با نهادهای دیگر اجتماعی ارتباط دارد، چقدر از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد و یا بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. این ارتباط نه با رویکرد سازمانی یا روان‌شناختی، بلکه با رویکرد جامعه‌شناسی دیده و بررسی می‌شود.

- جامعه به عنوان عامل تغییر:

جامعه معاصر چنان با سرعت در حال تغییر است که بسیار مشکل می‌توان خود را با آن همراه و سازگار ساخت و آماده تحولات آینده بود. مجبوریم به مدارس از این دیدگاه که ما را در درک جامعه، یاری داده و برای زندگی در آن آماده می‌سازد، نگاه کنیم، اما در عین حال، مدارس نهادهای محافظه‌کاری هستند که معمولاً از تغییرات عقب می‌مانند. تفاوت سرعت تغییرات در بخش‌های جامعه پدیده عقب‌ماندگی فرهنگی را پدید می‌آورند. معمولاً تغییرات فرهنگی در ابتدا از علوم، تجارب و صنعت آغاز شده، اما نهادهای جامعه از این تغییرات عقب می‌مانند. (خدا رحمی و ملکی، ۱۳۹۴)

مدرسه به عنوان منبع تغییر: توجه به این نکته لازم است که مدارس نهادهای وابسته به دیوان‌سالاری بوده و بسیار محافظه‌کارند (یا سنتی هستند) و بر اساس هنجارهای استناداردهفته رفتاری که به وسیله قوانین و مقررات برای همه مدیران، معلمان و دانش‌آموزان معین شده، انجام وظیفه می‌نمایند؛ بنابراین گرچه که اهداف تربیتی و موضوعات درسی را بر اساس نیازهای جدید اجتماعی و سیاسی تغییر می‌یابد، اما نباید انتظار داشت که ساختار و سازمان مدارس، به طور بسیار فزاینده‌ای تغییر نماید.

- دانش به عنوان عامل تغییر:

بدنه سازمان دانش که درباره مردم و جهان، گردآوری شده، ممکن است به عنوان گسترش و فرآیند تعامل جامعه معاصر، مورد توجه قرار گیرد. همچنان که جامعه تغییر می‌کند، دانش ما نیز تغییر می‌نماید، در مقابل با افزایش دانش پایه، تغییرات بیشتری نیز در جامعه رخ می‌دهد. (ارنشتاین و هانکینز، ۱۳۷۳)

برنامه‌ریزی درسی بر مبنای تغییرات و تحولات اجتماعی:

۱- شتاب فزاینده‌ی تغییر به‌ویژه در مسائل اقتصادی جامعه؛

۲- توسعه جمعیت و تحرک اجتماعی؛

- ۳- گسترش دانش، تکنالوژی و ابتکار؛
- ۴- وابستگی‌های افراد باهم (روابط میان گروهی)؛
- ۵- ناسازگاری‌های میان گروهی؛
- ۶- ایدئولوژی‌های مختلف و برخورد آنها در درون جامعه و سطح بین‌المللی؛
- ۷- ملی‌گرایی به‌جای همکاری‌های بین‌المللی؛
- ۸- اختلافات فرهنگی در درون جامعه و در سطح بین‌المللی؛
- ۹- نقش مذهب در جامعه؛
- ۱۰- استفاده از منابع طبیعی؛
- ۱۱- روابط بین‌المللی؛
- ۱۲- ارج‌گذاری به ارزش‌ها.

تدوین برنامه‌های درسی بر پایه تغییرات یا خواسته‌های جامعه نیاز به اطلاعات صحیح دارد. اطلاعات دوازده‌گانه فوق مبانی اصلی تغییرات در برنامه‌های درسی‌اند. امروزه رشد شهروند خوب یا بار آوردن عضو مفید اجتماع از هدف‌های اساسی آموزش و پرورش است. جوانان باید از طریق برنامه‌های درسی با واقعیت‌های اجتماعی ضروری مواجه شوند و شیوه‌های برخورد با آنها بر پایه موازین صحیح اجتماعی باشد و در موارد مربوط برای قوانین و مقررات اجتماعی ارزش قائل شوند. (فرجاد، ۱۳۷۹: ۱۰۱)

- انتقال فرهنگی:

لازمه‌ی تداوم هر جامعه، انتقال ارزش‌ها هنجارهای آن‌جامعه از نسلی به نسل دیگر است که آموزش و پرورش آن را به سرانجام می‌رساند. این کارکرد، اساساً کارکردی محافظه‌کارانه است؛ زیرا مدارس اصولاً فرهنگ گذشته و یا حداقل فرهنگ فعلی را به دیگران منتقل می‌کنند.

انتقال مهارت‌ها: مدارس، انواع مهارت‌های شناختی هنجارهای ضروری را برای ایفای نقش‌های موجود در جامعه‌ای که به طور روزافزون به علم و تخصص وابسته می‌شود، آموزش می‌دهند. (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۳۵۲)

همبستگی اجتماعی: اغلب جوامع دارای خرده‌فرهنگ‌های گوناگون قومی، نژادی و غیره هستند آموزش و پرورش می‌تواند افراد جوان این قابلیت‌ها را با فرهنگ عمومی جامعه هم‌نوا و آشنا سازد و بدین ترتیب جامعه‌ای نسبتاً هم‌گون با ارزش‌های مشترک به وجود آورد. آموزش و پرورش وسیله‌ی مهمی برای تبدیل یک جامعه‌ی نامتجانس به جامعه‌ای یگانه و یکپارچه از طریق تقویت و توسعه‌ی فرهنگ و هویت مشترک است. از این رو، ظهور دولت‌های ملی با ایجاد نظام‌های آموزش و پرورش متقارن بوده است. مدارس با تدریس زبان رسمی به یکپارچه شدن اقوام مختلف داخل کشورها تا حد زیادی مدد می‌رسانند و آگاهی از تعلق به یک ملیت را در آن‌ها تقویت می‌کنند. نهادهای آموزش و پرورش مخصوصاً در کشورهایی که مهاجرپذیرند، وظایف و مسؤولیت‌های عمده‌ای در ایجاد یگانگی برعهده دارند. (علاقه‌بند، ۱۳۷۰: ۲۶)

گزینش: مدارس روشی منطقی برای گزینش و انتخاب افراد مستعد ارائه می‌دهند و براساس آن، تواناترین و با انگیزه‌ترین افراد، ارزش‌مندترین موقعیت‌های منزلتی را به دست می‌آورند. آموزش راه عمده‌ای در کسب موفقیت شغلی و مالی در جامعه‌های صنعتی است، زیرا مدارس دانش آموزان را برای انجام کارهای گوناگون آماده و گزینش می‌کنند.

نوجویی: نهادهای آموزشی صرفاً به انتقال دانش‌های موجود نمی‌پردازند، بلکه همچنین با توسعه دانش و مهارت جدید، به میراث فرهنگی می‌افزایند. نقش اخیر تا حدی به این دلیل پدید می‌آید که تجربه آموزشی باعث برانگیختن فکر انتقادی و کنج‌کاوی فکری می‌شود. تا حدودی نیز به این دلیل است که از مدرسین و دانشگاه‌ها و مدارس عالی انتظار می‌رود، تحقیقاتی به عمل آورند که به افزایش آگاهی‌های علمی منجر شود.

(رابرتسون، ۱۳۷۴: ۳۵۳)

دورکیم معتقد است: جامعه هنگامی می‌تواند به حیات خود ادامه دهد که بین اعضای آن به میزان کافی همگونی وجود داشته باشد. تعلیم و تربیت از ابتدا همانندی‌های مورد نیاز زندگی جمعی را در کودک تثبیت و از این راه، همگونی مذکور را تنفیذ و تقویت می‌کند. (دورکیم، ۱۳۶۸: ۹۱) نسل جوان و نارس، عملی می‌شود. برای دورکیم، تعلیم و تربیت موضوعی کاملاً اجتماعی است. این امر را به خوبی می‌توان از تعریفی دریافت که وی از «تربیت» ارائه کرده است: تربیت عملی است که نسل‌های بزرگسال روی نسل‌هایی که هنوز برای زندگی اجتماعی پخته نیستند، انجام می‌دهند و هدفش این است که در کودک شماری از حالات جسمانی، عقلانی و اخلاقی را برانگیزد و پرورش دهد که جامعه سیاسی و نیز محیط و شرایطی که فرد به نحو خاصی برای آن آماده می‌شود، اقتضاء می‌کنند.

تعریف فوق، همان‌گونه که دورکیم نیز یادآوری کرده است، دو جنبه مشخص دارد: یکی این که تربیت جنبه اجتماعی دارد. بر این اساس «تربیت، اجتماعی کردن روشمند نسل جوان است». این تربیت است که انسان را اجتماعی می‌کند و انسان بدون اجتماعی شدن اساساً انسان نیست. به بیان دورکیم، «هستی جدیدی که عمل جمعی از راه تربیت در هریک از ما ایجاد می‌کند، نمودار بهترین جنبه از وجود ما و جنبه حقیقتاً انسانی در ماست. در واقع، انسان به این دلیل انسان است که در جامعه زندگی می‌کند. (دورکیم، ۱۳۶۷: ۹۱)

از منظر کارکردگرایی و دورکیم، اجتماعی شدن موضوعی بسیار اساسی و حیاتی در حفظ نظم و انسجام اجتماعی است. بر اساس این دیدگاه، جریان اساسی تری که نظم اجتماعی و هماهنگی و تداوم جامعه بر آن استوار است، اجتماعی شدن است. یعنی اینکه اجتماع بتواند از سازوکارها و شیوه‌هایی استفاده کند تا براساس آن، هر کس در جامعه تکالیفی را انجام دهد تا کل نظام براساس آن تکالیف برقرار بماند و تداوم

پیدا کند و افراد آن‌ها را به دلخواه خودشان به عنوان تکلیف اخلاقی عمل کنند. بنابراین، سازوکاری که با آن تکالیفی که بیرونی هستند و به عنوان یک دستور در نظر گرفته می‌شوند، برای فرد به عنوان یک تکلیف اخلاقی در می‌آیند، جریان «اجتماعی شدن» است. (دورکیم، ۱۳۶۷: ۴۸)

مباحث کلیدی نهاد آموزش و پرورش

بدون شک مطالبی که در این حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرند، به نحوی با مدرسه، با روش تدریس معلم، با مدیریت، با آیین‌نامه‌ها و برنامه‌ریزی‌ها یعنی محتوا، یا ارتباط با نهادهای مختلف که همان حوزهٔ سوم است، ارتباط دارند که هر یک به یک حوزهٔ خاص متعلق هستند؛ ولی چون مستقیماً به هر یک از این مؤلفه‌ها و حوزه‌ها نمی‌پردازد، می‌تواند حوزهٔ چهارمی را شکل دهد. در بیشتر موارد، نظریه‌ها و تئوری‌هایی که در ارتباط با نهاد آموزش و پرورش توسط متخصصان رشته‌های مختلف ساخته می‌شوند، در این حوزهٔ فرعی قرار دارند. سپس نقدها و انتقاداتی که به بخش‌های مختلف نهاد آموزش و پرورش، اعم از ورودی‌ها (چگونگی وضعیت دانش‌آموزان) و یا خروجی آن‌ها (فارغ‌التحصیلان) و یا چگونگی حرکت و تداوم و کارکرد نهاد آموزش و پرورش (روش تدریس و مدیریت و غیره) وارد می‌شوند، در این حوزهٔ چهارم معنی می‌یابند. بنابراین تمامی مطالبی که به یکی از سه حوزهٔ اصلی مطرح‌شده منحصر نباشند، در این حوزهٔ فرعی قرار می‌گیرند. (علاقه‌بند، ۱۳۹۳: ۱۳۸)

هدف جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

جامعه‌شناسان تأکید می‌کنند که آموزش و پرورش یکی از راه‌های اجتماعی شدن کودک است و مدرسه در کنار سایر عوامل، از قبیل خانواده، اجتماع و گروه‌های هم‌بازی به این روند کمک می‌کند. از این دیدگاه جامعه‌شناسی، آموزش و پرورش عبارت است از انتقال فرهنگ و عناصر ویژه آن به نسل جدید. از این رو هدف آن مطالعه پدیده آموزش و پرورش، نحوه تشکیل و سازمان و کارکردهای عمومی آن در زندگی افراد است.

مطالعات جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در سه زمینه مهم تمرکز یافته است:

- نظام‌های بزرگ آموزش و پرورش؛

- نهادهای آموزشی خاص؛

- تعامل در محیط‌های آموزشی. (علاقه‌بند، ۱۳۹۳)

آموزش و پرورش از نگاه جامعه‌شناسان

آگوست کنت (۱۸۵۷ - ۱۷۹۸)، واضع واژه جامعه‌شناسی، آموزش و پرورش را به منزله فرایند تهذیب و تزکیه آدمی می‌دانست. از نظر اسپنسر (۱۹۰۳ - ۱۸۲۰) غایت آموزش و پرورش تدارک و تأمین زندگی بهتر برای فرد در جامعه است. به زعم وی، کارکردهای نظام آموزشی باید بسیار اندک و محدود باشد، به طوری که نباید در پرورش فرد زیاد مداخله کند. وی معتقد بود، طبیعت حس درک خوب و بد را در انسان به ودیعه گذاشته است. هر کودک با توجه به پیامدهای رفتار و کردار خود به یادگیری می‌پردازد و از راه طبیعی آموزش و یادگیری، به تفاوت‌های میان خوب و بد پی می‌برد.

از نظر امیل دورکیم (۱۹۱۷ - ۱۸۵۸) نیز آموزش و پرورش یک امر واقع اجتماعی است و یک عنصر اصلی جامعه‌شناسی محسوب می‌شود. در تعریف وی آمده است: «آموزش و پرورش فعالیتی است که نسل بالغ، درباره سنی که هنوز برای حیات اجتماعی نارس است، به جای می‌آورد و موضوع این فعالیت عبارت است از برانگیختن و پروردن افکار و معانی و شرایط معنوی و مادی که مقتضیات حیات در جامعه سیاسی و محیط خصوصی است و طفل برای زندگی در آن آماده می‌شود.

برداشت دورکیم از آموزش و پرورش، از مفهومی که برای انسان قائل است، ناشی می‌شود. به نظر او، آدمی ذاتاً موجودی اجتماعی است و در جامعه زندگی خواهد کرد. لذا ملزم به آموزش و یادگیری راه و رسم زندگی اجتماعی جامعه خویش است. پس از لحاظ او، آموزش و پرورش وسیله سازمان‌دهی خود فردی و خود اجتماعی، به صورت یک

موجود با انضباط است که می‌توان آن را به شکل‌گیری شخصیت و تولد اجتماعی شخص تعبیر کرد.

مانهیم نیز مثل دورکیم بر نقش سازنده آموزش و پرورش به‌عنوان یک فرایند اجتماعی آگاهانه تأکید کرده است و آن را فی‌نفسه تکنیک و وسیله‌ای برای کنترل اجتماعی، بازسازی و نوسازی جامعه می‌داند که در صورت استفاده آگاهانه و برنامه‌ریزی‌شده، می‌تواند به ایجاد انسجام و یگانگی اجتماعی مدد رساند. (نلر، ۱۳۸۸)

تحلیل نهادی آموزش و پرورش

هر جامعه‌ای آموزش و پرورش را نهادینه می‌کند و سازمان می‌دهد تا از طریق آن، افراد نسل‌های جدید را پرورش دهد و بقا، دوام اجتماعی و فرهنگی خود را تضمین کند. پرورش اجتماعی و فرهنگی افراد به معنای جذب آن‌ها در گروه‌هاست؛ به طوری که به اعضای فعال جامعه مبدل شوند. پرورش اجتماعی از آن جهت ضروری است که فردی را که به صورت یک ارگانیزم زاده شده، از راه تجربه‌های اجتماعی، به یک فرد انسانی تبدیل می‌سازد. جامعه امروز برای پرورش اجتماعی مردم خود از چند نهاد استفاده می‌کند که اهم آن‌ها عبارت‌اند از: آموزش و پرورش، خانواده و دین. این نهادها جنبه‌های مختلف تربیت افراد جامعه، به‌ویژه کودکان و جوانان را برعهده دارند. کارکردهای نهاد آموزش و پرورش شامل آموزش و پرورش عمومی، آموزش فنی و حرفه‌ای، تلقین ارزش‌ها، کشف و بسط دانش جدید و کاربرد علم و دانش برای حل مسائل اجتماعی، و ارتقای سطح زندگی در جامعه است. (علاقه بند، ۱۳۹۳: ۲۵) به‌طور کلی، نهاد آموزش و پرورش، به‌نظام آموزشی جامعه اشاره می‌کند. این نظام مرکب است از آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی، خط‌مشی‌ها، تجهیزات و تسهیلات، اعضای آموزشی و دانش‌آموزان که به امر تدریس و تحصیل در نظام اشتغال دارند.

نتیجه گیری

در دنیای امروز نهاد آموزش و پرورش بسیار پیچیده شده و از تشکیلات وسیع و عریض و طولی برخوردار است و دیگر نمی‌توان تنها با یک رویکرد به آن نگریست، باید برای آن برنامه‌ریزی کرد و مشکلات و موانع آن را از میان برداشت تا بدین ترتیب جامعه بتواند به پیشرفت و توسعه پایدار نائل آید. از این روست که ما در دانشگاه‌های معتبر دنیا با رشته‌ها و گرایش‌های جامعه‌شناسی آموزش و پرورش (جامعه‌شناسی تربیتی) روان‌شناسی تربیتی، فلسفه تعلیم و تربیت، اقتصاد آموزش و پرورش، سیاست آموزش و پرورش و حتی انسان‌شناسی آموزش و پرورش (انسان‌شناسی تربیتی) روبه‌رو هستیم که هر یک در تلاش هستند این دستگاه عظیم و بزرگ‌ترین نهاد اجتماعی جامعه (همچنین در جامعه ما) را با پویایی و موفقیت به پیش ببرند. اما از سوی دیگر، باید توجه داشت که رابطه جامعه و آموزش و پرورش یکطرفه نیست، بلکه جامعه برای تداوم حیات خود به مشابهنه افکار، ارزش‌ها و هنجارها در میان اعضای خود نیاز دارد که آموزش و پرورش باید آن را تأمین کند. به عبارت دیگر، آموزش و پرورش از ابتدا شباهت‌های اساسی و همانندی‌های موردنیاز زندگی جمعی را به وجود می‌آورد و در افراد تثبیت می‌کند؛ امری که برای انسجام و انتظام جامعه حیاتی و ضروری است. جامعه‌پذیری، ایجاد زمینه‌های ارزشی و هنجارهای مشترک و کنترل اجتماعی، سازوکارهایی هستند که آموزش و پرورش به واسطه آن‌ها انسجام جامعه را سامان می‌دهد؛ اما از سوی دیگر، باید توجه داشت که رابطه جامعه و آموزش و پرورش یک طرفه نیست؛ بلکه جامعه، برای تداوم حیات خود به درجه‌ای از مشابهنه افکار، ارزش‌ها و هنجارها در میان اعضای خود نیاز دارد که آموزش و پرورش آن را تأمین می‌کند.

مطالعهٔ تئوریک آموزش و تربیت به مثابه نهاد برتر اجتماعی / ۱۱۳

به عبارت دیگر، آموزش و پرورش از ابتدا شباهت‌های اساسی و همانندی‌های موردنیاز زندگی جمعی را به وجود می‌آورد و در افراد تثبیت می‌کند؛ امری که برای انسجام و انتظام جامعه حیاتی و ضروری است. جامعه‌پذیری، ایجاد زمینه‌های ارزشی و هنجاری مشترک و کنترل اجتماعی، سازوکارهایی هستند که آموزش و پرورش به‌واسطه آن‌ها انسجام جامعه را سامان می‌دهد.

سرچشمه‌ها

الف: کتب

- احمد نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۳)، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: سمت.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران، کیهان، چاپ هفتم.
- اسفندیاری، ابراهیم (۱۳۸۱)، آموزش و پرورش با رویکرد جامعه‌شناختی. انتشارات هم‌بستگی. تهران.
- ترنر، جاناتان و بیگلی، لئونارد (۱۳۸۴) پیدایش نظریه جامعه‌شناختی، ترجمهٔ عبدالعلی لهسایی‌زاده، شیراز: چاپ اول.
- جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. کتابخانه فروردین. تهران.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا، (۱۳۸۷)، پیدایش نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- دورکیم، امیل (۱۳۶۸)، تربیت و جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی علی محمد کاردان. انتشارات دورکیم، امیل (۱۳۶۸)، تربیت و جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی علی محمد کاردان. انتشارات دانشگاه تهران. چاپ اول.

- دورکیم، امیل (۱۳۶۹)، درباره‌ی تقسیم‌کار اجتماعی. ترجمه‌ی باقر پرهام. کتاب‌سرا.
- رابرتسون، یان (۱۳۷۴)، درآمدی بر جامعه. ترجمه‌ی حسین بهروان، انتشارات آستان.
- رابرتسون، یان (۱۳۷۴)، درآمدی بر جامعه. ترجمه حسین رهروان. انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
- شارع پور، محمود (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، انتشارات سمت، تهران.
- علاقه بند، علی (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، کتابخانه فروردین، تهران.
- فرجاد، محمدعلی (۱۳۷۹)، اصول برنامه‌ریزی آموزشی و درسی. تهران: الهام.
- کوزر، لوئیس (۱۳۹۷)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، محسن ثلاثی، تهران، علمی، چاپ هشتم.
- گلشن فومنی، محمد رسول (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ویرایش سوم، نشر دوران، تهران: شارع.
- پور، محمود (۱۳۹۴) جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، چاپ سیزدهم، انتشارات سمت. تهران.
- از قالیبافان، سید حسن، مقبلی، فاطمه کبری (۱۳۹۴) نقد و بررسی دیدگاه مدرسه زدایی از جامعه ایوان ایلچ، همایش ملی آموزش ابتدایی، دوره اول.
- گولد، جولیس و کولب، ویلیام (۱۳۸۴). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر پرهام. انتشارات مازیار، تهران.

مطالعهٔ تئوریک آموزش و تربیت به مثابه نهاد برتر اجتماعی / ۱۱۵

- حسینی نسب، داوود و علی اقدم، اصغر (۱۳۷۵)، فرهنگ تعلیم و تربیت. چاپ احرار. تبریز.
- منادی، مرتضی (۱۳۹۲)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، انتشارات آوای نور، تهران.
- الن سی، ارنشتاین و فرانسیس پی، هانکینز (۱۳۷۳)، مبانی، اصول و مسائل برنامه درسی، مترجم: قدسی احقر، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد، واحد علوم تحقیقات.
- نلر، جورج (۱۳۸۸)، انسان‌شناسی تربیتی، ترجمه محمدرضا آهنجیان و یحیی قائدی، انتشارات آبیژ، تهران.

ب: مقالات

- خدا رحمی و ملکی، بررسی رابطه تعاملی جامعه و مدرسه در برنامه درسی دوره متوسطه، «فصلنامه مطالعات برنامه درسی/ ایران»، سال دهم، شماره ۹۳، زمستان ۱۳۹۴.

بنیادهای تربیتی فرزندان در خانواده: رویکرد دینی

زهراً رحمانی*

* پژوهشگر مسایل خانواده و همکار قلمی مجله علمی-تحقیقی پوهنتون دعوت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۵

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

چکیده:

این پژوهش درصدد است تا اصول و زیرساخت‌های تربیتی فرزندان را با رویکرد دینی بررسی و تبیین کند. تربیت دینی، مفهومی است ناظر بر تلاش مری دینی برای رشد و شکوفایی استعدادهای نهفته در اعماق وجود فراگیران به منظور ایجاد تغییر در نحوه تفکر و عقیده آنان در چارچوب ضوابط دینی به سمت تعالی و سعادت. مری اسلامی در تلاش است که در گام نخست عقاید و تفکرات فراگیران را قاعده‌مند بسازد و در مرحله بعدی اخلاق، آداب، رفتار و روابط فردی و اجتماعی شخص را در قالب دینی صورت‌بندی نماید. تربیت دینی از منظر دینی از کودکی شروع نمی‌شود؛ بلکه حتی قبل از تولد را در بر می‌گیرد. بدین ترتیب؛ توجه مری دینی به خصوصیات فردی، خانوادگی و اجتماعی فراگیران، امری مهم و ضروری تلقی می‌گردد. این مقاله با شیوه مطالعه اسنادی و تحلیلی در مقام پاسخ به این سوال اساسی است که زیرساخت‌های صحیح تربیت فرزندان از منظر دینی کدام اند؟ پاسخ موقتی و احتمالی این است که محبت، تکریم، رعایت عدالت، میانه‌روی، قاطعیت، توجه به رشد دینی و اخلاقی فرزندان از جمله زیرساخت‌های تربیت فرزندان در رویکرد دینی است.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، اصول تربیتی، محبت، کرامت، عدالت، قاطعیت، اعتدال،

رشد دینی و اخلاقی.

مقدمه

تربیت بیخ درخت زندگی انسان است. فلسفه ارسال رسل و نزول کتب آسمانی با تربیت آدمیان پیوند می‌خورد. این پیوند در بعثت رسول مکرم اسلام به خوبی قابل جستجو می‌باشد. هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (سوره جمعه، آیه ۲). اوست خدایی که میان عرب امّی (یعنی قومی که خواندن و نوشتن نمی‌دانستند) پیغمبری بزرگوار از همان مردم برانگیخت که بر آنان آیات وحی خدا تلاوت می‌کند و آنها را (از لوث جهل و اخلاق زشت) پاک می‌سازد و شریعت و احکام کتاب سماوی و حکمت الهی می‌آموزد و همانا پیش از این همه در ورطه جهالت و گمراهی آشکار بودند. تزکیه و تعلیم در رأس برنامه‌های انبیاست. «يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ». در مکتب تربیتی انبیا، پرورش روحی و آموزش فکری، در کنار تعلیم کتاب و حکمت مطرح است. «يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» براین اساس، تربیت و تعلیم از انگیزه‌های بعثت پیامبران و نیز پیامبر اعظم به شمار می‌رود. از این رو پیامبر گرامی اسلام به امر تعلیم و تربیت به صورت عام (تربیت کل بشر) و تربیت دینی مسلمانان به صورت خاص، اهمیت زیادی می‌دادند. اما آنچه مهم و جالب توجه است، این است که در آموزش و تربیت دینی، مربیان جامعه انسانی با استفاده از شیوه‌هایی صحیح، اهداف تعلیم و تربیت را محقق و عملی ساخته‌اند. این درحالی است که بسیاری از آموزگاران و مربیان امور تربیتی نسبت به آموزش و تربیت فراگیران، توفیق چندانی نداشته و ندارند. آنچه امروزه در نقد و ارزیابی چنین وضعیتی می‌توان گفت: این است که معلمان و مربیان غیر دینی انسان شناختی دقیق از هویت

انسان ندارند. از این رو شیوه‌های تعلیم و تربیتی آنان چندان کارآمد و مطلوب نبوده است. در امر تربیت‌های متداول گویی یک مربی می‌خواهد به فراگیران بگوید: آنچه من می‌گویم را باید فراگیری و در مسائل تربیتی باید من محور قرار گیرم و من باید بگویم: چه چیزی خوب است و چه چیزی بد است. این همان روش تک بعدی تعلیم و تربیت انسانی است که به کرات ناکارآمدی‌اش به اثبات رسیده است. درحالی که مریبان اصلی جامعه بشری از جمله پیامبرخاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) برای تحقق فلسفه بعثتش که همان تعلیم و تربیت انسان‌ها است، تربیت دینی را بر اصولی چند مبتنی ساخته اند. متناسب با این اصول از شیوه‌های آموزشی و تربیتی کارآمد و متنوعی بهره برده اند. حال این سوال مطرح می‌شود که اصول و زیرساخت‌های کارآمد و مطلوب تربیت در سیره و رفتار تربیتی پیامبر چگونه بوده است؟

فرضیه: در رویکرد دینی، تربیت فرزندان دارای اصول و شیوه‌های مخصوصی است که اهداف تربیت را عملی و تحقق پذیر می‌سازد. در این مقاله این مسئله تبیین شده است که چگونه مریبان دینی از شیوه‌های بسیار جذاب و موفق برای آموزش تربیت دینی بهره می‌گیرد. تایید فرضیه تحقیق با روش توصیفی- تحلیلی و از طریق مطالعه متون و اسناد دینی و با توجه به سیره پیامبرگرامی اسلام صورت گرفته است. هدف علمی پژوهش، بررسی و تبیین اصول و زیرساخت‌های تربیتی فرزندان را با رویکرد دینی است. هدف کاربردی، کاربرست آموزه‌ها و توصیه‌های دینی توسط مریبان در امر تربیت فرزندان می‌باشد. این مسئله در عصری که متغیرهای گوناگون در فاصله‌گیری جوانان از امور معنوی نقش ایفا می‌کند، نه تنها از اهمیت که از ضرورت اساسی در بعد علمی و عملی برخوردار است.

چارچوب مفهومی تحقیق

۱. تحلیل مفهومی تربیت

تربیت از ریشه «ربو» به معنای زیادت گرفته شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۶:۱۲۶) هم‌چنین، تربیت از کلمه «ربّ» به معنی مالک، سید و مربّی اشتقاق می‌یابد و این‌گونه معنی می‌شود: انجام وظیفه کردن به شیوه نیکو و پسندیده. (ابن منظور، ۱۴۱۶:۳۹۹) یعنی کودکِ خود را نیکو تربیت کرد و برای او به نحو شایسته انجام وظیفه نمود. در بحث تربیت انسان، مفهوم واژه تربیت، بر پرورش استعدادهاى انسان، یعنی فراهم ساختن زمینه رشد استعدادهای آدمی دلالت می‌کند. (ابوطالبی، ۱۳۸۸: ۱۷) بادر نظر گرفتن مفهوم لغوی، می‌توان تربیت را این‌گونه تعریف کرد: تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت، تا بتواند استعدادهای نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجودی خویش به طور هماهنگ پرورش داده و شکوفا سازد و به سوی هدف و کمال مطلوب، به تدریج حرکت کند.

مقصود از تربیت فرزند به طور خاص آن است که مربّی، اعم از پدر، مادر، معلم و ...، فرزند را در بُعد روحی و اخلاقی پرورش دهد، به گونه‌ای که جسم و جان و عقل و علم او افزایش یابد و در این باره به‌طوری انجام وظیفه نماید که آن چه به مصلحت اوست از امور مربوط به دین و دنیای وی، انجام پذیرد.

این معنی را می‌توان از بعضی آیات قرآن استفاده کرد، مانند آن که می‌فرماید: «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (اسراء، آیه ۲۴) یعنی برای پدر و مادر خویش از درگاه خداوند در زمان حیاتشان طلب مغفرت و رحمت بنما، پاداش آن‌چه تو را در کودکی تربیت نموده‌اند.

لفظ «رحمت» در آیه شریفه در برگیرنده همه کارهای پسندیده مربوط به دین و دنیاست و شخص از پروردگار خویش درخواست می‌نماید، آن‌گونه که پدر و مادر نسبت به کارهای پسندیده مرا تربیت کرده و به من احسان نمودند، آن‌ها را مشمول رحمت و مغفرت خویش قرار ده. (رازی، ۱۴۰۱: ۳۲۷) از کلمه «ارْحَمَهُمَا» استفاده می‌شود. پدر و مادر باید بر اساس محبت، فرزندان خود را تربیت نمایند. هم‌چنین از کلمه «رَبَّيَانِي» استفاده می‌شود انسان باید از مربیان خود تشکر و قدردانی کند. پدر و مادر باید بر اساس محبت، فرزندان را تربیت کنند. «ارْحَمَهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي» انسان باید از مربیان خود تشکر و قدردانی کند. «ارْحَمَهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي» و با توجه به فطری بودن دین، تربیت دینی در اسلام به معنای فراهم کردن زمینه‌های شکوفایی فطرت توحیدی انسان و تجلی آن در اعمال عبادی وی است. (ابوطالبی، ۱۳۸۸: ۲۳) تربیت کودک در اسلام وظیفه‌ای است که خداوند آن را به والدین، مربیان اجتماعی و پیامبران واگذار کرده است. این مسؤولیت تنها در تأمین نیازهای مادی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه شامل تربیت و آموزش اخلاق و مسؤولیت‌پذیری به فرزندان نیز است.

۲. هدف تربیت

تربیت که از اهداف بسیار مهم خلقت و ارسال رسل و نزول کتب از سوی خداوند است، نمی‌تواند بدون هدف باشد. بر ماست که ضمن شناسایی اهداف تربیت در جهت تأمین آن برنامه‌ریزی کنیم. در زیر به برخی از اهداف تربیت با رویکرد دینی اشاره می‌شود:

-اهداف عالی تربیت

عناوینی در متون دینی مطرح شده که ناظر به اهداف تربیت نفس و تزکیه روح است. البته این اهداف هم سطح نیستند. برخی مقدمه برای برخی دیگر است و به تعبیر دیگر بعضی اهداف متوسط هستند و بعضی اهداف عالی. مثلاً هدف از عبادت و بندگی

تحصیل تقواست: «و اعبدوا ربکم... لعلکم تتقون» (بقره، آیه ۲۱). و هدف از تقوا، فلاح و رستگاری است: «یا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الَّذِي مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» بقره ، آیه ۱۸۹) چنان که هدف از اقامه نماز یاد خداوند است: «فِيمَ الصَّلَاةِ لَذِكْرِي» طه ، آیه ۱۴) و هدف از یاد خداوند آرامش قلب و آرامش روح است: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد ، آیه ۲۸) و هرگاه انسان به مقام اطمینان نفس دست پیدا کند، به مقام رضای حق و قرب پروردگار نایل می‌شود: «یا ایته‌ا النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة.» (فجر ، آیه ۲۸).

بدون تردید؛ یکی از استعدادهای بسیار مهم انسان گرایش او به کمال است. انسان موجودی کمال‌خواه و حقیقت‌طلب است و دوست دارد تمام کمالات را دارا باشد، و از آن جهت که این استعداد و گرایش به سمت بی‌نهایت است و وجود بی‌نهایت از نظر معارف دینی تنها خدای متعال است که تمام کمالات را بالفعل دارد، می‌توان گفت که هدف و مطلوب نهایی در رویکرد تربیتی اسلام نزدیک شدن هر چه بیشتر به سرچشمه هستی و کمال مطلق (خداوند) است. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر قابل درک است که به موضوع ظرفیت تکاملی و گستره وجودی انسان توجه کنیم؛ زیرا زندگی و تکامل وجودی انسان محدود به همین زندگی دنیا نیست، بلکه قلمرو بسیار گسترده‌تر و وسیع‌تری از آن را شامل می‌شود.

انسان دارای فطرت ویژه‌ای است، و با توجه به آن لقب برترین مخلوق را به خود اختصاص داده است. ویژگی‌های فطری و توانایی‌های آن زمینه‌ساز هدفی است که انسان برای آن آفریده شده است به گونه‌ای که می‌تواند بدون هیچ محدودیت زمانی و مکانی به رشد خود بپردازد و از ملک هم پرآن‌تر شود. پس زمینه‌های رسیدن به آن هدف نیز در فطرت او نهاده شده است که باید با تربیت صحیح و به موقع شکوفا گردد. می‌توان گفت

که تمام موجودات عالم هستی برای بهره‌وری آفریده شده‌اند. همه کارها و عبادات انسان مقدمه و زمینه برای تربیت اوست.

- تربیت پذیری انسان

آنگونه که امام فخر رازی به درستی بیان می‌کند؛ انسان در گذر از مراتب پایین نفس و رسیدن به مقامات عالی نفسانی، نیازمند راهنمایی کامل است؛ زیرا انسان به تنهایی نمی‌تواند به مقامات مکاشفه و هدایت راه یابد، مگر اینکه به رهبر معنوی اقتدا کند تا او را به راه صواب هدایت و در آن استوار نگه دارد. از آنجاکه بیشتر انسان‌ها به دلیل نقصان ذاتی و ضعف عقلی از تمییز حق از باطل ناتوان هستند، وجود راهنمای «کامل» که انسان‌های «ناقص» به او اقتدا کنند و از نور عقل و معرفت او بهره گیرند و به مدارج کمال و سعادت راه یابند، ضروری است (رازی، ۱۴۰۱: ۱۹۰) بدین ترتیب، جامعه‌پذیری نیازمند تربیت و محتاج به مربیان دلسوز است که بتوانند با آگاهی بخشی مسیر رسیدن به سعادت را هموار کنند.

- اهداف میانی تربیت

رسیدن به اهداف تربیت نیاز به واسطه و مقدمه دارد که در حقیقت به آن‌ها اهداف درجه دوم یا اهداف میانی گفته می‌شود. علمای اخلاق و تربیت اهداف میانی را به صورت زیر دسته‌بندی کرده‌اند:

- **اصلاح رابطه انسان با خدا:** یکی از اهداف بسیار مهم تربیت از نظر دین اصلاح رابطه انسان با خداست. اگر انسان به این هدف برسد بسیاری از اهداف دیگر را به آسانی می‌تواند فتح کند. اهداف تمامی انبیای الهی تربیت توحیدی و دور کردن انسان از شرک است. تربیت در اینجا بدین معنی است که انسان رو به توحید آورده و از شرک و بت‌پرستی دوری گزیند، به جای عصیان و طغیان اطاعت و فرمان‌برداری را پیشه خود

سازد و در برابر نعمت‌ها و الطاف خداوند سپاسگزار باشد و به عبادت او بپردازد، خداوند نیز به همین منظور پیامبرانش را مبعوث داشته است تا مردم را به پرستش خدا دعوت نموده و از طاغوت و شرک اجتناب نمایند. توحید در رأس برنامه همه انبیای الهی بوده است. چنانکه خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل، آیه ۳۶).

« وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ » (انبیاء، آیه ۲۵)

«اعبدوا الله مالکم من اله غیره» (اعراف، آیه ۶۵).

«فاتقوا الله و اطیعون» (اعراف، آیه ۶۵).

از نظر اسلام اصل و اساس همه برنامه‌های تربیتی توحید و یکتاپرستی است و اخلاق فاضله نیز در ثبات و استمرارش نیاز به چنین ضامن معتبری دارد و تنها راه رستگاری از دید قرآن نیز در توحید است: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» نکته مهم این است که در تربیت به عنوان فلسفه بعثت پیامبران، نژاد، منطقه و قبیله خاصی معیار نبوده است. «بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا»

-اصلاح رابطه انسان با خودش: بدون تردید اولین گام برای تربیت دیگران تربیت

خود است؛ بدین معنی که انسان اول باید خود را بشناسد، استعدادها و توانایی‌هایش را در مسیر کمال و سعادت به کار اندازد و به حاکمیت هواها و هوس‌ها در وجودش خاتمه دهد. پیامبرگرامی اسلام در این مورد فرمود: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»؛ هر کس خود را بشناسد، قطعاً خدایش را خواهد شناخت. (رازی، ۱۴۰۱: ۲۰۰) هدایت و کنترل قوای نفس و استخدام صحیح آن‌ها شرط رسیدن به سعادت است و عدم کنترل آن‌ها سرچشمه بسیاری از شرارت‌ها خواهد بود. بهترین راه سامان‌دهی امیال و قوای نفس به منظور نیل به مدارج عالی کمال و سعادت است، دستیابی به معارف و مقاصد صحیح الهی اخلاق و

تربیت می‌باشد که با عبادت و عبودیت الهی می‌توان نفس را آماده پذیرش آن‌ها نمود. (رازی، ۱۴۰۱: ۲۸، ۲۳۱) البته روشن است که منظور از خودسازی و پرداختن به خود شکل دادن و جهت بخشیدن به فعالیت‌های حیاتی و تصحیح انگیزه‌ها و در نظر گرفتن مقصد نهایی و جهت‌گیری فعالیت‌ها برای خداوند است، نه محدود کردن و متوقف ساختن فعالیت‌ها و توصیه به این‌که انسان فقط به خود بپردازد و در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت نداشته باشد و عزلت‌گزینی را رویه خود سازد. بنابراین لازمه این بحث انکار حقایق خارج از ذهن و یا انکار ارزشی که شناخت آن‌ها دارد و یا هر گونه تمایل ایده‌آلیستی و یا پراگماتیستی که مبتنی بر اصالت عمل مفید برای زندگی مادی و دنیوی است که از مظاهر «اومانیزم» است، نیست. انسان برای رسیدن به کمال مطلوبش ناگزیر است که خود و توانایی‌ها و استعدادهای درونی خود را بشناسد و در جهت پرورش و رشد آن‌ها سعی و تلاش نماید و گرنه از آمال و مقاصد انسانی خود دور می‌شود.

-اصلاح رابطه انسان با جامعه: انسان موجود مدنی و اجتماعی است، از این‌رو برای تامین نیازهای اولیه خود نیازمند تعامل با دیگر افراد جامعه است. او نمی‌تواند به سوی غایت هستی جز در میان جمع و بر اساس روابط سالم اجتماعی سیر کند؛ چه آن‌که آدم عزلت‌گزین در برنامه‌های تکاملی خود دچار نقص می‌گردد. در جامعه آرمانی اسلام هر فرد تمام ارتباطاتش را با سایر افراد بر اساس دو اصل قسط و احسان مبتنی می‌سازد. مقتضای اصل قسط این است که هر فرد در عمل به حقوق و اختیاراتش پایبند باشد. در غیر این صورت نابود می‌شود. خداوند نیز علت زوال و نابودی بسیاری از ملت‌ها را ستم‌پیشگی آنان عنوان کرده است: «هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ»، (انعام، آیه ۴۷)؛ آیا جز قوم ستمکار هلاک می‌شود؟

در رویکرد دینی، فرد تنها در اندیشه منافع و مصالح شخصی خود نیست. نه تنها افراد دیگر را ابزار تامین خواسته‌های خود نمی‌داند، بلکه آنان را نیز بندگان خدا می‌داند و تلاش می‌کند تا هدف آفرینش که تعالی و استكمال حقیقی همه انسان‌ها است، به بهترین وجه تحقق یابد. از این رو نسبت به سایر افراد احساس تکلیف می‌کند؛ به آموزش و پرورش آنان می‌پردازد و بخش عظیمی از ارتباطات و مناسباتش، تزکیه، تعلیم و تعلم، نهی از منکر، توأسی به حق و توأسی به صبر است. آیات متعددی بر این مطلب دلالت دارند از جمله:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ » (آل عمران، آیه ۲۰۰).

« لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ » (آل عمران، آیه ۱۰۴).

« تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ » (مائده، آیه ۲).

-اصلاح رابطه انسان با طبیعت: شناخت طبیعت به عنوان مظهر حق و آیه الهی و تسخیر و بهره‌مندی از آن در جهت سیر به سوی کمال یکی دیگر از اهداف بسیار مهم تربیتی اسلام است. در رویکرد اسلامی هر فرد مسلمان برای خود در قبال طبیعت یعنی جمادات، نباتات و حیوانات دو موضع بسیار مهم قایل است. یکی امانت‌دار خدای متعال بودن و دیگری خلیفه و جانشین او در زمین بودن. به دیگر سخن، او می‌کوشد که نعمت‌های الهی ضایع و تلف نشود و حرث و نسل به نابودی نیفتد و پدیده‌های طبیعی به رشد و کمال خود برسند و از سوی دیگر جلوی تضییع، اتلاف، اسراف و تبذیر گرفته شود و به عمران ارض پردازد.

« هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا » (هود ، آیه ۶۱) یعنی او شما را از زمین پدید آورد و آباد کردن آن را به شما سپرد.

انسان برای این که از عهده بار این رسالت خطیر خود نسبت به طبیعت برآید باید احکام و تعالیم الهی و علوم و فنون ناظر به این موضوع را بیشتر و بهتر بیاموزد. در زمینه فکری نیز با تفکر در آیات بزرگ الهی که در سراسر طبیعت نهفته است پلکان عروج به آسمان‌های فضیلت و تقوی را طی نموده بر مسند قرب الهی تکیه زند. آیات قرآن نیز موج می‌زند از تشویق و ترغیب به تفکر و تدبر در آیات الهی که به عنوان نمونه به یک آیه اشاره می‌کنیم.

« إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَّقُونَ ؛ (یونس، آیه ۶). در آمد و شد شب و روز و آنچه خدا در آسمان‌ها و زمین آفریده، نشانه‌هایی است برای مردمی که پروا کنند.»

-اصلاح رابطه انسان با تاریخ: دریافت انسان از جایگاه خود در تاریخ و نگرش به حوادث تاریخی و سیر در آن‌ها و کسب اعتبار از آن‌ها و شناخت سنت‌های حاکم بر تحولات و تطورات جوامع از اهداف اساسی تربیت به حساب می‌آید که با دستیابی به آن انسان می‌تواند حال و آینده خود را به طور شایسته اصلاح نماید. دعوت قرآن به درک تاریخ و سیر در حوادث گذشته آن و توجه به سنت‌های حاکم بر آن‌ها در حقیقت سیر دادن انسان به سوی مقصد تربیت است، آنجا که فرمود:

« قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ » (آل عمران ، آیه ۱۳۷). یعنی پیش از شما شیوه‌هایی گذشته است، پس در زمین بگردید و بنگرید که فرجام دروغ‌انگاران چگونه بوده است.

یکی از مهم‌ترین منابع عبرت‌آموزی که از ابتدای آفرینش تاکنون مورد توجه بوده و در منابع اسلامی به طور گسترده بدان اشاره شده، تاریخ و حوادث گوناگون آن است. بخش عظیمی از قصه‌های تاریخی اقوام مختلف در قرآن کریم و تبیین سرنوشت آن‌ها، ذکر مباحث تاریخی در قالب داستان و خاطره، همه جهت عبرت‌دهی به مخاطبان صورت گرفته است و پس از ذکر قصه یا جریان تاریخی، به هدف عبرت‌آموزی و پنددهی اشاره شده است. یکی از مهم‌ترین داستان‌ها در این قالب، ماجرای حضرت یوسف (علیه‌السلام) است که خداوند آن را از بهترین قصص دانسته و در پایان آن می‌فرماید: «در سرگذشت آنان، درس عبرتی برای صاحبان اندیشه است.» (یوسف، آیه ۳).

حضرت علی (رض) در وصیتی به فرزند بزرگوارش امام حسن مجتبی به گونه بسیار زیبایی این مطلب را تبیین کرده است که: «فرزندم دلت را به اندرز زنده دار و خبرهای گذشتگان را بدو عرضه دار و آنچه را که به پیشینیان رسیده است به یادش آر و در دیار و نشانه‌های آن سیر کن و بنگر که چه کردند، و از کجا به کجا شدند و کجا بار گشودند و در کجا فرود آمدند؛ آنان را خواهی دید که از کنار دوستان رخت بستند و در خانه‌های غربت نشستند و دیری نخواهد گذشت که تو نیز یکی از آنان خواهی بود پس در ساختن اقامتگاه خویش بکوش و آخرت را به دنیا مفروش.» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱: ۲۷۱)

این‌ها اهدافی است که تربیت باید بر اساس آن‌ها پایه‌ریزی گردد، تا زمینه را برای صعود به هدف نهایی فراهم نماید، و بر انسان مسلمان است که در جهت تامین آن‌ها سعی وافر و تلاش جدی نماید. از همین رو است که ابن خلدون از تاریخ از واژه «عبر» که جمع عبرت است، استفاده کرده است. (ابن خلدون، ۱۳۷۵) او عمداً این واژه را انتخاب کرد تا مضمون کتاب و جنبه‌های چندگانه روشی را که به کار برده بود توصیف کند. او قصد

داشت تاریخ را که شخصاً درک کرده بود، روایت کند؛ یعنی انحطاط جهان اسلامی به طور اعم و انحطاط کشورهای اسلامی مغرب به طور اخص، عبرت پللی بود که ذهن ابن خلدون به واسطه آن از رویدادهای تاریخی عبور می کرد و به علل آنها می رسید. نهایتاً می توانیم نتیجه بگیریم که عبرت یعنی گذشتن از ظواهر تاریخ به طبیعت باطنی آن که خودش صریحاً این کوشش را با تحقیق علمی یا فلسفی یکی می داند و آن را جزئی از حکمت می داند. (محسن مهدوی، ۱۳۸۳: ۸۵-۹۰)

۳. تربیت به مثابه علم، فن و خدمت در رویکرد دینی

تربیت در رویکرد اسلامی ترکیبی از علم، فن و خدمت است. تربیت از سویی علم است؛ چون دارای موضوع و هدف و روش است. از سویی دیگر فن است؛ زیرا جریان نشو و نمای قوای انسانی با فنونی باید تحت مراقبت آید. ممکن است فردی با سواد عالم باشد ولی معلم نباشد. تربیت از سویی دیگر هنر است؛ چون در آن توجه به لطافتها و ریزه کاریهایی است که برای دوباره ساختن و سازمان دادن ضروری است. از سویی دیگر، خدمت است به خود فرد و به جامعه انسانی و به وسیله آن می توان فرد را موجودی مفید ساخت و به حقیقت آدمیت واصل کرد.

اصول تربیت دینی فرزندان در رویکرد دینی

محبت:

اخلاق نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم)، خلفای راشدین و اهل بیت پیامبر مظهر ملامت، رحمت و الگوی شفقت و مهرورزی بود و دامنه محبت آنان، بزرگ و کوچک را فرا می گرفت. کودکان در نزد ایشان جایگاه خاصی داشتند و آن در موقعیت های مختلف از جمله در خانه، کوچه، مسجد، بازار، میدان جنگ و... با کودکان مهربانی می کردند و اطرافیان را نیز به این امر تشویق می فرمودند. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایتی در

بیان اهمیت محبت به فرزندان با این عبارت نقل شده است: از ما نیست کسی که بزرگ ما را احترام نکند و به کوچک ما رحم نوردد. (داودی، ۱۳۸۶: ۳۷)

از مجموع سیره‌های تربیتی یاد شده به وضوح، اصل محبت و مهر ورزیدن به فرزندان استنباط می‌شود. یکی از مصادیق دیگر توجه و محبت به فرزندان در سیره عملی نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم)، بازی و شوخی با کودکان است. از دیرباز روان‌شناسان کودک، به اهمیت بازی و پیامدهای مثبت آن توجه کرده و بدان پرداخته‌اند. روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در تأیید بازی و تأثیر آن بر دوران بزرگسالی چنین نقل شده است: تندی و میل بسیار به بازی در کودکی نشانه متانت و پختگی و زیادی عقل کودک در بزرگی است. (دلشاد، ۱۳۷۵: ۹۶) شاید بتوان این سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را از دیدگاه روان‌شناسی، به گونه‌ای با این نظریه منطبق دانست که بازی و شیطنت در دوران کودکی موجب تخلیه انرژی‌های زائد جسمی و روحی می‌شود و در رسیدن کودک به آرامش و حلم در بزرگسالی تأثیرگذار است. (حسینی زاده، ۱۳۸۲: ۵۴)

تکریم:

اکرام به معنای آن است که کسی را بزرگ و شریف‌شماری و گرامی‌اش بداری و به او نفعی خالص برسانی. در باره تکریم فرزند نیز توصیه‌هایی در روایات به چشم می‌خورد. اکرام آدمی از نگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل‌بیت از دوران کودکی آغاز می‌شود و شعاع آن از بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین مصادیق تا کوچک‌ترین مصادیق موارد را شامل می‌شود. دستورات و تعالیم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل‌بیت مبنی بر نام نیک نهادن بر نوزاد، عقیقه و دیگر آداب تولد، سلام کردن به کودک و ...، از جمله موارد تکریم کودکان است. یکی از راه‌های رسیدن به کرامت آن است که انسان، کرامت را در اطرافیان خود ببیند و لمس کند. برای اینکه انسان

کریم شود و شریف النفس بار آید، باید کرامت ببیند و مورد تکریم و احترام قرار گیرد. و این امر از دوران کودکی اهمیت دارد. (سیف، ۱۳۸۲: ۹۸)

بی‌شک، گرمی داشتن و اکرام کودک در ایجاد دل‌بستگی بین او و اطرافیان تأثیرگذار است و زمینه پذیرش آموزه‌های اخلاقی و تربیت دینی را فراهم می‌سازد. با توجه به دیدگاه‌های روان‌شناسی درباره اهمیت محبت و تکریم کودکان، روشن می‌شود که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت در مقام مربی برتر انسان‌ها که در سایه اتصال با منبع وحی، از فطرت و سرشت انسان‌ها آگاه است، چرا تا این حد بر محبت و توجه به کودک تأکید ورزیده است. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت به تمام کودکان به عام و فرزندان خود به‌طور خاص محبت و توجه می‌کردند و به تکریم و احترام آنان می‌پرداخت تا به رشد روانی و عاطفی کامل برسند و زمینه تعلیم و تربیت دینی آنان نیز فراهم آید. اگر تربیت دینی کودکان همراه با محبت و ایجاد دل‌بستگی با کودک باشد او را نسبت به توصیه‌های دینی والدین تسلیم‌پذیرتر می‌کند و الگوپذیری از آنان را نیز بیشتر می‌نماید؛ علاوه بر آن کودکی که از نظر روانی و عاطفی سالم و رشد یافته باشد، نسبت به دستورات دینی که مطابق با فطرت آدمی است، انعطاف‌پذیرتر می‌شود.

عدالت:

از موارد مهمی که در محبت به کودک، حتی در پایین‌ترین مظاهر آن، باید مورد توجه قرار گیرد، رعایت برابری و تساوی در برخورد با کودکان است. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است که فرمود: خداوند متعال دوست دارد که میان فرزندان خود، حتی در بوسیدن آنان یکسان عمل کنید. نیز در مقامی دیگر، آن حضرت فرمود: از خدای بترسید و میان فرزندانتان به عدالت رفتار کنید، همچنان که شما نیز دوست دارید آنان به شما نیکی و احسان کنند. (متقی، ۱۴۰۹: ۱۲۳) امر به تقوای الهی، در کنار فرمان به عدالت، نشان از اهمیت فراوان رفتار به کودکان دارد. در این روایت

یک اصل مهم اخلاقی و تربیتی معرفی شده است که تنها افراد متقی و خداترس آن را اجرا می‌کنند. علاوه بر آن، در جمله پایانی روایت به روابط عاطفی متقابل پدر و مادر و فرزندان اشاره شده است و از آن چنین برداشت می‌شود که رفتار والدین با کودک، در برخوردهای بعدی او با والدین تأثیرگذار است؛ یعنی رعایت عدالت بین کودکان، موجب رضایت قلبی کودکان و مهرورزی و احسان آنان به پدر و مادر می‌شود.

اعتدال:

انگیزه و گرایش درونی انسان در تربیت دینی از اهمیت فراوانی برخوردار است. مطالعه احادیث و سیره عملی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و دیگر پیشوایان دینی نشان می‌دهد که تمام تلاش این بزرگواران در درونی کردن ارزش‌ها و مفاهیم دینی بوده است؛ باید با کودکان به گونه‌ای رفتار شود که با افزایش خودآگاهی، از درون گرایش به ارزش‌های دینی پیدا کنند و با جان‌ودل آموزه‌های دینی و اخلاقی را بپذیرند؛ از این‌رو، تربیت دینی امری پیوسته و مداوم است که باید بدون هرگونه اکراه و اجبار و یا زیاده‌روی و سخت‌گیری بی‌مورد انجام پذیرد تا همیشگی و پایدار باشد.

قاطعیت توأم با منطق:

تأکید و توصیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل‌بیت مبنی بر محبت به کودکان هرگز مانعی در راه تربیت صحیح آنان به شمار نمی‌رفت؛ بلکه آنان همان‌قدر که به فرزندان خود عشق می‌ورزیدند و به تکریم می‌پرداختند، به تربیت و پرورش آنان نیز اهمیت می‌دادند و در این راه قاطعیت و جدیت داشتند. مواردی همچون جدیت در آموزش نماز، دعا، خواندن ذکر و قرآن به فرزندان خود، حتی به کودکان زیر هفت سال و توجه به پرورش و تعلیم آنان، نمونه‌هایی از این مدعاست. و در ماجرای حساسیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت به تربیت دینی خانواده زهرا و فرزندان او به چشم می‌خورد. نقل شده است: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روزی پس از بازگشت از سفر، به منزل زهرا رفت و دید حسنین جلوی خانه ایستاده‌اند و دو دست‌بند

نقره بر دست دارند. پیامبر علی رغم عشق و علاقه و دلبستگی زیاد به آن دو کودک و مادرشان زهرا به درون خانه نرفت و از همان جا بازگشت. فاطمه زهرا که ویژگی های شخصیتی پدر را بیش از همه می شناخت، چون این حالت را مشاهده کرد، دریافت که پدر به دلیل آن دو دستبند نقره ناراحت شده و به خانه نیامده است؛ از این رو آن دو دستبند را از حسنین گرفت و شکست، کودکان، گریه کنان نزد رسول خدا شتافتند و از رفتار مادر شکوه کردند، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دستبند نقره را از آنان گرفت و به ثوبان فرمود: برو و این را به بنی فلان بده، من دوست ندارم اهل بیت من در طول زندگی خود، از این گونه زیورهای اهل دنیا داشته باشند. (ری شهری ۱۳۶۳: ۱۴۵)

رشد دینی و اخلاقی کودک:

در فرهنگ ناب اسلامی و در فرهنگ رضوی توجه ویژه ای به رشد دینی و اخلاقی کودکان شده است؛ برخی موارد نیز به طور ویژه مورد تأکید قرار گرفته است:

نماز: هدف از آفرینش انسان رسیدن به سعادت است. (رازی، ۱۹۸۷: ۲۲۴) عبادت حقیقی، خود مرتبه ای از سعادت با حداقل شرط لازم برای وصول به آن می باشد. (رازی، ۱۴۰۱: ۱۸۹). انسان خلیفه خدا در زمین است. (اعراف، ۱۲۹) این مهم جز با تطهیر و تهذیب نفس و طاعت و بندگی خدا به اندازه توان بشری ممکن نیست. (رازی، ۱۴۰۱: ۱۸۹) سعادت فرزندان در گرو عبادت و عبودیت است. برای آموزش نماز و چگونگی استدلال به فرزندان مناسب است که بگوییم: عزیزم همان طور که کسی به ما هدیه می دهد، باید از او تشکر کنیم، از خدا هم به سبب نعمت هایش به وسیله نماز تشکر می کنیم، چگونه؟ برای تشکر از دیگران دنبال این هستیم که آن ها چه هدیه و تحفه ای را دوست دارند؟ همان را تهیه و تقدیم می کنیم. در مورد تشکر از خدا هم باید ببینیم که او چه چیزی را دوست دارد و چه چیزی را دوست ندارد؟ خداوند در قرآن به این سؤال ما چنین پاسخ داده است: نماز را برای یاد من بخوانید (طه، ۱۴) پس خدا نماز و قرآن

خواندن ما را دوست دارد، چون باعث می‌شود ما از غفلت خارج شویم و خدا را یاد کنیم.
(سید میرزایی و دیگران، ۱۳۸۵: ۶۱)

آموزش قرآن: قرآن کتاب الهی، نور هدایت، شفای سینه از دردهای اخلاقی و راهنما به سوی زندگی برتر است. مرد و زن در برابر این نعمت بی‌نظیر الهی مسؤول و مکلف‌اند، تکلیف آنان یاد گرفتن قرآن و عمل به آیات آن در تمام شئون حیات است. بی‌تفاوتی نسبت به کتاب خدا، گناهی بس بزرگ و معصیتی بس عظیم است. با توجه به این روایات، مسؤولیت سنگین سرپرست خانه روشن‌تر می‌شود. سرپرست خانه لازم است قرآن را فرا بگیرد، و زمینه فراگیری زن و فرزند را نیز فراهم کند، آنگاه همه با هم به کتاب خدا عمل کنند، تا عرصه‌گاه خانه از آلودگی‌ها پاک و به حسنات و نیکی‌ها آراسته شود و در نتیجه خانه و خانواده، نمونه‌ای از بهشت آخرت شود. خانه‌ای که اهله اهل قرآن‌اند، از برکت قرآن رشد عقلی و فکری پیدا می‌کنند که عقل هماهنگ با قرآن، عقل ملکوتی و سودش عبادت حق و تحصیل بهشت جاودانی است. (سالاری‌فر، ۱۳۸۵: ۳۴۳) از این‌رو بسیار لازم و ضروری است که والدین به فرزندان خود قرآن را آموزش دهند و ایشان را در فضایی معطر به عطر قرآن پرورش دهند.

کمک به نیازمندان: نوع دوستی و کمک به دیگران از عالی‌ترین تعالیم دین است؛ چراکه بنی‌آدم اعضای یکدیگرند و سعادت هر فرد در گروهی سعادت جامعه اوست. طعم شیرین نوع دوستی را از همان کودکی باید به ذائقه کودک چشانید. (عطاردی، ۱۳۹۷: ۶۷۶)

نتیجه‌گیری

تربیت دینی فرزندان نیازمند آگاهی والگواست، مربیان اسلامی بایستی در امر تربیت فرزندان و شکوفایی استعدادهای آنان به هر یک از این دو عنصر توجه مبذول نمایند. اسلام برترین الگوهای تربیتی موفق را در عرصه خانوادگی و اجتماعی به ما شناسانده است. تربیت مناسب نسل آینده و آموختن مهارت‌های لازم تربیت فرزند، از جمله مسائلی است که دین مبین اسلام به آن توجه ویژه دارند. مقید شدن تربیت به آموزه‌های دینی و

مذهبی، رمز دست‌یابی به آرامش، سعادت و کمال مطلوب دردنیا و آخرت است. اگر به فرایند تربیت که امری پیوسته و همیشگی است، از دوران کودکی و حتی پیش از آن توجه شود، نتایج فردی و اجتماعی فراوانی به دست می‌آید. البته تأکید آموزه‌های دینی و روان‌شناسی بر دوران کودکی، به این معنا نیست که جریان رشد و تربیت انسان، تنها محدود به این دوره است، بلکه پرورش و تربیت انسان در سراسر عمر او تداوم دارد و امکان تحول و سازندگی نیز همواره وجود دارد. در میان رشد انسان، دوران جنینی، شیرخوارگی و هفت سال اول بیش از دیگر مراحل مورد توجه روان‌شناسی و پیشوایان دینی قرار گرفته است؛ از این رو، آگاهی والدین و دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت از مراحل رشد، ویژگی‌ها، انتظارات و نیازهای کودک در هر دوره، در دست‌یابی به اهداف تربیتی تأثیرگذار است. همچنین اصول تربیت دینی که مورد توجه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و مربیان دینی بوده است، باید در امر تربیت دینی در نظر گرفته شود. مربی اسلامی در تلاش است در گام نخست عقاید و تفکرات فراگیران را قاعده مند بسازد و در مرحله بعدی اخلاق، آداب، رفتار و روابط فردی و اجتماعی شخص را در قالب دینی صورت بندی نماید. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که محبت، تکریم، رعایت عدالت، میانه روی، قاطعیت، توجه به رشد دینی و اخلاقی فرزندان از جمله زیرساخت‌های تربیت فرزندان در رویکرد دینی است.

سرچشمه‌ها

- قرآن کریم.
- ابن منظور (۱۴۱۳)، *لسان العرب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، سوم.
- ابن ابی‌الحدید معتزلی (۱۴۰۴)، *عبد الحمید*، شرح نهج البلاغه، ج ۹، قم، انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵)، *مقدمه ی ابن خلدون*، مترجم محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ هشتم، جلد دوم.

- ابوبالبی، مهدی (۱۳۸۸)، تربیت دینی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)؛ چاپ سوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- آشتیانی، میرزا احمد و شاگردان (۱۳۶۳)، طرائف الحکم یا اندرزهای ممتاز؛ چاپ سوم، تهران: کتابخانه صدوق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۴)، صحیح بخاری، ج ۷، بیروت، دارالفکر.
- حسینی زاده، علی (۱۳۸۲)، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، سوم.
- داودی، محمد (۱۳۸۶)، سیره پیامبر و اهل بیت در تربیت دینی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، سوم.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۵)، سیری در تربیت اسلامی، تهران: ذکریا، چهارم.
- رازی، فخر الدین (۱۴۰۱)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب) بیروت: دار الفکر، الطبعة الاولى.
- رازی (۱۹۸۷)، الطالب العالی من العلم الاهی، بیروت، لبنان، دارالکتب العربی، الطبعة الاولى.
- سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۵)، نظام خانواده در اسلام؛ قم: هاجر.
- سید میرزایی و دیگران، داود (۱۳۸۵)، آداب و آفات تربیت کودک و نوجوان؛ بی جا، احمدیه.
- سیف، سوسن و دیگران (۱۳۸۲)، روان شناسی رشد، تهران: سمت.
- عطاردی، عزیزالله (۱۳۹۷)، اخبار و آثار حضرت امام رضا، تهران: کتابخانه صدر.
- معتزلی، ابن فهد (۱۴۰۷)، عدة الداعی و نجاح الساعی، دار التکاب اسلامی - قم، چاپ: اول.

بیناد های تربیتی فرزندان در خانواده : رویکرد دینی. / ۱۳۷

- مالک بن انس، کتاب المؤطا (۱۴۰۶)، تحقیق محمد فؤاد باقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶، ج ۲.
- متقی هندی (۱۴۰۹)، علماءالدین؛ کنز العمال؛ بیروت: الرسالة.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۳)، میزان الحکمة؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- مهدوی، محسن (۱۳۸۳)، فلسفه تاریخ ابن خلدون، مترجم مجید موسوی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ چهارم.

مسجد جامع هرات؛ نمادی از هنر و معماری اسلامی

پوهنوال زلمی هوتک*

*استاد پوهنتون کابل و همکار قلمی مجله علمی - تحقیقی دعوت

zalmaihtak@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۸

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

چکیده:

مسجد جامع هرات یکی از مساجد بزرگ جهان اسلام و محل تجمع علما و فضلا عصر خویش می‌باشد که این مسجد از جایگاه تاریخی و هنری خوبی برخوردار می‌باشد. مقاله کنونی به بررسی توصیفی این مسجد و چگونگی به‌کارگیری هنر معماری و تزئینی، به عنوان نمادی از هنر معماری اسلامی پرداخته است. پرسش محوری تحقیق کنونی این است که آیا مسجد جامع هرات می‌تواند به عنوان نمادی از هنر معماری اسلامی باشد؟. فرضیه غالب این بوده که اختلاط هنر معماری و هنر تزئینی در مسجد هرات که در روی دیوارها، مناره‌ها و رواق‌های مسجد کار شده است، نشان دهنده هنر معماری در تاریخ اسلام می‌باشد. مقاله هذا از نوع تحقیق توصیفی بوده که اطلاعات آن به شیوه کتاب‌خانه‌یی جمع‌آوری شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که مسجد جامع هرات نظر به موقعیت جغرافیایی محل امتزاج هنرهای متعدد از قبیل هنر خطاطی، کاشی‌کاری، موزائیک‌کاری و رواق‌سازی بوده و نمونه‌های خوب و مکملی از ایوان‌ها را می‌توان در آن مشاهده نمود که این خود بیانگر نمادی برجسته‌ای از هنر معماری اسلامی به شمار می‌باشد.

کلید واژه: هنر معماری اسلامی، مسجد جامع هرات، ایوان، کاشی‌کاری، گنبد، مناره،

رواق و آبد.

مقدمه

افغانستان با توجه به داشتن موقعیت خاص جغرافیایی و استراتژیکی از جمله کشورهای آسیایی و محاط به خشکه می‌باشد که با وجود آن درخود مدنیت‌های بزرگ بشری را پرورانیده و نیز به درجه رشد و کمال رسانیده است که می‌توان از تمدن‌های آریایی، یونان باختری، بودایی و اسلامی نام برد. درصدر اسلام به خصوص زمانی که دین مقدس اسلام به افغانستان رسید، مردم افغانستان بعد از گرویدن و قبول کردن دین اسلام، شهکاری بی نظیری از خود نشان دادند که نظیر آن در جهان کمتر به ملاحظه می‌رسد که بیشتر در بخش هنر و معماری اسلامی آثار و آبدات مشهور چون مساجد، مقابر، کاروان‌سراها، مناره‌ها و غیره می‌توان این شهکاری‌ها را مشاهده نمود. مسجد جامع هرات یکی از نمونه‌های با ارزش و مهم هنر و معماری اسلامی به شمار می‌رود که بازمانده هنر معماری عصر تیموری بوده و بیش از ۱۴۰۰ سال قدامت دارد.

دین مقدس اسلام بعد از خلفای راشدین در زمان امویان تا دورترین نقاط جهان پخش و نشر گردید که در قاره آسیا مردم افغانستان هم به دین اسلام مشرف شدند و دین اسلام را قبول کردند، بناً ضرورت دیده می‌شد که محلات برای عبادت و هم تجمع مسلمانان داشته باشند؛ لذا به اعمار مساجد و عبادتگاه‌ها دست زدند که یکی از آن‌ها مسجد جامع هرات می‌باشد. (هوتک، ۱۳۹۵: ۱۷) ولایت هرات با وجود سابقه تاریخی و باستانی از نگاه جیوپولتیک دارای موقعیت بی نهایت مهم و اساسی در طول تاریخ بوده و هم از نگاه فرهنگی ولایت خیلی غنی به شمار می‌رود به خصوص در بخش هنر خطاطی، نقاشی، رسامی، کاشی‌کاری و میناتورری و داشتن آبد‌های بی‌شمار از دوره‌های مختلف خصوصاً دوره اسلامی نظیر ندارد و هنرمندان مستعید از گوشه و کنار جهان درین جا

مسجد جامع هرات؛ نمادی از هنر و معماری اسلامی. ۱۴۱/

تجمع کرده و آثار گرانبها را ایجاد نموده و به نمایش گذاشتند که کمال هنری، معماری، خطاطی، نقاشی و شاعری را می‌توان در آن مشاهده نمود. پرسش اینجاست که آیا مسجد جامع هرات می‌تواند به عنوان نمادی از هنر معماری اسلامی باشد؟. فرضیه غالب این است که اختلاط هنر معماری و هنر تزیینی در مسجد هرات که در روی دیوارها، مناره‌ها و رواق‌های مسجد کار شده است، نشان دهنده هنر معماری در تاریخ اسلام می‌باشد. تحقیق کنونی از نوع تحقیق توصیفی می‌باشد که با استفاده از روش کتاب‌خانه‌یی کار شده است.

پیشینه تحقیق

در رابطه آبدۀ تاریخی مسجد جامع هرات تعداد زیادی از محققان و دانشمندان تحقیقات علمی نموده و مطالب به دست نشر سپرده اند. یکی از این آثار «آشنایی با آبدۀ‌های تاریخی افغانستان» تألیف محمد عظیم عظیمی که در سال ۱۳۸۹ هـ ش توسط انتشارات فرهنگ در کابل چاپ و نشر گردید. عظیمی در این اثر جنبه‌های تاریخی این آبدۀ را به معرفی گرفته است. اثر دیگر تألیف سید رضا حسینی تحت عنوان «مقدمه بر معماری و شهرسازی افغانستان»، که در سال ۱۳۹۲ شمسی توسط انتشارات خراسان زیور چاپ یافته است. در این اثر در مورد «مدرسه غیاثیه» مسجد جامع بحث شده است. همچنان اثر دیگر تحت عنوان «آثار هرات» نوشته خلیل الله خلیلی بوده که در سال ۱۳۸۲ هـ ش توسط مطبوعه عرفان چاپ شده و معلومات کافی در مورد آبدۀ‌های هرات پیشکش نموده است. بالترتیب «معماری جهان اسلام» تألیف جورج میشل، ترجمه یعقوب اژند که در سال ۱۳۸۰ در تهران توسط انتشارات مولی چاپ شده است. این محقق زیادتر در مورد خصوصیات هنری آبدات اسلامی بحث نموده است. لطف الله

حکیمی در اثر خویش تحت عنوان «هرات باستان و بناهای تاریخی» که توسط مطبعه فرهنگ در سال ۱۳۸۹ در کابل چاپ شده روی سوابق تاریخی مسجد اشاره نموده است. همچنان علی راهجری در کتاب تحت عنوان «تاریخ مختصر خط و سیر خوشنویسی» چاپ مطبعه مشعل آزادی در سال ۱۳۸۰ در تهران در مورد خط و نمونه‌های آن بحث کرده است که در کتیبه‌های مسجد جامع هرات می‌توان آن را مشاهده نمود. بناً واضح است که تحقیقات قبلاً در این زمینه صورت گرفته است؛ اما آنچه که بنده را انگیزه و تحرک بیشتر بخشید تا این مسجد را منحصراً نمادی از هنر و معماری اسلامی معرفی نمایم که تمام زوایای ناگفته مسجد جامع هرات را در این پژوهش تحقیقی انعکاس داده بتوانم آنچه که مهم است هنرهای به کار رفته به خصوص هنرهای تزئینی در معماری مسجد جامع هرات با سوابق تاریخی آن می‌باشد که در این مقاله با جزئیات روی آن بحث می‌گردد.

مفهوم شناسی هنر

هنر را به عنوان «استفاده از توانایی و تخیل در خلق آثار زیبا، محیطی با تجاربی که می‌توان با دیگران تقسیم شود» تعریف می‌کنند. البته هیچ توافق جامعی از این‌که چه چیزی اساس هنر را تشکیل می‌دهد، وجود ندارد. ذات هنر و مفاهیم مرتبط، مانند زیبایی و خلاقیت، در شاخه از فلسفه به نام فلسفه هنر و زیباییشناسی بررسی می‌شود.

هنر مجموعه‌ای از آثار یا فرایندهای ساخت انسان است که برای اثرگذاری به احساسات و هوش انسانی یا به منظور انتقال یک مفهوم، خلق می‌شود. امر هنری همیشه با زیبایی همراه نبوده ولی همواره با خلاقیت انسان همراه بوده است. همچنین می‌توان گفت که هنر، توانایی و مهارت آفریدن است. از مهم‌ترین رشته‌های هنری می‌توان به هنرهای

مسجد جامع هرات: نمادی از هنر و معماری اسلامی. /۱۴۳

تجسمی و نقاشی، طراحی، تندیس‌گری، عکاسی، خوش‌نویسی و چاپ، هنرهای نمایشی، تیاتر و دیگر هنرهای صناعی، موسیقی، ادبیات، شعر، داستان، سینما و معماری اشاره کرد. هنر در ادبیات اسلامی به معنای دلیری، کمال، فضل، تقواء، دانش و غیره به کار رفته است که دارای بار معنایی عام می‌باشد. یا هنر کوششی است برای آفرینش صور لذت‌بخش که حس تشخیص زیبایی ما را ارضاء کند و این حس وقتی ارضاء می‌شود که ما نوعی وحدت یا هماهنگی حاصل از روابط صوری در مدرکات حس خود دریافت کرده باشیم. (اغوانی، ۱۳۶۵: ۱۲۰) هنر تجلی احساسات نیرومندی است که انسان‌ها آن را تجربه کرده است، این تجلی ظاهری به وسیله خط‌ها، رنگ‌ها، حرکات و اشارات، اصوات و کلمات صورت می‌پذیرد. (اغوانی، ۱۳۸۵: ۱۰)

کلمه هنر به معنای عام، نتیجه گرفتن از دانایی به وسیله توانایی و عمل است. (آوینی، ۱۳۷۹: ۷۵) نیچه می‌گوید هنر گل زندگی است و هنرمند دوست واقعی بشر است که این گل خشو بو را برایت هدیه می‌کند.

از آنچه که ذکر شد چنین نتیجه گرفته می‌شود که در ابتداء امر هنر معنای ساخت را داشته است و به تدریج هر چه ذوق آدمی لطیف‌تر گشته تجسس زیبایی با امر هنر بیشتر توأم شده است تا سرانجام زیبا و هنر تلفیق گشته است که به عنوان سودای عرفانی و علو روحانی تعبیر شده است. خلاصه این که هنر بیان احساس و عاطفه آدمی و برداشت او از زندگی و جهان هستی است. آثار هنری همواره موجود بوده و جاویدانه وجود خواهد داشت و برای سعادت بشری اصل اساسی به شمار می‌رود. آثار هنری تجارب انسانی هستند که شکل به خود گرفته و ما از دریچه حواس خویش به آن‌ها می‌نگریم و لذت می‌بریم.

هنر و معماری اسلامی

هنر اسلامی که در قرن هفتم میلادی آغاز می‌شود، درست زمانی که معماری‌های بیزانس کاملاً شکل گرفته بود، به ظهور می‌رسد، خصوصاً در آبدات، متأثر از آنها می‌گردد. در بعضی مناطق که هنر و تمدن اسلامی شکل گرفت، مناطقی هستند که در آن هنر بیزانس ریشه عمیق خود را فرو نبرده بود. به جای پذیرفتن شیوه‌های بیزانس، هنر اسلام به سرچشمه‌های بر می‌گردد که در آن، این نوع شیوه‌ها به وجود آمدند و با الهام گرفتن از اصول و ارزش‌های دینی موفق می‌شوند که دست به اعمار آبدات بزنند و هنر خاص خویش را پدید آورند که هنر و معماری اسلامی نامیده می‌شود.

وقتی به هنر تعبیر "اسلامی" اطلاق می‌شود و به اقوامی اشاره می‌کند که زیر نظر حکام مسلمان می‌زیستند و یا در فرهنگ‌ها و جوامع زندگی می‌کردند که به شدت متأثر از ویژگی‌های خاص حیات و اندیشه اسلامی بوده‌اند. (ریچارد اتینگهاوزن، ۱۳۸۱: ۱)

کانون این هنر طی قرون هفتم و هشتم میلادی دمشق و قاهره بود و در حوالی قرن نهم به بغداد و بعداً به دیگر نقاط جهان منتقل شده‌اند. مذاهب هنر اسلامی در سوریه پایه‌گذاری و آشکار شد. با ظهور دین مقدس اسلام و هجرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) از مکه به مدینه در سال ۶۲۲ م، تمدن اسلامی تهداب‌گذاری و به تدریج گسترش یافت، و با سرعت بی‌سابقه تمام سرزمین‌های خاورمیانه، قسمت‌های از شبه قاره هند و شمال آفریقا را فرا گرفت و در سال ۷۱۰ م سپاهیان اسلام از تنگه جبل الطارق گذشته و وارد اسپانیا شدند. مسلمانان در صدد تسلط بر تمام اروپا بودند. هنر اسلامی یکی از ارزش‌های شکوهمند تاریخ و هنر و هم یکی از با ارزش‌ترین دست‌آورد بشری در

عرصه هنری به شمار می‌رود و شامل انواع هنر از قبیل معماری، خوش‌نویسی، سفال‌گری، نقاشی و امثال آن می‌گردد.

هنر و معماری اسلامی برای رشد، انکشاف و گسترش خویش از منابع متعدد الهام و الگو برداری نموده است. مثال از هنر رومی، هنر مسیحی و هنر بیزانس در هنر معماری اسلامی اولیه اثر گذار بوده است، خصوصاً در نقاشی اسلامی، سفال‌گری، منسوجات و آبدات نقش بارز داشت. مسلمانان با استفاده از سفال، مس، برنج و شیشه ظروف و اشیای مختلف می‌ساختند. در چراغ‌های مسجد از شیشه‌های لعاب‌دار، کاشی‌های نقش‌دار جهت زیبایی و تزئین استفاده می‌شد. هنر کتاب‌آرایی هم نقش مهم را در هنر اسلامی ایفاء نموده است. اسلام منسوب به امر خداوند (ج) می‌باشد و معماری تجربه بشری است. اسلام در همه جا ثابت و معماری متغیر، متناسب با اقلیم، فرهنگ و جغرافیه می‌باشد. معماری یکی از مهم‌ترین نمونه‌های هنر اسلامی بوده به خصوص مساجد چهار ایوانه و ستون دارد که معرف هنر معماری اسلامی است. این آبدات با شکوه می‌تواند تأثیر فرهنگ‌های متفاوت در تمدن اسلامی را نشان دهد. به گونه مثال عناصر رومی، بیزانس در شمال آفریقا و اسپانیا به وضوح قابل ملاحظه می‌باشد.

تاریخچه مسجد

مسجد جامع هرات یکی از محدود بناهای مقدس تاریخی اجداد هنرمند و هنرآفرین ما است که در سال ۲۶ هـ ق رسماً به صورت مسجد در آمد. بنا اصلی مسجد در قرن اول تا پنج هجری چوبی و منقوش بود که به اثر حادثه آتش‌سوزی در شب جمعه هشتم جماد اول ۶۱۶ هـ ق قسمتی بزرگ از مسجد حریق گردید. مسجد جامع به شکل کنونی آن توسط سلطان غیاث الدین بن محمد بن سام غوری هنگامی که هرات را پایتخت

خویش قرار داد طرح‌ریزی گردید. چنان‌که در یکی از رواق‌های این مسجد نام سلطان غیاث الدین غوری به خط کوفی نوشته شده است. این بنا در اثر حمله چنگیز ویران گردیده و ملک غیاث الدین کرت و بعد ملک معزالدین آن را ترمیم کردند.

در دوره تیموریان بار اول شاهرخ میرزا آن را مرمت نموده و اسم موصوف نیز در یکی از رواق‌های مسجد حک شده است؛ ولی ترمیم اساسی مسجد در زمان سلطان حسین بایقرا و وزیر دانشمند امیر علی شیرنوایی در سال ۹۵۴ هـ ق وقتی که رواق‌های عمده مسجد شکست کرده بود به آن عمارت دیگر نیز افزوده شد که قرار معلوم این ترمیم و تعمیر اضافی جدید از اصل عمارت زیادتر بود. در همین سال منبر جدید از سنگ مرمر سفید یک پارچه به جای منبر چوبین سابق آن تراشیده شده که سنگ آن را از مناطق دور آورده و در هرات به ساختن آن سعی بسیار بخرچ داده شد. (فولادیان، ۱۳۶۲: ۱۶)

بعد از وفات غیاث الدین محمد برادرش سلطان شهاب الدین غوری که سرزمین خراسان را حراست می‌نمود، به واسطه جنگ و جدال معترضین خراسان خصوصاً سلطان محمد خوارزم شاه از تکمیل مسجد جامع محروم ماند تا بعد از فتح هند به سال ۶۰۲ هـ ق در محل دهیک از نواحی شهر غزنی کشته شد، برادر زاده اش غیاث الدین محمود پسر سلطان غیاث الدین بر تخت سلطنت جلوس نمود و در عصر همین سلطان بود که این مسجد جامع و متبرک به کمال آبادی و زیبایی رسید. (فکری، ۱۳۶۲: ۲۲)

سبک‌های هنری مسجد

صحن مسجد که در وسط آن حوضی بزرگ قرار دارد، یک محوطه مستطیلی شکل را به خود گرفته که چهار طرف آن را بنای مسجد احاطه کرده است. این مسجد با فضای متعدد مثل چهار ایوان، شش دروازه، چهار صد و هشتاد گنبد، یکصد و سی رواق، چهار

مسجد جامع هرات؛ نمادی از هنر و معماری اسلامی. ۱۴۷/

صدو چهل ستون، یک مدرسه علمیه بزرگ با مجموعه از آجر کاری‌ها، کاشی کاری، گچ‌بری‌ها، نقاشی‌ها خطوط زیبایی کوفی، ثلث و نستعلیق، تاریخ خلاصه شده از هنر این سرزمین است.

موضوع جالب و قابل دقت در ساخت مسجد جامع هرات سیر تاریخی اعمار آن می‌باشد که ساخت این مسجد را به یک دوره و سبک معماری خاص محدود نکرده و اجازه شرکت سبک‌های معماری غوری، تیموری و حتی اکثر اقوام حکمران این سرزمین را در ساخت این مسجد داده است که البته این مورد را به عنوان یکی از محاسن این بنا می‌توان مشاهده نمود. در گوشه از صحن مسجد هرات دیگ بزرگ برنجی جلب توجه می‌کند. این دیگ از لحاظ ساخت و تزئیناتش یکی از شهکاری شگفت‌انگیز تاریخ هنر و صنعت به شمار می‌رود. در گذشته در روزهای خاص درین دیگ شربت تهیه گردیده و به مردم توزیع می‌شد. مسجد جامع هرات، خلاصه یا نماد از معماری اسلامی بوده و یکی از مساجد بزرگ افغانستان و پنجمین مسجد بزرگ جهان اسلام در وقت خویش بوده است که پس از چند قرن، هنوز هم اوج معماری غوری و تیموری در آن به وضاحت دیده می‌شد. (فدالیان، ۱۳۸۵: ۱۱۹)

چهار ایوان بزرگ به چهار سمت در حصه وسطی نهاده شده و هر کدام از حیث وسعت و بزرگی خود به شکوه و عظمت این بنا می‌افزاید. صحن مسجد هرات ۴۹۲۰ متر مربع و در وسط آن حوض کلان و پخته قرار دارد و در یک گوشه چاهی حفر شده که آب وافر و خوش گوارا دارد. (عظیمی، ۱۳۹۰: ۲۰۵)

در معماری تزئینی، هر نقش دارای ارزش صوری خود، دارای ارزش برگرفته از فرهنگ و بیانگر عقیده و ارمان تداوم یافته‌ای مردم جامعه در نسل‌ها است. آرایه‌های معماری از یک

سو ذهن بیننده را به زیبایی صوری و ظاهری نقش‌ها و نوع کاربری فضاهای بنایی که نقش و نگارها بر دیوارهای آن نشسته فرا می‌خوانند و از سوی دیگر دیدگاه بیننده را به قلمرو راز و رمزهای فرهنگی و دینی پوشیده در مفاهیم نقش می‌گشاید. معلوم است که در گذشته اکثر حصص مسجد کاشی کاری بوده و در آن با اقسام خطوط شعبه الواح مقدس از قبیل آیات قرآنی و احادیث نبوی نوشته شده بود.

نمای بیرونی آبدات تیموری‌ها یک ویژگی عمده دارد که آن‌ها را از آبدات ماقبل متمایز می‌سازد و آن اینکه این عمارات ارتفاع بیشتر دارند، تزئین سه بعدی کمتر در آن به نظر می‌خورد. در حالی که کاشی به رنگ‌های مختلف در آن به کار رفته است. از فاصله‌های دور گنبد‌های آسمانی رنگ تیموریان توجه بیننده را به خود جلب می‌کند. از نظر کاشی‌های رنگین حتی می‌توان ابراز نظر کرد که رویکار یک بنای عهد تیموری یک تابلوی میناتور است.

در اکثر آبدات تیموریان جزء اصلی ساختمان را خسته پخته مربع شکل تشکیل می‌دهد و در بعضی قسمت‌ها بر بالا کمان‌ها و قسمت زیرین گنبد‌ها از چوب به حیث مقاوم برضد قوای کشش و تنش استفاده به عمل آمده است مواد ساختمانی معمولاً چونه و گچ و مخلوط‌های مختلف دیگر است گاهی از گل نیز به ملاط استفاده شده است. غوره گل و گاه گل در بالای سقف‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. کاشی نیز به حیث جز تزئینی زیاد موارد استفاده داشته است گچ برعلاوه ملاط بودن در تزئینات مقرنس کاری و گچ بری‌های داخل بنا به مقدار زیاد استفاده شده است. (پولادیان، ۱۳۶۲: ۸)

کاشی کاری مسجد

در اکثر آبدیه‌های عصر تیموریان به خصوص مسجد جامع هرات، از کاشی استفاده به عمل آمده است. یکی از دلایل استفاده از کاشی، مقاوم بودن آن در برابر حوادث چون باد و باران، آفتاب، عناصر کیمیاوی و کشش‌های فیزیکی در ساختمان است. رنگ آمیزی و دیزاین کاشی‌ها همچنین باعث القای فضای بیهشتی و ایجاد آرامش روح و روان می‌شود علت کاربرد از نقوش هندسی و گیاهان در کاشی کاری‌ها نیز این است که پایه و رسامی این نقش دایره است و دایره در هنر اسلامی نمادی از کمال می‌باشد دایره همچنین سبب جلب توجه بیننده به سوی مرکز می‌شود.

رنگ در کاشی کاری اسلامی نیز از جالب‌ترین نمونه‌های نمادین در هنر اسلامی می‌باشد، به عنوان مثال رنگ آبی و لاجوردی در هنر اسلامی، نمادی از آسمان لایتناهی همراه با آرامش باطنی است و منظور از رنگ‌های آبی کاشی کاری و خاکی اجر کاری رنگ‌های زمین و آسمان است که در عین تنوع تضاد دارای هماهنگی و دلنشینی می‌باشد.

وقتی که انسان از دهلیز داخل صحن مسجد جامع هرات می‌شود رواق مرکزی در دست راست پدیدار می‌شود. سطح این دهلیز به خشت فرش شده است و سقف آن منقوش به قوس آبی رنگ می‌باشد. صحن مسجد خیلی وسیع است. ایوان مسجد را دو مناره عالی در آغوش کشیده و آن را گلدسته می‌خوانند. خطوط زیبای دری و عربی زینت‌های اسلامی را جدا می‌کند. آیات کلام الله مجید در بخش‌های بالایی دیوار حکایت از معراج پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) دارند. روی استوانه رواق‌ها اشعار دل کش دری از گنجینه اشعار خواجه عبدالله انصاری، مولانا عبدالرحمن جامی، سعدی، حکیم سنایی اقباس یافته است. محراب و منبر از رخام مرمر عالی تشکیل شده است. آنچه را از دوره تیموریان در مسجد به خوبی مشاهده نمود باقی مانده کاشی‌های معرق به رنگ آبی، طلایی با دیزاین‌های که احساس عشق و جنبش حرکت در خلال نمونه‌ها وجود دارد. (همایون، ۱۳۸۰: ۱۹) موضوع جالبی در معماری عصر تیموری جلب توجه می‌کند این

است که پلان آبدات تیموری در مجموع بر روی یک محور کاملاً متناظر اعمار شده و بروی محورهای فرعی عمود بر محور اصلی بر فضا به تنهایی خود یک تناظر دومی را القا می‌کند.

با وجود آنکه تناظر و توازن قواه و اداره از جانب کمان‌ها و گنبد‌ها در پلان در نظر گرفته می‌شد، از حجم داخلی دیوارها نیز به اهداف گوناگون استفاده به عمل آمده اتاق‌های کوچک دیگر در بین‌شان تبعیه گردیده است. در آبدات تیموری و مخصوصاً در پلان‌های افتاده آن گاهی تشابهات زیادی را می‌توان دریافت نمود به خصوص زمانی که این آبدات توسط عین مهندس و یا معماری ساخته شده باشند. آبدات تیموری از لحاظ ساحه اشغال شده توسط آن‌ها از آبدات قبلی بزرگتر هستند. (سالک، ۱۳۶۲: ۱۳)

مسجد هرات یکی از مساجد بزرگ جهان اسلام بوده و در مورد سابقه تاریخی و ارزش هنری و به خصوص معماری آن تعداد زیاد از مورخین، جهانگردان و دانشمندان در آثار خویش از شهرت و زیبایی این بنیاد معظم یاد آوری نموده‌اند. نخستین جغرافیه‌دان عرب که از مسجد جامع هرات ذکر و یادآوری نموده است ابوالسحق ابراهیم بن محمد اصطخری می‌باشد که در نیمه اول قرن چهارم هجری به سر می‌برد. در کتاب مشهور «الممالک و المسالک» در مورد هرات چنین ذکر نموده است: «مسجد در وسط شهر است بازار در اطرافش قرار دارد در خراسان، ماورالنهر و سیستان هیچ مسجدی به پایه آن نرسد.» (غوری، ۱۳۷۸: ۱۴۷)

عبدالرزاق ثمرقندی مؤلف مطلع السعدین درین مورد معلومات بیشتر می‌دهد (مدرسه غیاثیه به طرف شمال مسجد جامع هرات که از مشاهیر مدارس است او اعمار نموده و اوقافی جهت عمارت این مدرسه و وظایف امام و خطیب و حافظان و موزنان و مقربان مسجد هرات اهدا کرده است.)، (فکری، ۱۳۶۲: ۳۲)

سید رضا حسینی در اثرش تحت عنوان «مقدمه بر تاریخ معماری و شهر سازی افغانستان» در رابطه مسجد هرات می‌نویسد: «مسجد جامع هرات یا مسجد جمعه هرات از

مسجدهای کهن با معماری با ارزش در شهر هرات است که بیشتر گسترش آن در دوره طلایی عهد تیموریان بوده است. ولی بخش کوچک از مسجد غوریان در درب وردی جنوبی باقی مانده است. تزئینات دوره غوری بعدها زیر کار تزئین دوره تیموریان که مسجد را به ذوق و سلیقه خود تزئین نمود مخفی ماند که در سال ۱۹۶۹ م کارشناسان آن را بازیابی نمودند». (حسینی، ۱۳۹۲: ۲۸۲)

خلاصه این که مسجد جامع هرات از نگاه هنر معماری و تزئینات به کار رفته آن از جمله آبداهای مشهور جهان اسلام می‌باشد. تمام مهارت‌ها و ظرافت‌های که در مسجد جامع هرات به کار رفته از صنعت جمیل و ظریف و حکایت از مهارت دقیق و چهره دستی کارگران و استادان این بنای عالی می‌نماید و انسان تعجب می‌کند که چطور توانسته اند با یک مشت گل و گچ چنین هنری از خود به یادگار بگذارند که هنوز پس از چندین قرن مایه مباهات و شگفت بیننده باشد.

نتیجه‌گیری

آبدات دوره تیموریان از لحاظ مهندسی و معماری یک دوره درخشان را در تاریخ معماری کشور ما تشکیل می‌دهد. درین عصر ابتکار و نوآوری در تمام هنرها و به خصوص در هنر معماری به وجود آمد. معماران تیموری در ساختن آبدات متناظر را در هر دو محور اصلی کاملاً مراعات می‌کردند، تاکید خاص به روی کار و رو نمای آبدات داشتند و همچنین استعمال رنگ فراوان به خصوص کاشی و در کاشی کاری هم استفاده از کاشی معرق با تزئینات نباتی و هندسی، استعمال زیاد رنگ‌های آبی و لاجوردی در کاشی کاری گنبدها، ابتکار ساختن استوانه طویل برای گنبد و ساختن گنبد‌های دو پوشی و سه پوشی، استفاده از خطوط گوناگون بر روی کاشی و تزئینات عمارت و اعمار ایوان‌های مرتفع در مساجد و مقابر می‌باشد، ملاحظه می‌گردد. مختصر می‌توان گفت که مسجد جامع هرات نماد کامل از هنر و معماری اسلامی به شمار می‌رود که گویا زنده و

مثال برجسته پویایی و شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی و نقش آفرینی مردم این مرزبوم در رشد و اعتلای این تمدن بوده می‌تواند.

پیشنهادات

طوری که از لابلای مطالعه و وضعیت فعلی مسجد هرات بر می‌آید جهت حفظ و نگهداشت مسجد جامع هرات من حیث گنجینه بزرگ تمدنی و ارزش پربها اسلامی موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد:

● در گذشته در گمرک ولایت هرات ۲ فیصد از مجموعه عواید به مصارفات و ترمیمات مسجد جامع اختصاص داده شده بود پیشنهاد می‌گردد تا این پروسه دوباره احیا گردد.

● یک موسسه خیریه جهت جلب مساعدت یعنی یک صندوق خیریه به خاطر مسجد ایجاد شود.

● از تخریبات احتمالی به اسرع وقت جلوگیری به عمل آید.

● احیاء و نصب کتیبه‌های مفقود شده اگر کتیبه یافت نشود از روی اسناد و مدارک تاریخ ثبت شده کتیبه‌های جدید ساخته شود.

● کارخانه‌های کاشی‌سازی در داخل مسجد، محل که به همین منظور وجود دارد انکشاف داده شود و این صنعت ظریف رونق و رشد نماید.

● دولت به خصوص وزارت اطلاعات و فرهنگ در جهت ثبت این آبده در سازمان میراث‌های فرهنگی جهان تلاش نماید.

● حکومت و دولت زمینه‌های سیاحتی را جهت بازدید از این آبده اسلامی مساعد نماید.

● حمایت شواری علمای هرات و وزارت حج و اوقاف در زمینه جلب گردد.

سرچشمه‌ها

الف: کتاب‌ها

- اغوانی غلام رضا (۱۳۶۵)، حکمت و هنر معنوی، تهران: نشر گروس.
- اغوانی غلام رضا (۱۳۸۵)، دین و هنر، تهران، رواق اندیشه.
- آوینی سید مرتضی (۱۳۷۹)، رستاخیز جام، تهران: نشر ساقی.
- حسینی، سید رضا (۱۳۹۲)، مقدمه بر تاریخ معماری و شهرسازی افغانستان، کابل انتشارات خراسان.
- ریچارد اتینگهاوزن گرابر (۱۳۸۱)، هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر لیلی.
- سلجوقی، فکری (۱۳۶۲)، بخش از تاریخ هرات باستان، اکادمی علوم.
- عظیمی، محمد عظیم (۱۳۹۰)، افغانستان و نقاط شگفت انگیز آن، کابل: نشر الهدی.
- فدائیان، مجید (۱۳۸۵)، هرات امروز و دیروز مترجم مریم بهرامیان. تهران وزارت امور خارجه.
- مستمندی غوری، غوث الدین (۱۳۷۸)، تاریخ مختصر غور، مطبعه دولتی کابل.
- همایون، سرور (۱۳۸۰)، هرات در دوره تیموری‌ها، پیشاور، اریک.
- هوتک، زلمی (۱۳۹۵)، مشخصات آبادات عصر اسلامی در افغانستان، کابل: مطبعه الهدی.

ب: مقالات

- پولادیان، عبدالجلیل، تاریخچه مختصر مسجد جامع هرات، «مجله باستانشناسی وزارت اطلاعات و فرهنگ» شماره اول، دور ششم، سال ۱۳۶۲.
- سالک، شکیب، هنر معماری تیموریان هرات باستان، «کادمی علوم»، شماره چهارم دوره پنجم، سال ۱۳۶۲.

شرایط تدوین مقاله علمی تحقیقی برای مجله علمی -

تحقیقی دعوت

▪ ساختار مقاله

- ساختار مقاله: مقاله دارای ساختار علمی، قدرت استدلال و نوآوری بوده و اصل صداقت و امانت‌داری در آن رعایت شده باشد.
- عنوان: عنوان مقاله کوتاه، گویا، جذاب، جدید، دارای قلمرو مشخص بوده و بیان‌کننده محتوای مقاله باشد.
- چکیده: حداکثر ۱۵۰ کلمه بوده و باید حاوی سوال اصلی، فرضیه، روش تحقیق و یافته‌های تحقیق باشد.
- واژگان کلیدی: واژگان کلیدی باید بین پنج تا هفت کلمه پس از چکیده آورده شود.
- مقدمه: شامل بیان مسأله، اهمیت، ضرورت، سوال، فرضیه، روش تحقیق، نوع تحقیق و پیشینه تحقیق باشد.
- متن اصلی: (الف: بیان موضوع؛ ب: عنوان‌های اصلی و فرعی؛ ج: متن مقاله؛ د: پی‌نوشت‌ها؛ ه: فهرست منابع و چکیده انگلیسی).
- نتیجه‌گیری و نوآوری: مقاله شامل نتیجه‌های جدید به دست آمده از تحقیق باشد و جنبه نوآوری آن مشخص شود.

■ شیوه مرجع‌دهی

ماخذدهی به منابع باید به روش درون‌متنی (APA) بعد از نقل مطلب، درون قوس بیاید: (نام صاحب اثر، سال انتشار: شماره صفحه). مثال: (کازنو، ۱۳۶۴: ۷۷)

■ نحوه نگارش منبع در فهرست منابع

مشخصات کتاب‌شناختی منبع‌ها (در دو بخش فارسی و انگلیسی) به ترتیب حروف الفبا و به شرح زیر در پایان مقاله بیاید:

مرجع‌دهی از کتاب: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان کتاب (به شکل بولد)، (نام مترجم یا مصحح)، محل انتشار، نام ناشر، (نشر اصلی).

مرجع‌دهی از مقاله: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان کامل مقاله، نام مترجم، نام مجله داخل قوس «به شکل ایتالیک»، شماره مجله، صفحه، محل انتشار: ناشر.

مرجع‌دهی از سایت‌های معتبر اینترنتی: نام خانوادگی، نام (تاریخ انتشار)، عنوان مقاله یا کتاب (به شکل ایتالیک)، تاریخ بازیابی، نشانی صفحه‌ی اینترنتی.

■ ارزیابی مقاله

۱. مقاله بعد از ثبت در دفتر آمریت مجله، توسط مدیر مسئول و سردبیر بررسی و در صورت داشتن ارزش داوری، طی قرارداد رسمی به داور داده می‌شود.

۲. اگر مقاله نیاز به اصلاحات داشته باشد، به نویسنده بازگردانده می‌شود.

۳. مقالات توصیفی در اولویت نشر قرار نمی‌گیرند.

۴. مقاله‌ای در این مجله منتشر خواهد شد که بعد از ارزیابی، ۸۰٪ نمبر کسب

کند و قبلاً در مجله دیگر یا سایت‌های اینترنتی منتشر نشده باشد.

۵. مجله در پذیرفتن و نپذیرفتن و نیز ویرایش مقاله، آزاد است.



Dawat

Academic – Reserch
Journal

Second Year, Volume 5 (Winter 2022)